

خجسته باداول

ماه مه

روزه همبستگی جهانی کارگران!



پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۶۰ بهار ۳۰ دیال

مبادرات زندانیان
انقلابی،
زندانهای
جمهوری اسلامی را
بلوزه درآورده است!

کارگران، رحمتکشان،
هم میهنان مبارزا

هزاران نفر از فرزندان
کمونیست و انقلابی شما، که تنهای
"حزم" شان مبارزه برای رهایی
رحمتکشان و تلاش انقلابی در راه
آگاه کردن توده‌های ستمکش می-
باشد، در شهرهای مختلف و در زندان
- های جمهوری اسلامی در بیشترین
شوابیط سرمیربند. آنها می‌اعتنی
به شکنجه‌وار زندانیان مرتع
وی سپهراه زکوجکترین امکانات
اویلیه بهداشتی، غذائی و ... با
اعتصاب غذا و ... بمبازه علیه
رسم جمهوری اسلامی ادامه
میدهند. در زیردوگزارش از زندان
- های شیراز و سینه عباس که
حکایت از شوابیط طاقت فرسای
زندان و نیز مبارزات انقلابیون
درستدا رشدرا می‌آوریم:

باقیه در صفحه ۲

اعتراض ۵۰۰ هزار نفری کارگران ایران ناسیونال جلوه‌ای از قدرت طبقه کارگر!



گرامی باد یاد کموئیست
پیکارگر شهید رفیق
غلام رضا صداقت پناه
صفحه ۳۱

"ملی کردن تجارت خارجی و هیاهوی رویزیونیستها

صفحه ۱۱

۴۴ سرمهقاله

از سال "امنیت" تا
سال "صلح"
و عطوفت

۱۲ فروردین، در سویین سال
رفرازه دنیا شی جمهوری اسلامی،
برای "قا نوشی" کردن حکومت ضد
انقلابی خود، توسط رژیم "جنن"
گرفته شد؛ چشمی که در واقع رقص و
با یکوبی کسانی بود که با متوقف
کردن حرکت انقلابی توده‌ها در
قطع قیام، نظام اقتداری -
اجتماعی مسلط را از گرتدبیستر
توده‌ها در آمان داشتند و حکمت
جدیدی را مستقر نمودند که اینبار
خود به مانع اصلی در پراپر
انقلاب تبدیل گشته بود. این
چشم، نه جشن توده‌ها، بلکه چشم
بورژوازی حاکم بود، بریشندی
بود بر تمايلات و توهہمات توده‌های
تحت ستمی که بادست خویش، و با
نیروی توهہ خویش، رژیم جمهوری
اسلامی را برگرسی قدرت نشاند
بودند.

باقیه در صفحه ۲

در صفحات دیگر این شماره:

■ اول ماه مه روزه همبستگی جهانی کارگران!

■ مبارزات پرولتاریا و خلقهای جهان اوج می‌گیرد!

■ یک نکته پندآموز!

■ هدف بورژوازی از "بحث آزاد"

چرخش ضد انقلابی جدید رویزیونیست‌های خائن حزب توده

صفحه ۲۴

مُوگ بِر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

رژیم جمهوری اسلامی، با تکیه بر شیرروی عظیم نوهم، در ۱۲ فروردین ۵۸، توده‌ها را فراخواندند تا مهرتا شیدرستندند و ما سارت خویش بگدازند، سندی که نه تنها توده‌های متوجه، بلکه بورژوا- دمکرات‌ها هی نبا پیگیر شیز بهای امضا آن رفتند و با مشروعیت بخشیدن به رژیم حکم، سلطه آنها را برقدرت سیاسی و برمقدرات توده‌ها، بسیار رسمیت شناختند.

رژیم جمهوری اسلامی، در شرایط این جشن را برگزار رمی نماید که بسیاری از مواعید قول و قرارهای او در پیش توده‌های مردم و در جریان تجربه خود آنها و نیز در پرتوکار آگاهکارانه کمونیستها و نیروهای انقلابی، افشا و رسوا گشته است، حرکت دوساله رژیم، بسیاری از توده‌ها را به سمت این درک که این رژیم شیخواهند، و بخش‌های کمتری را به اینکه این رژیم نمیتواند بدخواسته‌های اساسی آنها با سخن دهد، سوق داده است. این بخش از توده‌ها، درگ فوق را به بسیاری فلکات و تبره روزی بیشتر و ضعیت زندگی خویش سرکوب می‌زد از قضا این توسط رژیم، کشان و دستگیری و گشته فرزندان دلار و می‌زدشان و رونج و سنم طبقاتی بیشمار رده‌همه عرصه‌های زندگی خود بودست آورده‌اند.

رژیم، جشن سالروز حکمیت خویش را در جای برگزار رمی‌کند که تجربه بکمال بحرا و تلاطم بیشتر را در پیش سرگذاشتند. سال گذشته سالی بود که سالی بود که بحرا ن اقتضای اجتماعی عمق و گسترش بیشتریافت و وورکستگی اقتضای رژیم عیناً ترکددید. سال گذشته سالی بود که بحرا ن سیاسی هم درپیا شن و هم درپیا ن توسعه و اقتضای، تکامل پیدا شد، این سال، سال فروپاشی بیشتر توده‌های بیشتر بحرا ن اقتضای انتقامی هیئت حاکمه و ورکستگی بیشتر که عرصه می‌زد کشانه شدند. این سال، سال فروپاشی بیشتر توده‌های انتقامی هیئت حاکمه و ورکستگی بیشتر کارمندان و کارکنان مبارز تاکیدنمود، کارگران رادرک رخانه به تولید بیشتر بحرا ن اخلاقی به سرکوب تهدید کرد و ... سال گذشته از نظر رژیم سال استقرار "منیت و نظم" بود. کشف معنای این کلمات برای توده‌ها که حداقل تجربه بکمال گذشته را از سرگذرا نهاده زمینه‌ای مالکان وزمینداران بزرگ را هشدار داد، تمغیه و "پا کسازی" دستگاه دولتی را از کارمندان و کارکنان مبارز تاکیدنمود، کارگران رادرک رخانه به تولید بیشتر بحرا ن اخلاقی هیئت توده‌ها و تقویت و نیرومندی هرجه بیشتر نیروهای انتقامی و کموئیت بود. سال گذشته سالی بود که تضادهای درونی رژیم، به اوج خود رسید و به تضییع بیشتر کل قدرت سیاسی منجر شد، تضادهایی که تا آستانه نیک اتفاقی سیاسی در درون حکومت به پیش رفت و درپیا سان سال با واسطه تهمیشی و با درگ غریزی همه جناحها از خطرات این انفجار بحال کل حاکمیت سیاسی بطور موقت کا هش بافت. سال گذشته سال سرکوب بیشتر می‌زد و توده‌ها از جای نسب رژیم سال کشانه و تیرپیاران دستگیری و شکنجه کمونیستها و انقلابیون، سال اعمال فشار و خفغان بیشتر بزیرهای سیاسی و انقلابی بود. آری رژیم با پشت سرگذاشتمن جنین سالی، به استقبال روز ۱۲ فروردین شناخت.

پیکار

گفت که "اً میداست امسال سال حکومت قائنون باشد". و "چه نیکوست که این سال جدید را سال رحمت و عفو و فوت و برادری اعلام کنیم". (بی‌ام خمینی به مناسبت سال جدید).
 عجزرژیم از بند بند کلمات فوق، نمایان است این بی‌ماهی عاجزش، درواقع بیان نگرین این بست تلاش‌های سترونی است که رژیم در سال پیش، برواستای سیاست سرکوب و ترور در پیش گرفته بود.
 رژیم می‌بیند که در پایان این سیاست بکالله، درین بست تلاش آفرینی گرفتار آمده است. سیاست سرکوب عربیان، در طی سال یک‌ماه گذشته، نه تنها "منیت" را به جای معاشر نگرداند و "نظم" مطلوب را مستقر نگردانید، بلکه برپیشتر ابتدا جنیش توده‌ای وستی باشد - های توهم توده‌ها، رژیم سیاسی حاکم بیش از پیش درپیا بر "نا منی" و "بی‌نظمی" قرار گرفته است. سیاست سرکوب رژیم در طول یک‌ماه گذشته نه تنها منیت را از میان را بین خود، به توده‌ها نهاده و با بهای قدرت آن را لرزان تراحت. تبلیغ "صلح" توسط سردمداران رژیم در سال جدید، حکایت از این عجزوین بست دارد.
 از جانب دیگر، بی‌ماه "عفو و فوت" و "برادری" و "وحدت" رژیم در سال جدید، برپیشتر از گیری بی‌عنوان سیاسی و تضادهای درونی حکومت در سال گذشته، قال درک است. این بی‌ماه، در واقع نهادی هرآ کوره‌قیبا از اینس افتاده‌ای است که موجودیت خویش را به هم‌تما در درختهای بیند؛ موجودیتی که فراتراز منافع این بی‌ماه آن جناح از بی‌وزرواژی است. و درست در همین نقطه اساسی است که در و جو دیگر "وحدت" و "برادری" احساس می‌کنند، وحدت درپیا بر این تغلب، توده‌ها و شیوه‌های انتقامی. بی‌ماه موحدت و برادری رژیم، بی‌ماه جنایت‌های این رژیم می‌گیری می‌زد، خود را بسترنی برای اوج گیری جنایت‌های این تدوین ایند و چنین است که بکدیگر را به "عفو و فوت" فرا می‌خواستند.
 با رای رژیم حکم، سال جدید را یک عقب نشینی آغاز کرده است. این عقب نشینی را باشد، به ذخیره‌ای برای تکامل و تداوم تغلب، با مقابله می‌زند و توده‌ها را مسح می‌کند. مسحور شدن درپیا برای این عقب نشینی تسلیم شدن درپیا برخدا تغلب و پادا دن به رژیم برای یک خیزش و تهاجم مددداست. باید این نکته سیاسی را بخطاطداشت که این بی‌ماه برای رشد عینی جنیش و نه زمینه‌های عینی تضادهای درونی حکومت و روندانی این تفاده‌ها در پیش ای از "صلح" و "برادری"، "حکومت قائنون" را نویداد و خمینی

بی‌ماهی دولتمردان جمهوری اسلامی، در آغاز سال جدید مقابله آن با بی‌ماهی سال گذشته به همین مناسبت بخوبی می‌تواند مضمون روندوا و غاص جامعه ادار طول بکمال گذشته، بخوبی ترسیم نماید. مقابله آن با بی‌ماهی بروشنی سیرو و بعطف و بیونی رژیم و ورکستگی آن را در همه عرصه‌های شناختن میدهد. بی‌ماهی سال گذشته، بی‌ماهی و های اصلی بی‌ماه مجامق و سرکوب سودو بی‌ماهی های گذشته، بی‌ماه شریعت و "عفو و فوت" و "برادری" و هردو بخاطر طریقات حکومت از جنگ‌گال بحران دم- افزون جامعه‌به عقب راند جنیش اعلیه باینده توده‌ها.
 سردمداران رژیم سال گذشته را سال "منیت" و "نظم" اعلام کردند و درپیا بی‌ماهی خود خطا به سریا زان حکومتی اعلام کرد که "از همین لحظه ارتش حق نداده بتوین از بی‌ماه درآورد و مردگار رخداد قراردادند. بینی صدر در سال گذشته در جنین روزی، ضمن سخنرانی خود خطا به سریا زان حکومتی اعلام کرد که "از همین لحظه ارتش حق نداده بتوین از بی‌ماه درآورد و مردگار که آن خطه را (کردستان) از وجوداً بین با غیبه (غلق کرد)! با کند. ا" و فرمان داد که از عکس - العمل قاطع نشان دهد (بعنی قارتنا ها)، قصدتان ها... دهکده‌های ویران وقتل عام شده‌گیری در کردستان بی‌ماه فرستاد و آن متعلق را با کنند! (مطلب داخل پرا نشزا ماست). و بده شوراهای مردمی محله برو دوبا الام "شورا بی شورا" توده‌های مردم را به مبارزه طلبید.
 خمینی نیز در پیا منوروزی گذشته خود، سرکوب می‌زند و مردم را در همه عرصه‌های درستور حکومت گذاشت سریا زان را به فرمایش رساند، دهقانان نصادره کننده مرجع ارتش فراخواند، دهقانان نصادره کننده زمینهای مالکان وزمینداران بزرگ را هشدار داد، تمغیه و "پا کسازی" دستگاه دولتی را از کارمندان و کارکنان مبارز تاکیدنمود، کارگران رادرک رخانه به تولید بیشتر بحرا ن اخلاقی "ا خللا" به سرکوب تهدید کرد و ... سال گذشته از نظر رژیم سال استقرار "منیت و نظم" بود. کشف معنای این کلمات برای توده‌ها که حداقل تجربه بکمال گذشته را از سرگذرا نهاده اند چندان دشوار نبود. آنها در سرکوب کارگران در کارخانه، به دهقانان در روستاها، خلق کردد کردستان و شیوه‌های انتقامی و کموئیت در سراسرا برایان، معنای این "نظم و منیت" را بیشتر بحرا ن درک نمودند.
 و اما در سال جدید، سردمداران رژیم، کوشیدند تا خود را بآ ورثه "سازندگی"، "سازندگی"، "حکومت قائنون"، "عفو و فوت" و "برادری" "جلسوه" دهند. بینی صدر اعلام کرد که میدوار است "سال ۱۴۶۰ سال ملح باشد". (بی‌ماه نوروزی بینی صدر رجا شی "سال ملح و سازندگی" را نویداد و خمینی

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها!

مبارزه در کارخانه داروپخش

بعد زمزکوسی واخراج بیش از ۱۵۰ نفر از
کارگران میا روزگار خانه دار روپیخت که در جریان
میبا روزانه شان برای سودویژور درسال گذشته
فعالیت داشتند، جواختنای درگاه خانه حاکم
گردیده بود و روزهای آخراں ۵۹ بعنوان
حسن ختنا ۱۰۰ عمل مذکور گرفتیش قانون ۴۸ ساعت
کار ردر هفت را در کارخانه داده روپیخت علامکرد و
روز ۵۹/۱۲/۲۳ اطلاعیه‌ای از از طرف وزارت کار
میتنی سرا فراز بیش ۴۵ دقیقه سراسرآلات کار روزانه
خواهند شد. کارگران که توانیم فنا راهی وارد
برخویش را تحمل کرده بودند، بدیگر حاضر صبره رفتن
زیبی را بین فنا روزیم نگیردیده و دست به اعتراض
زیبدند: آنها تصمیم گرفتند که طبق ساعت قبلی
کار خود را استغایل کنند. عالمیه ضمیمه نشریه
"پیک دار روسا" که فردای آن روز در اسن وابطه
بیخش شده بودتا شیرپرسازی در روپیختی و اراده
کارگران داشت. کارگران علیرغم تزلزل برخی
از پیشها، طبق ساعت قبلی دست از کار رکشیدند.
در این میان نلاشهای مزدوران این جمن اسلامی
و خاکشین روپیختیست سرا و ادارگردان
کارگران به تعیین ای ازوزات کار، بجا شی نرسید
اما روز بعد سعیت ضعف آگاهی هی و تحریمه میبا رزا شی
غلب کارگران و تهدیدهای مزدوران رزیم
میتنی سرا خراج و بیکارشدن آنها،
حرکت اتفاقی کارگران ادا نمیباشد.

نقطه اخراج کارکنان
شرکت حفایی مسجد سلیمان
پدست مزدوران رژیم سابق

دوبی سیا سست ضدکارگری رژیم میثی برخوا راج
کارگران که بخصوص بعد زنگ ارتقا عی کنوئی،
کترش یا فته است، توطنه حدبیدی در شرکت ملی
حقای سنا دمسجد سلیمان شکل میگیرد. بدین -
ترتیب که روز ۱۲/۱۰/۱۴۰۲ هیئتی برای تقدیر -
کارگران شرکت ازا هوا ز به مسجد سلیمان میابند
دادف این هیئت در طرا هر این است که کارگران
ما زادیرا حتیا ج شرکت حقای را به شرکت نفت
 منتقل نمایند. ما سنا به گفته خود مشمولین
هیئت، حدا کثرت ۴۶۰۰ نفر از کل ۳۴۵۰ نفر کارگران
برکت، به شرکت نفت منتقل خواهندند (در جای
بیکراین سعدا درا ۳۴۵ نفر می خواهند) هیئت
بنزینور در جواب کارگران که در مردم رونوشت
تفقیه سوال میگردند، اعتراض میکنند که تعدادی
ما زنشسته شده و حدود ۱۵۰۰ نفر بلانکلیف میمانند!
بدین ترتیب توطنه کشیف رژیم میثی برآ زم
با شیدن کارگران حقای روی وسیں بیکارگردان
خش بزرگی از آنان شکل میگیرد. نکته جالب



اعتصاب ده هزار تنگی کارکران ایران ناسیونال چلوهای از قدرت طبقه کارگر

طبقه کا رکرا بران علیہ سرا یہ داری و روزیم
حافظ آن بشم ارمیا بدی روزیم حاکم مذبوحانے
وا سمود میسا زدکه مدارف "ستضعنان" است. اما
کا رکرا ن قهرمان ایران با اعتماد بات دلسرانہ
خود مثبت محکمی بدها ارجاع میکوئند. ما
در اینجا به درج اعلامیه تشکیلات تهران سازمان اقدام میکیم
باقیه در مخاطب
۱۵

از روز شنبه ۸ فروردین کارگران ایران -
نا سیوانا ب مدعت چندروز دست به اعتناب زدند
تا سودویزه خود را ب طور کامل دریافت نمایند.
این اعتناب بمورت یکسان را چند در سراسر کارخانه
مصور گرفت و کلیه کارگران و کارکنان کارخانه
(نژدیک به ۱۵ هزار نفر) دست از کار رکشیدند.
این مبارا روزات جلوه‌ای از روند اعلائی چنین

اجتماع کارکنان صنعت نفت در شبیاز

روزیم شا مسیرکاری جو سازشکاری نداشتند.
ضرورت راهپیماشی را طرح کرد. در این هنگام جمعیت متوجه دهدهای ای ازعوال و استنبته روزیم کردید که از خبرناران عکس میگیرند. لذا آنها را گرفته و خواستند تا علت ایکار خود را توضیح دهند. اما آنها که غالباً محصل و کم منودند، چیزی نداشتند که بگویند و کار رشان نتیجه‌ای جز افشاری هرچند پیشتر رزمه هستگی بیشترکارگران نداشت. کارگری اظهار مسداشت که "اینها روی ساواک را سفیدکرده اند و حتی بجهه هارا همساواکی و حاسوس با رامساورند." دیگری میگفت: "جو از نیما بیندگان ما عکس میگیرید بسیار شدیداً زیستگی ما عکس بگیرید و نستان ارباب استان بدھید کده بدروزما آورده اند." در این هنگام کسی از کارگران از فرط نثار احتیت بلندند و گفت: "همکاران اما مزوکه کما روز بروز مشکل تسریع میشوند و شورای وافعی خود را برپا داشتم، روزیم وحشت کرده، چون ما بیگیرترین و انقلابی ترین طبقه‌جاه معده هستیم روی همین اصل برای متنلاشی کردن مادرست به اعمال جناست کار آنسته میزند! این گفته‌ها موردن تائید کارگران قرار گرفت. کارگران شمار "روودبرکارگر" را نتکرار کردند.
مسئله دیگری که در این اجتماع مطرح شد، افشاری "ستاد کمیته بررسی مشکلات کارگران" جنگزده "بودگه توسط بسیار از نیما بیندگان شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت و کارگرانها بش در رابطه با نیبرداختن حقوق به کارگران محاکوم شدند. سخنان این نماینده مورد تائید کارگران قرار گرفت.
روزیم شا مجمع عمومی کارگران جنگ - زده صنعت نفت مستقر در شهر از در محل ساخه نفت، تشکیل شد. ابتدا نیما بیندگان جدیدشوارا که روز قبل در همین محل انتخاب شده بودند، محبت کردند. آنها ضرورت می‌بازد پیگیرانه برای رسیدن به خواستها بشان را طرح کرده و در رابطه با آزادی نیما بیندگان زندانیشان بیکی از نیما بیندگان نیرو را گفت: باز اخراجی که ماتعی را همراهی آزاد ساختن نیما بیندگان ایسیر خود دیگر ممدوه است، و نتیجه‌ای نداده، ضرورت انجام اقدامات قاطعتری مطرح نیستند. لذا بینندگان انجام بکار راهپیماشی اعتبراً ضرور است. این مسئله با اعتبراضیکی از اکثر بینندگان خائن مواجه گردید. این نوکر سرما یه دیگر عنوان کردن بینندگی کارگران و اینکه خواستهای آنها ساده‌گرفته صنفی باشد، سعی در حل و بگیری از ارتقاء، مبارزات و خواستهای کارگران داشت. اما نیما بیندگان مزبوره افشاری نظرات وی برداخته و می‌بینندگان نیسایی کارگران صنعت نفت قابل از قبایا مرآ بعنوان شمونه ذکر کرد که جگوه غیرigram می‌نگردد. روزیم شا هاضم این نظرات وی را بخوبی از خود جدا نمود. سخنان این نفرت و می‌بینندگان روزه خود را دادند. سخنان این نیما بیندگان تا شیدکارگران مواجه گردید و آنها سه بار شعار "نماینده زندانی صنعت نفت آزاد با یکدیگر" را تکرار کردند و خواسته این روزه را درآوردند.
نماینده دیگری نیز در سخنان خود ضمن افشاری ما همیشندگان را کرد و خواسته ای که در زمان

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

خانشین سادجو اب بدھید که رژیم جمهوری اسلامی برای ما چه کرده است؟ بعلوه شما منکرد جنگ است و نباشد مملکت را شلوغ کردو ما هم خواسته بیان را خواهیم تا مملکت با مطلاع شلoug شود، بسیار راحی و سندی صدر، حزبها و لیبرالها در این موقع بددعوا بیان ادا می‌نمهد و شلoug کرده اند؟ بسیار معلوم مشود که جنگ بهانه‌ای است برای سرکوب کارگران و ندادن حقشان!

سرخا معاذل سیاسی، کارگران روز ۱۲/۲۷ و رای اسلامی بعده بیان شعبین میکنند. اما یکی از احتماع بعده بیان شعبین میکنند. اما یکی از خانشین شوده‌ای اعتراض کرده و قبیحه‌نمی‌کوید "شما همه با آمریکا همداد شده اید"! آری روپریزونیست‌ها که شفیع که برای فربیت کارگران خودرا مدافعان متفاوت آشنا قلمداد میکنند، زمانی که بینجنسن، رما نده و عازم میشوند، ظهر سازی را فرا موش کرده و پیش‌مانند کارگران می‌سازد و زحمتکش جنگرده را "همدان آمریکا" میخواهند آشنا از این تراحت میشوند که چرا آنکه طبقاتی کارگران رشدمکند و توهمانها شتان نسبت بدیرزیم سرمایه‌داران فرو میریزد. آری آشنا از اینکه در خدمتکاری برای سرمایه‌داران ناموفق سوده‌اند عصبانی هستند و البته که باید عصبانیهای تناکی های "بزرگتر از این را تحریره کنند!

در هر حال در آن طلسم، کارگران بقدیمی از ارجایی فوده‌ای مزدور خشمگین کردیده بودند که میخواستند و را اکنک بزندند. کارگر می‌رسی رای گفت: "این شما بودید که ۳۲ به کارگران خیانت کردید و سرتا پایتاش هم روسی است تازه همین آمریکا شیهرا را چه کسانی حما بی کردند؟ مکررها شنودیدند که سرگانها، متوجه ها و مدنی ها را مورد حمله بیت قرار دادند؟ ما میکوشیم هر جزو در دماد را دوا میکنند و نه لیبرالها. توهم دیگر است غلط‌ها بیدا بیت نشود! تبدیل ترتیب اجتماع کارگران در شرایط بیان میرسد که همه ماهیت مذکور را که رژیم جمهوری اسلامی بیشتر بین برده اند و همه‌جهه کثیف روپریزونیست‌ها را پیشترشناختند.

اجتماع کارگران صنعت نفت در ماهشهر نشان داد که:

خانی روپریزونیست‌ها دیگر رنگی ندارد!

روز ۱۲/۵۹ کارگران صنعت نفت ما شهر برای دریافت حقوق خوبیش به "ستاد کارگران" جنگرده "مرا جمهوری میکنند" ما با اطلاعیه‌ای که خبر از عدم پرداخت حقوق بهمها نهشودند بول در این روز می‌داد، مواجه می‌شوند. بنابراین کارگران بعنوان اعتراض در محظوظ جن ستاب احتماع کرده و نیما بندۀ کارگران زیرپوشی و جندن دیگر از کارگران به محبت‌های افشاگرانه می‌پردازند. ما آنچه که در این میان قابل توجه بود، فعالیت مذبوحه روپریزونیست‌ها خانش اکثریتی و تعددی ای بود که ما نهند همیشه به شناس برای تفرقه افکنی میان کارگران و دفاع از رژیم مشغول بودند. کارگر می‌رزی به افسای "ستاد پروری مکلات کارگران" (که روپریزونیست - ها نیز در آن مشغول شوکری برای سرمایه‌داران می‌باشند)، بپرداخت و هدف آنرا که اینجا دتفرقه و برآنکنگی در مفروض کارگران است، سرمهای داران این قابل می‌باشد، کارگران می‌شوند، تمنی‌تو است با عن خشم روپریزونیست‌ها شکردد. آشنا یکبار ربا طرح اینکه فقط کارگران مقیم ما هشتمیتو اند محبت کنند! "سازمانی کارگرها مظلوم‌نمای و تشویق کارگران به طرح خواسته‌بان از طریق قانونی (۱۱) و علم کردن مستله‌جنگ، سعی کردند همین کارگران را منحرف سازند. اما هزار کارگران می‌سازند با جواب دندان شکنی این شوکران سرمایه را سک روی بخ کردند. مثلاً یکی از کارگران ضمن مخاطب قراردادن یکی از روپریزونیست‌های اکثریت گفت: "ما که برای خواسته‌بیان سه سال است می‌زاریزه کرده و خواهیم کردولی شما



اینجاست که یکی از اعضا هیئت مژبور، مزدوری شناخته شده برای کارگران شرکت است. این عنصر که از جیره خواران رژیم شاید، حتی مدت ۲ ماه هم بوسیله "دادگاه انتقام" دستگیر شده بود. اما نه تنها مانند بسیاری از اسما و اکبها و جنایتکاران رژیم باقی شوطي رژیم جمهوری اسلامی آزادگردید، بلکه مجدداً با همان سمت قبلى اینبار در خدمت رژیم کشوری کارگر فتنه شد. این مسئله‌که موجب تفرقه و خشم کارگران خارجی گردید بیش از پیش ما هیئت مدمرد می‌زیمرا برای این اتفاق ساخت. کارگران شرکت خواری مسجدسلیمان تنها در پرتو تحداد، تشكیل و مبارزات خودخواهند توانست این توطئه و توطئه‌های بعدی رژیم را می‌بداران را خنثی کرده و از حقوق خوبیش دفاع نمایند.

اخراج کارگران بخطاب اعتراض

در پی اعتراض کارگران "شرکت ساخته نی" آبادان شماره ۱۲۶ که در تاریخ ۵/۱۲/۹ گرفتن حقوق عقب افتاده شان مورث گرفته بود که منجر به عقب نشینی کارگرها و پیروزی کارگران می‌شود، در روز ۱۱/۵/۹ کارگران می‌فرماید بهینه‌نام کار، اقدام به اخراج دسته جمعی کارگران میکنند و در همان حال کارگران خدیدی را بکار می‌گیرند. این تاکتیک قدیمی کارگرها بآن زالومت است که در مقابله با مبارزات کارگران بکار می‌گیرند و مدهاتن دیگر را وانهاردی بسکاران می‌سازند. اما دیری نخواهد باید کارگران و زحمتکشان با آنکه طبقاتی بساط حکومت سرمایه‌داران را در هم بیچیده و بروبرانه های آن حکومت حامی منافع کارگران و زحمتکشان را برویارند.



خلق‌ها و مسئله ملی

در این اغتراف به بستن چشمها مرا به اطاعتی
نداد خستندا ساری که بیوی گندال لکل دهان نش
نمایم را میا زرد و چشانش مثل دوکا سخون بود
ظرف محمله کرد. اما در اثر مقاومت سختانه ام
کاری از پیش نرسد. مردان از آنات بیرون آوردند
رگفتند: «ادعا میان کنید. در حین اجرای اعدام
نمایشی گفتند و صیت نامهنان را بنویسید همه
رقا گفتند: «هیچ وصیتی نداشتم فقط من گفتمن
که حلقدستم را به فرزند دادساله ما مهدیه. بعد از
خلاستهای مذبوحانه جلدان رژیم نتیجه ای
بگرفته و مارا به دگان برگرداند. اعدامهای
را اقمع شروع شد: در جریان اعدام مرتفعی شهید
«مستوره شهیواری» و «نمرالله قدسی» ۲۳ نفر از
مارا به میدان اعدا مبردند تا دیدن مرا سام
اعدا مدت از مقاومت بردام. سرفرقای
باقیه در صفحه ع

عده‌ای از پیشمرگان در کنار رکاروان با
مردان ده خدا حافظی را شروع کردند. دست
محمد پیغمبر را جوں دولجه بک زنجیر به مه مغل می-
کردند و می فشدند و آنکا بوسه‌های گرم گونه ها
را این من میکردند و در حالی که دستها هنوز به مه مغل
بودند چشمها را سرخ و اشک آلود برای مدتی در هم
میخته میشد. زنان و دختران با دیدن این
محنه ها اشک برگونه ها بشان حاری بود و گوئی
هر قدره اشک که بر زمین میباشد افتادن فحاری بود
مهیب و فرباری بر علیه است مرگ را ناگهان
طنین صدا شی سکوت سدر و روتا را شکست: "بزری
بیزی پیشمرگه، دوڑمن نه صمیمی مرگه" (زندگه
با دنیروی پیشمرگه، دشمن نصیبی مرگ است) (۱)
نگاریمی در آسادی منفر گشودگوشها و چشمها
را بطرف خود کشید. مدادی که بود؟ مدادی نسلی
بوده استلی دیگر، مدادی حرکت تاریخ بسود و
وای بجهه های روستا بالاسهای کهنه و پاره -
نان، دستهای ترک خورده شان، بآهای بر هنره شان
چشمان برا شکنان در حالی که پیشمرگان را در



پاسداران جلاد در زندانهای جمهوری اسلامی با ماجه کردند؟

گزارشی از جنایات، قساوتها، شکنجه‌ها و مقاومت حماسی و باشکوه دختران کرد زندانی

بندنی ضعف، رنجورونگ پریده داشت، کنترل میکردیدا زاتما مسرود، بنا به درخواست پیشمرگان وزحمتکشان آبادی زن جوان در مردم را مگذشت و آمدش به مقترن شروع به صحبت کرد؛ درودبرستما می شهدای خلقهای قهرمانان دران، درودبرشدهای خلق کرد!

بڑی ہیزی کریکار، بڑی ہیزی پیشمرگہ

زندہ باد قدرت کارگر، زندہ باد قدرت پیشمرگہ

پیشمرگه کیست؟ و یک کارگراست، یک دهقان ستمدیده، یک دانش آموز، یک دانشجو، یک معلم، اول خلق کرداست که اسلجه بودوش بسا دشننا ن طبقاتی اش می جنگد، تا زنجیرستم ملی - طبقاتی را از همه بگلند. آری پیشمرگه را در هیئت تک رحمتکنان استئشار شده، گردستان میتوان یافت و این همان پیوندی است بین خلق کردو پیشمرگان که از هزاران رشته تشکیل شده است. پیشمرگه در دل خلق کرد، در اعماق دردها، رنجها، عشقها و شادیهاست ستمدیدگان گردستان جای دارد و سهمین خاطره بیح نبرویش قا دربه حد اکردن این دوازمه نبیست. آتجه که میخوانیدگاری است که پیشمرگان مازمان ارسال گردها اند و در واقع تجسمی است کوچک از این پیوستگی دردها، رنجها و شادیها بخط جدا شی بین پیشمرگان و خلق کرده که در شا بط جدا شی

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



نگاهها برای وداع برهم دوختند. سـتـون پیـشـمـرـگـان سـآـرا مـیـشـروع بـهـحـرـکـتـ کـرد. اـهـالـی آـبـادـی سـاـکـنـدـهـ بـودـند. دـسـتـهاـ وـجـهـانـ اـشـکـارـانـ پـیـشـمـرـگـان رـاـ بـدـرـقـهـ مـیـکـرـدـ. روـیـ تـبـهـ اـیـ بـلـندـ عـدـهـ اـیـ اـزـجـهـهـایـ روـسـتـاـ بـاـتـفـگـهـایـ چـوـسـیـ درـ دـسـتـ نـاـگـهـانـ قـرـبـاـ دـبـرـآـ وـرـدـنـدـ. سـبـزـیـ کـرـیـکـارـ، سـبـزـیـ هـرـیـ پـیـشـمـرـگـهـ "زـنـدـهـ بـاـدـنـیـروـیـ کـارـگـرـ بـزـنـدـهـ سـاـدـنـیـروـیـ پـیـشـمـرـگـهـ" وـهـ مـصـورـتـ سـوـشـیـ سـوـرـوـیـ شـیـخـتـهـ بـطـرـفـ آـبـادـیـ حـرـکـتـ کـرـدـنـدـ. پـیـشـمـرـگـانـ دـرـ جـوـاـ بـرـودـمـیـ خـواـندـنـ وـ مـدـاـ بـیـشـانـ درـ تـحـمـاـ کـوـهـاـ وـجـنـگـلـهـاـ وـدـرـهـاـ مـنـعـکـسـ مـیـ شـوـدـرـگـوـشـاـ مـیـ بـیـجـیدـ.

باـ اـلـحـدـبـاـ سـخـ دـادـ؟ـسـهـ فـکـرـمـیـکـرـدـنـدـ کـهـ دـبـگـرـ پـیـشـمـرـگـانـ بـسـرـاـ غـشـانـ سـخـواـهـنـدـ. پـیـشـمـرـگـانـ درـمـنـتـهـیـ الـیـهـ آـبـادـیـ آـمـادـهـ حـرـکـتـ بـودـنـدـ. نـمـیـ توـانـتـدـ حـرـکـتـ کـنـدـ. گـوـشـیـ تـمـاـ مـیـ رـگـهـایـ بـدـنـشـانـ سـرـگـهـایـ بـدـنـ اـهـالـیـ آـبـادـیـ وـمـلـدـ شـدـهـ بـودـ. صـبـحـ وـسـارـانـ بـوـسـهـاـ. "تـورـخـداـ حـتـمـاـ بـاـمـسـنـوـسـیـدـمـاـ بـاـشـمـیـشـتـانـ" دـوـبـاـرـهـ حـتـمـاـ بـاـشـیـدـوـسـرـیـ بـزـنـیـهـ، "مـیـحـوقـتـ شـاـ رـاـفـرـاـ مـوـشـ نـمـیـ کـنـمـ". اـسـانـ فـکـرـمـیـکـرـدـ کـهـ دـنـبـاـ هـمـیـنـ بـکـهـ زـمـینـ آـبـادـیـ اـسـتـ وـجـرـیـانـ تـارـیـخـ دـرـ آـنـ سـیرـیـ مـیـشـوـدـ وـسـارـهـ طـفـاقـیـ مـیـ شـکـدـ. دـسـتـهاـ سـاـلـاـ رـفـتـ وـتـکـانـ خـورـدـ آـخـرـیـ

روـشـمـلـوـعـوـکـرـدـدـکـهـاـ بـنـ رـفـقـاـ هـرـکـدـاـ مـبـهـعـ مـاـ مـاـ مـعـمـوـدـهـ بـوـدـنـدـ مـحـکـمـیـتـ اـعـدـاـ مـکـرـدـهـ بـوـدـنـدـ.

اـشـدـرـجـشـمـهـایـ زـنـ جـوـانـ، اـبـنـ شـیـلـوـرـ قـهـرـمـانـبـهـاـ حـاـمـهـاـ وـمـقاـ وـمـتـهاـ خـلـقـزـدـهـ بـسـودـ، نـفـرـتـدـرـجـشـمـهـایـ تـکـ پـیـشـمـرـگـانـ وـزـحـمـتـانـ آـبـادـیـ مـیـ جـوـشـیدـ. زـنـ جـوـانـ اـزـبـارـزـاتـ رـفـقـاـ

دـاـغـرـاـعـتـاـضـ بـهـ بـسـتـنـ چـشـمـهـاـمـرـایـ اـتـاقـیـ اـنـدـاـخـتـنـدـ پـاـسـدـارـیـ کـهـ بـوـیـ گـنـدـ الـکـ دـهـانـشـ منـامـ رـامـ آـزـدـ وـجـشـمـاـنـ مـثـلـ دـوـکـاـسـ خـونـ بـوـدـ بـطـرـمـ حـمـلـ کـرـدـ، اـمـاـ دـاـرـاـتـمـاـقـاـ وـمـتـ سـرـسـخـتـانـ منـ کـارـیـ اـرـیـشـ نـهـرـدـ.

زـنـدـانـیـ اـزـشـکـنـجـهـاـ، اـزـدـرـدـهـاـ، اـزـمـقاـ وـمـتـهـایـ حـاـمـدـ آـرـبـینـ رـفـقـاـیـ اـسـبـرـخـنـ مـیـگـفتـ وـبـالـفـتـایـ جـنـبـایـاتـ رـزـیـمـوـبـاـسـارـانـ وـجـاـشـهـایـ حـلـادـشـ، بـیـمـیـانـ پـیـشـمـرـگـانـ سـازـمـانـ رـاـبـاـخـلـقـ سـمـدـیدـهـ کـدـ مـحـکـمـتـمـیـمـوـدـ. زـنـ جـوـانـ اـزـسـیـاـ هـجـالـهـایـ رـزـیـمـ جـمـهـهـ وـرـیـ اـلـلـامـیـ، اـزـجـنـاـبـاـتـ وـقـسـاـوـتـهـایـ بـاـسـارـانـ، اـزـ مـقـاـ وـمـتـ اـنـقـلـابـیـوـنـ وـاـزـنـدـاـوـمـ سـلـقـابـ سـخـنـ مـیـ ـ کـنـتـ اـوـاـزـ طـرـفـ رـفـقـاـیـ زـنـدـانـیـ شـعـدـاـدـیـ دـبـتـکـشـ بـرـایـ پـیـشـمـرـگـانـ تـهـیـهـ کـرـدـهـ بـوـدـ ماـ بـعـلـتـمـانـتـ بـرـایـ پـیـشـمـرـگـانـ تـهـیـهـ کـرـدـهـ بـوـدـ ماـ بـعـلـتـمـانـتـ بـاـسـارـانـ تـنـهـاـ بـکـ جـفـتـ دـسـتـکـشـ اـزـ زـنـدـانـ خـارـجـ کـرـدـبـودـ. اـوـرـحـالـیـکـاـشـ شـقـ، اـشـکـ شـاـدـیـ اـزـ اـدـاـمـهـ اـمـاـ رـهـهـ دـرـکـنـاـ رـیـشـمـرـگـانـ قـهـرـمـانـ چـشـمـانـشـ رـاـگـرـفـتـ بـوـدـ دـسـتـکـشـ رـاـ بـدـتـ بـکـیـ اـزـ پـیـشـمـرـگـانـ سـازـمـانـ کـرـدـوـبـدـیـنـ وـسـیـلـهـ بـیـامـ

بـقـیـهـ دـرـ صـفحـهـ ۱۰

کـرـدـنـدـ وـمـاـ نـیـزـدـرـاـ بـنـ حـرـکـتـ بـاـنـهـاـ هـمـهـ شـدـیـمـ. درـمـقـاـبـلـ تـهـدـیدـاتـ رـشـیـنـ زـنـدـانـ مـاـ بـهـ مـقـاـ وـمـتـ اـنـقـلـابـیـ خـودـ دـاـ مـدـاـ دـیـمـ کـدـدـارـشـ آـنـ مـاـ رـاـ مـهـ اـنـقـلـابـیـ خـودـ دـاـ مـدـاـ دـیـمـ کـدـدـارـشـ آـنـ مـاـ رـاـ مـهـ زـنـدـانـ تـصـرـنـتـقـلـ کـرـدـنـدـ. اـمـاـ مـاـ دـرـزـنـدـانـ قـصـرـ نـیـزـهـ مـدـتـ ۸ـ رـوـیـهـ اـعـتـمـاـبـ غـذـاـ دـسـتـ زـدـیـمـ. درـ جـرـیـانـ اـبـنـ اـنـ اـعـتـمـاـبـ بـهـ رـفـقـاـیـ رـنـجـوـرـوـضـعـیـ فـ سـرـمـوـلـ کـرـدـنـدـاـ مـاـ رـفـقـاـیـ رـوـحـیـهـایـ بـیـ نـظـیـرـ سـرـمـرـاـ قـطـعـ کـرـدـنـدـاـ مـاـ رـفـقـاـیـ رـوـحـیـهـایـ بـیـ نـظـیـرـ مـبـاـرـزـهـ اـنـقـلـابـیـ خـودـبـشـهـاـ دـرـ بـرـسـنـدـ.

بعدـاـ ۴ـ رـوـیـهـ زـنـدـانـ شـهـرـبـانـیـ سـنـدـجـ مـنـتـقـلـ شـدـیـمـ هـنـگـاـ مـاـ سـنـقـالـ شـکـنـجـهـ رـوـحـیـ توـسـطـ بـاـسـارـانـ اـدـاـمـدـاـشـ دـرـ سـنـدـجـ شـعـدـاـدـیـ اـزـ رـفـقـاـیـ زـمـلـهـ مـرـاـ بـعـدـاـ شـکـنـجـهـایـ فـرـاـوـانـ بـیـ اـزـ

مـیـانـ خـودـرـقـ کـرـدـهـ بـوـدـنـدـ مـسـیـرـمـقاـبـلـ آـخـرـیـ خـانـهـهـاـیـ رـوـسـتـاـ رـاطـیـ مـیـکـرـدـنـ. چـشـماـ هـمـ بـرـ اـشـکـرـشـدـوـشـیـوـنـ زـنـانـ زـحـمـتـکـشـ بـلـنـدـتـرـ. چـشـماـ هـمـ بـرـ مـرـدـهـانـرـیـشـدـ گـیرـهـ مـیـکـرـدـنـ. جـهـ اـشـفـاقـیـ اـفـسـادـ بـوـدـ آـیـا~ عـزـیـزـا~ نـشـانـ مرـدـهـ بـوـدـ؟ـ خـیـرـ آـنـهـاـ نـهـ مـدـفـعـاـ خـودـرـا~ اـزـدـستـمـیدـاـدـنـ. بـعـدـا~ زـا~ یـعنـی~ بـیـورـشـ مـزـدـورـا~ نـسـمـا~ بـیدـارـا~ رـا~ جـکـونـهـ مـبـیـتوـا~ نـ

پـاسـدـاـوـاـنـ ...

اعـدـاـ مـیـ بـتـوـمـیـ اـنـدـاـخـنـدـوـبـهـمـراـهـنـاـ تـعـدـاـدـیـ باـسـارـیـا~ سـوـرـوـیـ بـوـشـیدـهـ بـحـایـ رـفـقـادـ مـیـدانـ تـبـرـقـرـاـ رـمـیـ گـرفـتـنـدـوـسـعـدـا~ رـا~عـدـا~ مـرـفـقـایـ مـا~ بـاـسـارـا~ دـرـقـا~ لـبـ رـفـقـاـیـ مـا~ اـطـهـاـ رـیـشـمـا~ نـیـ مـیـکـرـدـنـدـتا~ اـرـا~ین~ طـرـیـقـ رـوـحـیـهـ مـقاـ وـمـتـ جـوـیـا~ نـهـ مـارـانـ نـیـزـبـیـشـکـنـدـ. اـمـا~ مـا~ زـبـوتـیـنـ هـای~ باـسـارـا~ جـلـاحـیـلـهـهـاـی~ آـنـهـا~ رـا~ فـهـمـیدـیـمـ. درـجـرـیـا~ نـیـ اـنـ مـا~ یـکـمـا~ سـرـوـدـمـی~ رـخـوـنـدـیـمـ. رـوـحـیـهـ مـیـلـهـاـشـ لـمـدـا~ دـنـدـ. بـاـزـجـوـشـیـ شـروعـ شـدـ وـ رـوـیـ مـلـهـاـشـ لـمـدـا~ دـنـدـ. باـسـارـا~ بـهـمـیـا~ نـهـ مـعـاـینـهـ قـمـدـحـا~ وـزـدـا~ شـنـدـنـ باـسـارـا~ بـهـمـیـا~ شـدـیدـدـمـا~ رـوـسـوـشـدـنـدـ. اـمـا~ قـمـلـ اـزـ کـهـ بـاـعـقـاـوـمـتـ شـدـیدـمـا~ رـوـسـوـشـدـنـدـ. اـمـا~ قـمـلـ اـزـ اـعـدـا~ مـبـرـخـی~ اـزـ رـفـقـا~ بـهـ آـنـهـا~ تـجـا~ وـزـرـکـرـدـنـ. بـکـیـ اـزـ جـاـشـهـای~ مـعـرـوفـ سـنـدـجـ بـهـ اـسـ حـاجـ "مـسـعـودـ". غـیـانـ "مـشـوـلـ شـکـنـجـهـ رـوـحـیـ وـبـکـ باـسـادـاـفـهـاـنـیـ مـسـئـولـ شـکـنـجـهـ بـدـنـی~ اـنـقـلـابـیـوـنـ بـوـدـ. مـا~ رـا~ بـهـ زـنـدـانـ شـهـرـبـانـیـ سـنـتـقـلـ کـرـدـنـدـ درـ اـوـلـینـ شـبـ اـقـتـمـانـ درـ آـنـجـا~ رـفـقـ شـهـیدـ "شـهـینـ باـ وـفا~ "رـا~ اـعـدـا~ مـکـرـدـنـدـ. باـسـارـا~ جـلـ قـبـلـ اـزـ اـعـدـا~ مـرـفـقـیـ مـسـتـ کـرـدـهـ وـتـرـیـاـکـ کـشـیدـهـ وـبـسـ اـزـ تـجـا~ وـزـوـحـشـیـا~ نـهـبـهـ رـفـقـیـ شـهـینـ باـ وـفا~، درـ حـیـنـ رـا~ رـفـتـ اـوـرـا~ بـهـ گـلـوـلـهـ مـیـ بـنـدـنـدـ وـرـقـیـقـ بـاـ دـرـدـ وـرـجـرـفـرـا~ وـا~ بـشـهـا~ دـتـ مـیـرسـدـ.

رـفـقـیـ شـهـینـ اـزـ رـفـقـاـشـ بـوـدـکـهـ دـرـجـرـیـا~ جـنـ، فـعـاـلـانـدـزـخـمـیـهـاـ رـا~ مـا~ دـا~ و~م~ن~ نـمـوـدـوـرـزـیـم~ بـهـ خـاطـرـجـا~ نـقـشـانـی~ اـوـدـرـجـهـتـ کـمـ بـهـ زـحـمـتـکـشـانـ کـرـدـسـتـانـ اـوـرـا~ اـعـدـا~ مـکـرـدـ. هـنـگـا~ مـتـحـوـلـ اـجـادـ رـفـیـقـ شـهـینـ وـرـفـیـقـیـ بـهـ مـرـوـیـا~ آـنـ رـوـخـتـنـ نـقـاطـیـ بـا~ آ~تـشـ سـیـگـا~ رـدـرـبـدـشـانـ مـوـبـدا~ بـوـدـ. (مـدتـ سـهـ مـاهـنـگـدـا~ شـنـدـا~ سـتـحـمـا~ مـبـکـتـ) (بـعـدـ اـزـ ۴ـ مـاهـ مـارـا~ بـهـ زـنـدـانـ اوـمـنـ بـوـدـنـدـ. مـدتـ ۴ـ مـاهـ اـسـارتـ دـرـا~ وـبـنـ هـوـخـرـی~ نـدـا~ شـتـبـمـ وـدـرـا~ شـرـ رـطـوبـتـ بـکـی~ اـزـ رـفـقـاـهـمـا~ کـنـتـونـ درـ جـاـلـ فـلـجـ شـدـنـ هـستـ. بـعـلـتـ بـلـاتـکـلـیـفـیـ شـروعـ بـهـ اـعـتـرـاضـ کـرـدـیـمـ اـمـا~ بـاـسـارـا~ وـخـیـانـهـا~ اـعـتـرـاضـ مـارـا~ سـخـ اـزـ دـا~ دـنـدـ. دـرـا~ شـرـ جـلـهـ وـخـیـانـهـا~ آـنـهـا~ بـایـ بـکـی~ اـزـ رـفـقـاـشـ وـجـلـوـجـمـسـیـا~ رـی~ اـزـ رـفـقـاـهـمـا~ کـنـنـدـ. مـشتـ وـلـگـدـکـبـودـشـدـ بـوـدـ. بـاـسـارـا~ مـوـی~ سـرـمـرا~ باـ وـحـشـیـگـرـی~ هـرـجـهـ تـمـکـنـدـ. مـا~ اـعـتـمـاـبـ غـدـا~ کـرـدـمـ بـعـدـا~ زـسـرـوـزـا~ اـعـتـمـاـبـ غـدـا~ رـشـیـسـ زـنـدـا~



بقیه زصفحه ۱

هشدار که جان زندانیان سیاسی انقلابی در خطر است!



- این اشان، شکنجه گران و دزخیمان سیاه پاسداران ضد انقلاب به جان زندانیان سیاسی افتاده اند.
- بسیاری از زندانیان را به قصد کشت کنک زده اند، بعلت شرایط غیر انسانی زندان و نبود حدود سه ماه هواخوری زندانیان اربیماری های مفصلی، رماتیسم و بیماری های پوستی، برقان و ... رنج میبرند.

مختصری از اعمال کثیف جانیان سیاه
پاسداران از چند هفته قبل از عید تاکنون
به این شرح است:

قبل از عید: پاسدارکشیفی سیاه "رنگاری" حوله حمام رفقای دختر بیکار گیری را که مشغول استحمام بودند رزوی در بحیره بردند و با آوردن عده ای از جیره خواران روزیما عما زیبا سدا روسیجی و اوانسان شهریه یکی از سندها بورش میبرند و زندانیان را جدید کیفیت زیر مشت ولگد میکرند. از زندان خارج میکنند که ارسنوت آنها اطلاعی دردست نیست.

هزاری دو شنبه ۱۳/۰۴/۰۶ ساعت ۱ شب مسئولین زندان را آوردن عده ای از جیره خواران روزیما عما زیبا سدا روسیجی و اوانسان شهریه یکی از سندها بورش میبرند و زندانیان را جدید کیفیت زیر مشت ولگد میکرند. از زندان خارج میکنند که ارسنوت آنها اطلاعی دردست نیست.

روز بعد (دوشنبه ۱۴/۰۴/۰۶) پا سیداران جنا بیکاریا بن سیاه داده هی که میزندانیان تو هیش شده است بدآ خل بند زندانیان سیاهی کمونیست ریخته و بورش و خشانه شان تما رفقا را زیر مشت ولگد کرند. در جریان این بورش که راستا تو سط شخص "اطلاعات" رئیس زندان هدایت میشود، پاسداری سام "احمدی" بهمراه پاسداران دیگری مرتب بالگدبه کم و سیمه های رفقا میزد که میشون علت سنت از رفقا سانه های در حال اغما سر میبرند و هم اکنون وضع شان خوب است، یکی دیگر از پاسداران به سام "رنگاری" یکی از رفقا را ساجا قوشیده کرده و با کفشه کدر دستش بوده میزرفیق می زده است هم اکنون تما مورت این رفقی متوجه است و از ناچیه سرمهورت شد درد میکشد. پاسداران دیگری سما مهای "حسن عوضی" و "منفرد" "رسول فیروزی"، "کاظمی" و "افشار" با زدن لگدبه کم و پیوه های رفقا آنها را به شدت مصدم نموده اند.

در جریان این سورش و خشانه پاسداران دیگری تیزیا جوب و میله آهی و میش و لگدبه رفقا حمله کردند که از نا میان اطلاعی نداشتم. آنچه مورد توجه است اینست که این اعمال رژیم کا ملایا برنا می بوده و مسئول هدایت و رهبری آن شخص "اطلاعات" رئیس زندان میباشد این مذکور کشف خودش نیز مستقیما در کنک زدن رفقا شرک فعل داشت و بهمراه رسول فیروزی کشی یکی از رفقای زندانی را که بسیاری برقان دارد از گرفته و بقیه پاسداران بنشست به سرو صورت و

بعد از عید: پاسدارکشیفی سیاه "رسول فیروزی" ساعت ۱ بعد از سیمه شب بدآ خل بند دختران کدداران به آنها توهین که میزندانیان سوده میروند و وقتی که با اعتراف شدید زندانیان سیاه دختر روسرو میشود زند خارج میشود ما بکسانه بعد همین عمل کشیف را نکرای میکنند. هنگام کددختران محا مدرس و میخواشند یکی از پاسداران به آنها توهین میکند که یکی از رفقای بیکار گیریه این عمل اعتراض میکند، پاسداران روز سعدا ن شفره اورا شدت کنک میزندند. درین این شش نفره وحشی افرادی سام اطلاعات (رئیس زندان)، حسینی (با زجو و شکنجه گرسیا)، موزه (شکنجه گرودستیار اطلاعات) وجود داشتند. این جانیان مرتب بالگدبه کم رفیق میزندند آکا همه این کار را میکردند، زیرا میدانستند که در دوره اعتماد غذاي ۲۵ روزه این رفیق از ناچیه شکم مورده عمل جراحتی قرار گرفته است. یکی از افراد سیاه او باشان، سام حمید (رنگ موي سرو صورت وی زرداست و قدموسطی) دارد (بانشان دادن جاقویش یکی از رفقا را

زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده ها آزاد باید گردد

... بحثی ۲۸

موردنفسخه قرار ندهیم، آنگاه روش است که تا زمانی که طبقات گواگون وجوددارند، نمی‌توان از "دکراسی خالص" سخن نہ میان آورد. بلکه فقط میتوان از دکراسی طبقاتی سخن کفت" (۵).

بدینگونه، بررسی تاریخ و تحلیل علمی از جا معبدهای آموزدگر برخورده مسئله (دکراسی)، غایب کردن از منابع "اکثریت" با "اقلیت"، غلط و کمراکنده است. درواقع آنچه که باید مذکور گردید از آن آغاز مردم منابع طبقات، منابع استثمار کنندگان با استنما رشوندگان است.

نتیجه‌گیری کنیم:

*- دکراسی شکلی ازدالت است.

*- دکراسی بعنوان (روپنا) «بازیرپنا

(شیوه‌تولید) رابطه مستقیم دارد.

*- دکراسی خالص، وجود نداد دکراسی

طبقاتی است.

براساس چنین نتیجه‌گیری و تئیه کنیم صحیح و مارکیستی از مسئله، این امرتیز مفهوم میگردد که "دکراسی" یعنی [خواهی از (حاکمیت مردم)] نسبت مفهومی کاملاً طبقاتی است. هر طبقه و قشری در حاکمه، براساس پایگاه اقتصادی - احتمالی عی خود، هوا خواه تنگونه "دکراسی" میباشد که در چهار رجوب منافع طبقاتی اش میگنجد و بین دیگر (حاکمیت مردم) از آنکوئه ممکن است میگذرد. همین جهتی اندیشه‌طبقاتی اش جای گیرد.

برای بهترین واقعیت است که در جامعه سرمایه‌داری و استبداد را، با استدلال دکراسی (دکراسی کاذب) (که حامل آن بورژوازی میباشد)، (دکراسی ناپیکرکه حامل آن عمدتاً اقتضا رخود بورژوازی هستند و "دکراسی" که متعلق به طبقه کارکرده است، موافق هستیم. شناخت این اشتغال را مذکور میشیم: (دکراسی چگونه) چگونگی و دادهای طبقه کارگرها هستند که در این صورت کشیده شدن به میانی شعارها، اعلامیه‌ها و وعده و عبدها، خلاصی خواهد بیافت. تئیه در این صورت است که طبقه کارگرها در خواهد شد از دشمنان خود را بشناسند و بودن این روزگار را میگذرانند. برقراری "بیکرترین دکراسی" پیروزی مرد (ادامه دارد)

(۱) و (۲) - منشا، خاتم - مالکیت خصوصی و دولت - فردیک انگلر.

(۳) و (۴) - دولت و انقلاب - لنسن

(۵) - انقلاب برولتري و کاشوتکی مرتد - لنسن

همجینین خبر را دیوتوپیزیون را که با مباحثه تهمت قاچقی مواد مدرزده است، رسواشی خودشان را بسیار میگیرد.

با افتخار حنا بات رژیم در سراپایان از زندانیان سیاسی انقلابی قاطعه است. پیشیبانی کنیم!

زندا نی سیاسی انقلابی به همت توده‌ها آزادا بگردد!

هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر -
بندر عباس - ۱۴۶۰/۱/۲

پیام زندانیان سیاسی انقلابی اعتضانی

بندر عباس به خانواده‌هایشان

عزیزان، بیام شماره دریافت کردیم. از تجا

که ما هیچ‌گونه تا مین حاشی نداشیم و خارج شدن از بند ممکن است عاقبت ناگواری را مانتد

کشته بیار آور، لذا فرسان نماینده خود

به حضور توان مذکور می‌و بینو سیله علت اعتماد

غذا و ملاقات و ترفتن به هوا خوری را شرح میدهیم:

درین ریخ چهار شنبه ۵۹/۱۲/۲۷ هشگاهی که

بکی از زندانیان سیاسی درگاه بین شلن بسا

خانواده اش ملاقات میکند، موقع خروج از کاپن

موردهای روسی بدنشی ستون را شدی قرار میگرد

پس از بازرسی سکی دیگر از فران سیا مسحی

به زندانی مزبورها نت میکند و جوون با اعتماد

زندا نی انتقام روبرو می‌نمود و افسر مذکور

باتفاق چندما موردهای روزگاری دوستان بورش

برده و عی را شدیداً زیرگشت و لگد میگیرند که

این همچنان تکرده‌وی را به انتیاب ساخته اند.

اداری که هیچ مادا ای از آنجا بگوش نرسیده

و در آنچه نیزه حدکش، کشکاری اش میکند.

این اولین باری نیست که ما زندانیان

سیاسی موردهای ای، فحاشی و ضرب و شتم مسئولین

زندا نی رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیریم،

بدیهی است که آن خوبین با وسیع خواهد شد و میکند

هجیگونه تا مین حاشی نداشته خواه است رجای زاده

و محکوم کردن عالمین این حادثه شده ایم،

متذکر میشیم بعداً ضرب و شتم دوست زندانی

ما را بدل سلول انفرادی منتقل میکنند که در اشترا

اعتراف شدیدما، بعداً زدوسناره روزارا و رای

بندر میگردند.

با توجه به مطالعه مژده فوق ما خواسته‌ای

خود را در دو مرد؛

- تضمین جانی کشی در زندان

- محارات و محکوم کردن عالمین ضرب و شتم و فحاشی

اعلام داشته بموتا حمول نتیجه‌یه اعتماد

غذا و ملاقات و ترفتن به هوا خوری را داده میدهیم

ما از این تاریخ ۱۴۶۰/۱۲/۲۷ در حال اعتماد

هستیم و اگر به خواسته‌ای مژده و قانونی می‌باشد

رژیم کی شنود دست به عکس العمل شدیدتری که

همان اعتماد غذای شکبند، میزبانی بدیهی است

که مسئولین عاقبت ناشی از اعتماد غذای خشک و...

متوجه مسئولین رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود.

با درود احترام فراوان زندانیان سیاسی اعفای ۱۰/۱۵ ساعت ۱۴۶۰/۱/۱

بیاری زندانیان سیاسی -

انقلابی برخیزیم!

مشهربان مبارز!

عدمای از زندانیان سیاسی انقلابی شهر ک

شنودست به اعتماد غذا و ملاقات زده است.

قضیه زاین قرا راست که روز چهارشنبه

(۵۹/۱۲/۲۷) یکی از زندانیان هنگام ملاقات

شیدا موردهای و شتم افسران زندان را

میگردید، سپس اورا به مدت ۴۸ ساعت به زندان

انفرادی میاندازد.

به همین خاطر و برای اعتراض علیه فشاری که

از طرف مسئولین نسبت به زندانیان سیا سی

وارد میشود، آنها و چهارشنبه دست به اعتماد غذا

و ملاقات زده است. خواسته‌ای زندانیان عبارت از:

۱- مسئولین با بدکشنا تضمین تا مین جانی

زندانیان را بدھند.

۲- رسیدگی فوری به دعا قمع روز چهارشنبه و

و محاکمه عالان آن.

همجینین آنها اعلام کرده اند که تا هنگام رسیدگی

به خواسته‌ایان بدان به اعتماد خودا دا مه خواهند

داد.

مشهربان مبارز!

هم اکنون درسرا سراپایان، زندانهای

درخیمان پهلوی، در زمان جمهوری اسلامی از

کارهای روزمره رژیم موردهای زندانیان است

تا اکنون چندین سفر انتقامی و گمتوییست در همین

بیدا گاهه به جوخداد مسیره دنداد. در

همین بندر عباس شده دیسپاری زندانیان انقلابی

که تئیه جومنش آنکه دادن به مردم است در

سیا چال سر میبرند، رژیم جمهوری اسلامی حتی

همان قانون اساسی ارتقا عی خودرا هم زیرپا

گذاشت است، بروندۀ زندانیان را بدوون هیچ

دلیلی مدت‌ها در بیانی نگه میدارد، زندانیان

از لحظه بهداشت و غذا در موقعیت بدی بسر

میبرند، اجازه ملاقات خفوری به زندانیان

نمیدهندو....

رژیم در حالی دست به چنین کاری میزند که

جاسوسان آمریکائی و انگلیسی را بانهاست

احتراضاً عزم کشورها بدان میکنندوا زهیمی کشور

- های امریکایی و لیستی اسلحه و مهمات مدرن برای

سرکوب کارگران و زحمتکشان ایران میخورد.

دوران حاکمیت این رژیم نیز شکجه‌گران،

ساواکها و جلادان آزادا نه میگردند، در عدو

زندانیان انقلابی این بهترین فرزندان، خلق

در زیر شکجه و توہین سر میبرند. بعنوان نمونه

جزیاً نهاد مجا عده مصمم قریشی برای همه مردم

بندر عباس وزحمتکشانی که آنرا با چشم خود

دیدند مثل روزروشن است، بهمان ترتیب یا وه

- های اتاری اما مجمعه بندر عباس که این

کار را به شیوه‌ای انتقامی نسبت میدهند و

درخواست استندار از خانواده شهیدکه خواسته

بودن از مجا هدیبودن فرزندشان من صرف نظر کنندو

حملات گسترده رژیم به نیروهای انقلابی و شهادت ۳ تن از مجاهدین

در روز جهانی رشتہ ۱/۱۰ با سداران سرمه به در شهر قزوین، سپاهیان انقلابی را مورد حمله قرار داده و حدود ۲۵ تن قربانی میکنند. به همکام استقال زندانیان در روز پیش از تولد هنرمند مفاوضت زندانیان و تبراندازی از سوی سداران میکردند، اما فرقه کی از هزاران را با سهادت میرسد. مردم شهر قزوین که از بیرون میگردند از دیگران رجعت نمایند با سداران سرمه به میگردند. در اعتراض به این جنایت مردم روز جمعه دست به راه رفتند. بیش از ۵۰ هزار نفر از هزاران فروپن طی این حجایت دادند. سپاهیان را با سداران فروپن طی اعلامیه ای کوشیدند. شهادت اصرق دس را امری تهدی خلوه داده و سکردن شخص ثالثی بیندازد. زوجتی اعلام کرد که گوبای خارب دستگیر شده است تا نایدینچه های خویین خود را پنهان دارد. اما حجایت سرکوپرگران رژیم در طی هفته اول فروردین ما در شهرهای مختلف کو س رسوایی آشنازی ای پیش مددادر را دادند. مردم در راه رسانی از این حجایت را میگردند. میگویند: "این حجایت را میگردند که مردم را از سرمه بازی مخفی در شهر سخت سر (را مرسا ساق) و همچنین دریکی از روسای ای قائم شهر، شیوه های اسلوبی را مورد نهادند که منجره شهادت دو تن از هزاران مجاهدین گردید". رژیم مدخل خلقی جمهوری اسلامی و حشمتده از فعالیت آنها هکرا با نیروهای انقلابی و کومنیست، حملات گسترده ای را توسط تفنگچان خود سازمان داده و در آغاز سال نوتن های خویین دهه این از فرزندان خلق راه خانواده های آستانه هدیه کرده است. ما مبارزه و مقاومت انقلابی زحمتکشان در سرتاسر ایران ناقوس مرگ رژیم جمهوری اسلامی را بدیده درآورده است. با شدکه قدرت بدست زحمتکشان افتاد.

تفصیل از صفحه ۲۴ چرخش.
مفتی رویزبیونیست مای خا شن "حزب تولد" را اشتباه مینماید، بر ادعاهای بوج تولد ای های خا شن میتوان بر "مبارزه" بالیبرالها خط سلطان کنند و فریبکاری های آنان را در این مورد برملا میازد.
آری! حزب تولد خا شن خود را آماده "استقبال از تنبیرات اجتماعی در قدرت سیاسی حاکم سر ای را می نمایند تا باز هم تسلط علیه اسلام و حیات به طبقه کارگر، بسیاری از سیاست داده دهد.



اخبار مبارزات تولد ها

آگاهی تولد ها نابودی ارجاع

درسته می خواهیم مزدوران رژیم به سطح رفقا رویزبیونیستهای غداشی (اکتریت) و تولد های در کارا می مزدوران و در مفاصل تولد ها و نیروهای انقلابی خود را شنیدند. میگردیم رکی خود را در بیتکاره رژیم سرمه به داران به اشتراحت رسانیدند.
در حاشیه نمایشگاه: رفیق بیکار گر خردسالی که محل کلام جهار دیستان است درسته می خواهیم روزهای سرگزاری سماشکا به فروش ۱۳ آبان مشغول بود. در یکی از روزهای سماشکا مانجام این وظیفه انقلابی میگویند شاید رفیق بزرگ بر سرمه ای که دارد، ترسیده و فروش را متوف سازد، اما رفیق داشت ۷ موزان بیکار.
میگوید: "این منطق شاست" و سپس بیگرانه و بیلندتارا از قبل فریاد رسی آورد: آبان ارگان داشت ۷ موزی سازمان دانشجویان و داشت ۷ موزان بیکار.
افشا: رژیم را سریعاً دارد، نباید رسانید و چادری که در آن حاکم شد، میگذراند!
۱۰/۱/۴- از صبح زود مزدوران رژیم محل سماشکا رفقارا اشغال کردند شاید رفیق داری انتقام رفاقت خلی وارد آورند. این از ترس آنکه مزادای زهر رفیق در این محل سماشکا افشا: رژیم را سریعاً دارد، نباید رسانید و چادری که در آن حاکم شد، میگذراند!

۱۰/۱/۵- سار دیگر مزدوران رژیم سماشکا رفیق حمله می شوند. درین درگیری گفت یکی از رفیق های هوا دارم نکند. رفیق ای دارکرد محدود سطح و سماشکا و بخنهای ای اسماشکا، بسیاری خود را در راهی ای طبقه کارگرستان میدهند.
عصر این روز بیکار نمایش خیابانی تحت عنوان هدیه رژیم جمهوری اسلامی به کارگران و زحمتکشان (کلوله) به سرمه به داران و نجاده ای از ای استنمار، توسط رفای سماشکا در خیابان داشتگاه اجرای میشود. این نمایش نیز سراسر استقبال مردم را سروکشت. سطوری که جمعیت با تکرار آخوند: "این است آزادی ما کلوله مرسیتند ما"، "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد بیکار تولد ها" - حجایت خود را از نیروهای انقلابی سان دادند.



به استقبال جنبش اوج گیرنده تولد ها بشتابیم

چنپش
کارگری



٣- مفهوم اعتراض

کارگران، زحمتکهان، مردم مبارز تهران!

دوروز ازا عتماب پرشکوه و می رزه جویا نه
 کارگران کارخانه ایران ناسیونال میگذرد .
 کارگران کارخانه ایران ناسیونال سال نورا
 با می رزه متعدد خود را زکرند و این خود
 شان میدهد که سال جدید سال رشد و گسترش هرچه
 بیشتر می رازات طبقه کارگرا بیران بر علنه طبقه
 سرمایه داد روزی حما می آنها خواهد بود . کارگران
 ایران ناسیونال با اعتماب خود توانستند به
 پیروزی های نسبی دست پیدا کنند و دور زمین
 جمهوری اسلامی و اداره عقب نشینی در مقام اسل
 می ازره متعدد کارگران شده است . حال سینم
 جرسان در این دور و زیگونه بوده است ؟

روزبینشنبه ۱۲/۲۸ ساعت ۵۹ اعلامیه‌ای از طرف
شورای قلابی به دیوار نصب کرده بودند که توانسته
بود: از شروع سال جدیدیک ساعت به کار
کارگران اضافه می‌شود. این عمل نهدکارگری
شوراکه دنباله اعمال گذشته و حوزه کوچکی از
خدمات رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به
طبقه سرمایه‌دار است، کارگران راخشمگی
کرده و مداری اعتراض برحق کارگران سواری سای
جنوبی بلند می‌شود. کارگران در آن روز
خواسته و لیبه مطرح کردند و بدبال آن بر اثر
اعتراض کارگران ساعت ۱۱ میم کارخانه‌ها را
تعطیل نمودند.

اما روز شنبه ۱/۲ ۱۴۶۵ کلیه کارگران در اولین روز بعد از تعطیلات عیدوقتی برگزار آمدند، با ساعت کار زیاد شده موافق شدند: در این روز کارگران مافکاری و اطاق رشگ و صندلی سازی و ریختن گزیر و فسقی از ماشین شاب، به اتفاق تمام سالن سواری سازی جنوبی همکی بطوریکجا رجه دست است کارکشیدند و خواسته های خود را به ترتیب با مطریج تعمیدند:

۱- تعطیلی پنجشنبه ها - دادن ناهار گر کر و منابع
 ۲۰ روز سودویزه (سبنرا ز ۲۰ ماه سودی گه خود
 رزیم برداخت می شود) - ۴- اتحلال شورای قلابی و
 ایجاد شورای واقعیه - با تکشتن کارگران
 مبارز خواهی بسر کار خود .

شورای قلابی و ضد کارگری این کارخانه ،
 مدت های است که بر علیه منافع کارگران و در خدمت
 مدیریت و رزیم سرمایه داری جمهوری اسلامی سک
 تمام گذاشتند، کارگران این کارخانه برونشی
 بی بوده اند که این شورا، از منافع آنها دفاع
 ننمی کند. بکی از کارگران در میان کارگران
 اعتماد بی فریاد دارد: "ما بک شورای واقعی
 می خواهیم که از حق کارگران دفاع کند، نسخه
 اینکه نه کرس مایه داران باشند" . خواست بعدی

کارگان مازاد ایان ناسیونال

卷之三

بیمه‌ای از مخدعه پاسداران
ا نقلای شما مرتفعی زندانی را به بیشمگان
اعلام سخوند. او زشت شوق نمی‌توانست سخن
گوید. بیشمگان ضمیر تحسین مقام و امنیت انتقالی
شما مرتفعی زندانی وزندانیان کمونیست
سرا سایران پیمان ستنده‌کتاب آخرین قطربه
خون در راه آزادی کارگران و زحمتکنان و خلق
- های استمدیده بیکار نمایند؛ آنکه بیشمگان
قهرمان و زحمتکنان حامی در مقرسود "هیری گل"
را سودا دند. فریبا دلالوران کردستان و زحمتکنان
اسادی سکوت شب را نکشیده و در کوهها دشتهای بجهد بود.

فان، مسکن، آزادی

”ملی گردن تجارت خارجی“ و هیاهوی رویزیونیستها

رسیده است. در ساره این بخش، «قانون بورزاویشی مجلس خبرگان میگوید: «بخش شرعاً و نی شاً مسل شرکت ها و موسسات تعاونی و تولید و توزیع است که در شهرور و رستا بر طبق ضوابط اسلامی تنکیبل میشود».

این از لحاظ تئوری، ولی آج که سه
بهرانیک مرتبه میشود؛ روزنامه "جمهوری اسلامی"
مورد خود دی ۵۹ در مقابله‌ای تحت عنوان "در
حال حاضر حدود ۴۰ تا ۸۰ درصد زوارهای خوش
دولت اتحاد مسکن" متن مصاحبه‌ای راکه در
همین سوردا معاون وزارت بازرگانی انجام

زدورة شاه مراتب بیشتر شده است، جنابه
مطابق آمار، بخش دولتی در زمان شاه بیش از
۵۰٪ واحدهای تولیدی را در سیگرفت، حال
اسنکدودر زیم فعلی این مقدار به بیش از ۷۰٪ بر
واحدهای تولیدی منعти و کل امورها نگی
رسیده و از لحاظ بازرگانی خارجی هم به بیش
خوبی نتها به ۳۰٪ کل واردات مبرد است. این
شواهد رسونی شناس میدهد که - مرغ نظر از
عمل طبقاتی آن - یک گرایش مستمر است به
کسترش کنترل بیش از پیش امور اقتصادی از
سوی وزیر جمهوری اسلام دیده میشود.

انگلیس در "نقدهای این بروناهه از فورت" علام کرد که حزب نمیتواند با آنچه که "سویا لیسم د ولتی نامیده مشود و نقطه اشتراکی داشته باشد که در آن دولت موضع کارفرمایان خصوصی را شفایل میکند . و تهاین طریق قدر استمار اقتصادی و ستم سپاهی دیریک دست متوجه مشود ."

داده، جا ب کرده است. بر اساس این مصاحبه،
معلوم میشود که:
اولاً: سه مرکز تهمه و توزیع کالا برای فلزات،
منسوجات و جووب و کاغذ وجود آمده و مرآکزدیگری
بزیر در حال تاسیس است.

شانیا: کار این مراکزه فراز دل است:
 ۱- تمهید و مجمع آوری اطلاعات رامع بدوا رداد،
 صادرات، واردکنندگان و مادرکنندگان (توضیح
 اینکه ۲۴۰ هزار قلم کالای وارداتی به ایران
 وارد منسود).

- ۲- کنترل احتناس خربزه شده توسط بخش خصوصی و پیاده کردن ساست "ارشادی" در موردانها

۴- شترن قیمت تریدخان خوشی .
تالثا : دولت خود را سه نا در مسد
واردات بخش خوشی را اوارد می کند .
واپس : بخش خوشی سا بد ۳۵٪ واردات خود

را مستعیماً برای توزیع در اختیار این مراکز
بگذارد.
خاماً: کا لاهاشی را که دولت وارد می‌کند

دیگر بخش خصوصی اجازه‌وا رکذن آنها را دارد
البته این مساله که خوداً بن مرآکز شده
و شوزی "ناج" حذرهمین سطح هم تو اونه سر
خریدا جنس وارداتی "بخش خصوصی" کنترل داشته
باشد طبق اسناد که مدارا اخراج واردات

ب ده، مخصوصی است که بجهت آن، حبیب چشم
ندارد، و معلوم است دولت بورژواژی کمدافع
منافع طبقه سرمایه دار را میباشد، طبعاً شمتواند
از طریق رشوه و توهنه و سایر روشها شی که کار
فرما بان سدان و سبله بورژواگرانهای دولتش را
میخورد، آلت دست افتخار مختلف این طبقه
نمیشود.

این که گواش به سمت دولتی کردن اقتضاد
از جان گل هیئت حاکمه سطوار عالم و حنفی
حرسی آن بطور اخن دستیقاً از کدام علل طبقاتی
- تاریخی و گواش های سیاسی - اقتصادی
ساشی مبیثود، مطلب مهمی است که سایدیه آن
پرداخت، ولی ما فعلاً درینجا فقط به پرسک
نمونه از آن یعنی اصل تحرارت خارجی "پرداخت"
و بحث بیشتر حول مساله سرمایه داری دولتی و
مقام آن در سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی را
به پسندیده ممکن است بینمایم.

ملی کردن تعاویر خارجی در شوری و عمل
در اصل ۴۴ قانون اساسی دست بخت مجلس
خبرگان، «سننوع مال لکیت در اقتصادهای سریع
اسلامی ایران پیش‌بینی شده است: دولتی،
سماونی و خصوصی در مردم بخش دولتی گفته
می‌شود: "بخش دولتی شامل کلیه صنایع سزرگ،
صنایع ما در، بازرسکانی خارجی، معادن بزرگ،
با نکاری، بسممه، تابع نیرو، سدها و شکوه‌های
سزرگ آمرسانی، راه‌آهن و شلوغیزیون، بست و تکلیف
و تخلف، هوا پیش‌بینی، کشتیرانی، راه‌آوراء هن و
ما نندان هاست که به عورت مال لکیت عمومی و در
اختیار دولت است.» اینه در کنار رخشناد دولتی
با بدای "بخش سماونی" نیزیما دکرد که اگرچه
مال لکیت آن مستعلق به دولت سوروز واش نیست
ولی به اشکال مختلف تحت کنترل آن است -
خواه آزان نوع کاخ برادر رژیم جدیدتا سیس
شده و دنیا می‌شود (ما نندشکنیهای سماونی
تولیدی و خدماتی) او خواه آزان نوع که رژیم شاه
سا خته سود (شرکت‌های سپاهی می‌رها عی، سماونی

مدت هاست که سارا احراز اصل ۴۴
نماین اسماً، نجارت خارجی را ملی کنید! "از
سو رویزبودنیتها کهنه کارتهای روتده ای و اخیراً
سرار جانب رویزبودنیتها حدیداً لسوالد ه
ندادش! (اکنریت) مطرح شده و عنوان داروی
معجزه آساشی سرای درمان تمام دردهای سرمایه
- داری و استهانی ایران - از قبیل به اصطلاح
نظم و استنک، به اینجا لایم" گفتگول شدوم

گراست، احکام را کما ممکن است درجهت "راهروش
عمر سوسنما بهداری" و... درسوسن وکرنا اعلام
نمیشود. از سوی دیگر، روپریزونیستهای "—" همانی
از اشارات "سوئی" که بیدار کردن این
اصل و امول مانندان میتوانند رای تهمار و
سازارسان "ملی" موجود و در دلستگ بوده و این
خط را خط وابستگی به میریالیسم روس اعلام
میدارند. از دوچنان حاکم، حزب جمهوری اسلامی
و شخصیت‌کنگرانش قوی درون آن خود را
طرفدا رپریوبلا فرسن "ملی" کردن تجارت خارجی
و "سکوت" کردن دست واسطه‌ها و محکمکنین "نشان

میدهد و جدا قل در حرف سرای اجرای آن سا
حاج رقبب شاخ و شانه میکند. جناح لیبرالها
سیراگره خود را مخالفان اصل نشان نمی-
دد، ولی هواستار آن است که با فعلا ناپایان
حق از اجرای آن صرف سطرنوود و یا بینکه در
احراج آن از سیاست "کام به کام" استفاده کردد.
واقعیت آن است که ملی کردن تجارت
خارجی "خودحلقه‌ای" است از یک زنجیره اقدامات
مربوط به که از هنگام دروی کارآمد رژیسم
جمهوری اسلامی به مرور سه مرحله اجراء درآمده و
در مجموع بیک گرا بشی به معنی دولتشی کردن ن
پس از بیش از ۱۵ سال انتقاد زج‌جانب کل هیات حاکمه
سطور اعم و حجاج حزب جمهوری اسلامی آن بطور
اچم را نشان میدهد. ارجمله میتوان به این
و اعیان اشاره کرد:

۱- ملی کردن "بانک ها"
 ۲- ملی کردن "برخی از صابع بزرگ"
 ۳- ابعاد مرآتی بهم و توزیع کالا به منظور
 احراری "ملی کردن تعاویر خارجی"
 ۴- "ملی کردن" اموال خاندان بهلوانی و
 سرمایه داران فراری و ابعاد "بنیاد مستحقین"
 ۵- ابعاد شرکت های سما و پیش نولیدی و خدماتی
 از فرادستکارها و اموکنترل دولتی
 ۶- تقسیم زمین "واهدا" سیاست های بدھقانان
 از طبقه "قبایل های هفت بفری" "پیروت مناع" و
 باکنترل دولتی سمنظور ابعاد "شکن نولیدی
 مناع"
 ۷- سرفرازی "جهرہ بنده خواروپار" و کنترل
 مصرف عمومی بین از شروع جنگ
 استفاده این سرتمه ها حتی از نظر
 ایسکه های حاده مرحله عمل در آمدۀ قابل بر -
 خورداست و مادر شماره های گذشته "بیکار" به
 سرحی از آسما اشاره کرده ایم ولی آنچه گفته
 مسلم است این موضوع میباشد که درستی چه همین
 مقدار عملکردها هم کنترل عمومی دولت نمودور

کنترل به این موضوع منحصر میشود که کی چه کی را کنترل میکند، یعنی چه طبقه‌ای کنترل کننده و چه طبقه‌ای کنترل شونده است. در روسیه جمهوری ما در سایر دخالت ارگانها "سام" - اختصار "بها مطلقاً" "دمکراستی" - تسا کنون ملاکین و سرما بیداران کنترل کننده شناخته شده و میتواند، درستیجه، این امر سرما بیداران که موجب خشوع غض عمومی مردم شده و بحرانی که سرما بیداران آنرا مصونعاً دان من میزندن تا گزیر میگردد، با بدایا عزم راست یدون با گشت و بدون ترس از گزینش پیوست با گزینه و بدون ترس از حسوانه سیاست داشتن تو، به مرقراری کنترل بر ملاکین و سرما بیداران از طرف کارگران و هفغانسان پوداخت، و این همان است که اس ارها و منشیک های ما ازان بیش از آن میترسند.

(منتخبات یک‌جلدی مفهوم ۴۹۶)
ابن سطور انتین در مام سپتا میریک، ماه قبل از اسقلاب اکثری می‌نوشت، یعنی در شرایطی

برقراری کنترل دولتی بر اقتصاد سرمایه داری تنها با شیوه مکراتیک - انقلابی و از طریق ارگانها توده ای بنفع انقلاب است نه با شیوه های ارجاعی - بوروکراتیک.

که همکاری اس ارها و منشیک ها با دولت سرما بیداری داشت نفوذ خود را بسرعت در توده ها کا ملا از دست میداد و موقعيت انقلابی جدیدی در حافظه ای رسد. حال از روی بیوستها با یادبرسید: شما از طریق کنترل دولتی بورژوازی و امیریا لیستها برکارگران و زحمکشان ایران چگونه میخواهید به سوسای لیسم برسد؟ این مسلمان راهی است که نه به سوسای لیسم بلکه به استنما رسیدن رسما به داری منخرخواهند. آنچه که بیش از همه برای کمویستها و برولتاریا در ماله دولتی کرد ن مهیا است نقشی است که این امر میتوانند در مبارزه طبقاتی برولتاریا بدجاذبی و گردنده اس حساب، رشد نشیوه های مولده مسروت متمرکز تولید و انصار دولتی بقول انگلیس از "فاحشه خانه های دولتی لوئی فیلیپ" نیز باشد! نوسای لیسم می‌می‌اخت!

برقراری کنترل دولتی بر اقتصاد سرمایه داری تنها با شیوه مکراتیک - انقلابی و از طریق ارگانها توده ای بنفع انقلاب است نه شیوه های ارجاعی - بوروکراتیک این که چه طبقه ای کنترل دولتی بر سرمایه داری را پایده می‌کند، خود در ضمن سنان دهنده این موضوع است که این طبقه، این کنترل را به جوشوه بیاد میکند؛ آیا به شیوه ارجاعی - بوروکرا نیک یعنی از طریق بوروکرات های که فرمای سردا ردستگاه دولتی بورژوازی بوده و از کار فرمایان بورژواحق و حساب و رشوه میگیرند و با دروازه کنترل دولتی را به نفع یک اقلیت ناجیز (یعنی ارجاعی) و از طریق یک ارگان فتدوده ای (یعنی بوروکراتیک)

است که امروزه از سوی رویزبیوستها فدا شی اکثریت (توده ای مورد تبلیغ و ترویج قرار گرفته و سعیان تنها را دست گیری بسیاری میکند) "خوده بورژوازی" خوده بورژوازی دمکرات آیت الله حسینی (به خود کارگران نزحمکشان روشنگران داده میشود، برآس این توزیم خوده بورژوازی "خوبی" با دست دریج اقتصاد را محدود بخش دولتی و تعاضی کرده و سای استفاده از روابط اقتصادی، سایی، نظری و فرهنگی با شوروی و "سیستم جهانی سوسای لیستی" (بدون ایکنه احیا یعنی به همین برولتاریا داخلی باشد) مرحله به مرحله از "استقلال سیاسی" ("انقلاب بهمن") به "استقلال اقتصادی" (بروسای اکدران قرار داریم!) و از استقلال اقتصادی به "استثنا موسای لیسم" (وارد شدنداما برای اینکه به نسخه "صلیل رویزبیوستی" رجوع کنیم، نسخه بدلیای ایرانی را کنار گذاه و نقل قولی ازشورسین رویزبیوست رویی آندریف را در همین ساره می‌آوریم:

در مساله کنترل دولتی بر اقتصاد سرمایه داری نکته مهم این است که چه طبقه ای کنترل میکند و چه طبقه ای کنترل میشود از همان قرن نوزدهم، اپورتوبیستها و رویزبیوستها سعی میکردند از گرا بش رسمایه دولتی رفاقت آزادی اتحاد را جمله داری داشتند، چنین برداشت تحریف آمیزی را را شده دهندگانه گویا سوسای لیسم میتوانند از طریق اتحاد دولتی بورژوازی بحث میزدند و مارزه طبقاتی "فرا روید" (آنگلیس به شدت با اینگونه اتفاق نداشت) که در پیش نویس رسانه ای از قدرت حزب سوسای لیسم دمکرات آلمان وارد شده سودمند را که در پیش از این اتفاق داشتند و "ما خلده دولتی در اقتصاد" را که از سوی بیسما رک در آلمان بیاده میشود و تحسین خانشین به سوسای لیسم قرار گرفته بود، تحت عنوان "سوسای لیسم دولتی" کوپید. آنگلیس در نقدبردا مهارفوت "علم کرد که حزب نمی-توانند با آنچه که "سوسای لیسم دولتی" نام میدهد من- شود نقطعه اشتراکی داشته باشد که در آن دولت، موضوع کارفرما یا خصوصی را اشغال میکند و به این طریق قدرت استثنا را قتصادی و سیاست سیاسی دریک دست متصرف نمیشود. (نقدبردا مهارفوت) آنگلیس در همین رابطه در آن دولت دورینگ "نیز میگوید": دولت نوین سرمایه داری در هر شکلی که باشد، ما هیبت ما شنی سرمایه داری را داریم را دارد. (این دولت هرچه نیروهای تولیدی بیشتری را در اختیار بگیرد، تبدیل آن به مجتمع سرمایه داری کا مل ترشده و شعاع دیشتری از شروع و نهاد را تحت استثنا را در می‌ورد. کارگران همان کارگران مزدور و برولتاریا با قی خواهند ماند، روا بطر سرمایه داری نا پدیده نمی شود بلکه بر عکس به آخرين در جه وسای اوج خودتکا مل بیدا میکند. آنستی دورینگ) تئوری روشنیدن سوسای لیسم از طریق اتحاد دولت سرمایه داری "بدون میارزه طبقاتی" و بدون انقلاب برولتاری، بس از مرک آنگلیس توسط رویزبیوستها خانشون بین برداشتند و کا شوتیکی تکامل بافت و لینین شاگرد خلف انگلیس محبور شد که آن های میارزه کرد و تزهای رویزبیوستی شان را افشا کند. لینین در همین سالها نوشت: "متداول ترین اشتباه، تئوری بورژوا - رفرمیستهاست که مدعی اندیشه اصطلاح سرمایه داری اتحاد را با سرمایه داری اتحاد دولتی دیگرسما بیداری نیست و میتوان آنرا سوسای لیسم دولتی" نامید: (به نقل از بیکار) تئوریک - سیاسی شماره ۲۶۶ مفهوم ۲۶۶ تزهای کا شوتیکی و بین برداشتند میکنند توسط رویزبیوستها می درون روسی نکا مل بورژوا امیریا لیستی بافت و خود را در تئوری از پیکار بروزه میگردند و بین برداشتند میکنند بورژوا امیریا لیستی بافت و خود را در تئوری از پیکار و آن زاده "فرموله کرد، و اتفاقاً میمن فرمول

دقیقاً برآس همین تراست که امروزه رویزبیوستها فدا شی و توده ای و قیحا نه محوال ۴۴ قانون اساسی "داده هوا ربرا اند اند اند" و در واقع کوش میکنند که اولاً برولتاریا، زحمکشان، روشنگران، تقلیلیون و خلق های ایران را به سازش با بورژوازی حاکم بکشند و شناسی راه را برای جذب رژیم بورژوازی حاکم، به سیستم امیریا لیستی سوسای امیریا لیسم رویی همراهانند.

نکته مهمی که امروزه رویزبیوستها فدا شی (اکثریت (توده ای و دیگر خانشین به مارکسیسم ازروی آن میجند، دقیقاً همین سوال است که آیا در سیاست "دولتی کردن" رژیم جمهوری اسلامی چه طبقه ای بر جه طبقه ای کنترل میکند؟ این همان مطلب حیاتی است که حزب توده در زمان رژیم شاهنشاهی بوده است و می‌گذرد کشید و جنین نزد میداد که از طریق رشد "بخش دولتی" رژیم سوسای لیستی میتوانند زدروز رژیم شاه "فرا روید"! و با همین توجه رویزبیوستی، آب تظاهر بر "مکما" های شوری و بدر زمانه دچون ذوب آهن و ... میریخت! لینین خود در مقام "خط فلکت و راه مساره با آن هشاده" رمیده: "در حقیقت تمام مساله

ادامه "لطف" امیریا پیسم آمریکا

روز اول فروردین ۱۳۶۰، بک فروند هوای پیمای
موشیگ ۲۴۲ نسروی هواشی ارتش جمهوری
سلامی (که آرم "هوابیماشی ملی" را برپنده خود
اراده برای حمل مهمات جنگی از آمریکا
ن کشور پروا زکرد.

مجاهنکه ما را هر کفته ایم، روابط رژیم
جمهوری اسلامی با امیریا بیسخون آشام
مریکا پس از آزادی مفتخرانه گروگانهای
ماوس و ارد مرحله جدیدی گردیده است و از
ولین نتایج آن بسط روابط سیاسی و اقتصادی
و بیوپردازی مفروش تجهیزات نظامی از
لرف امیریا لیستهای آمریکاشی است. رژیمی
که جب و راست، بدتربین شتمت هارا به نبروها ی
کنونیست و اسلامی وارد و مذور آنها
آمریکاشی میخواهد. آنچنان مورد "لطبت"
امیریا بیسخام را واقع شده است که ارسال
تجهیزات نظامی و مهمات از طرف این امیریا بیسخ
زسرگرفته شده است. وظیبی است که ارسال
سلح و مهمات از طرف امیریا لیستهای آمریکاشی
به این شناخته دهنده علاقه امیریا بیسخام را
به حفظ و گسترش روابط دولتی ای رژیم
جمهوری اسلامی و کمک به تحکیم و گسترش سرمایه
دانی و استنداران میباشد.

ادا مه خربدا سلحة زا مریکا، علاوه بر افشاری
ما هبیت و سیاستهای خیانتکارانه جمهوری
سلامی بکار ردیگر چهره فریبکارانه رویزینهست
- های خاشن (از توده‌ای و "اکثریتی گرفته‌شده‌ای)
جهان سی‌اکتشب و روزبه محیرگوشی جمهوری
سلامی پرداخته و آنرا "قهرمان" می‌نامند
میریا لیستی "قلمداد کرد" و سه را روپسایار
سورزوازی ایران مبدل شده‌اند، را نهیز برملا
می‌سازند.

آری. درست در روزهای کسردمداران رژیم
جمهوری اسلامی، دو مین سالگرد منحوس اسلام
جمهوری اسلامی را با بوق و کرنا "جشن" گرفته و
رساره "میازات منبع" آیا مهر با لیسم
مریکا به قلم فرشی پرداخته و حنجره خود را
با رامیکند، هوا پیماهای ارتش ارتحا عی، برای
حمل مهمات جنگی به مریکا بردازید گنند.
را قبیت ها چهره خاندنین وعوا مغرسیان مرتضیع
اما مدردوشان را در بینگا متوجهه اها افتاده میکند.

• • •

اینکه دوچنان بروزائی "حزب" و "لیبرالها" هر یک به دنبال کدامک از این اشکال سرمایه - داری می‌رسند، وجا بیکار خشن دولتی و سرمایه - داری دولتی در برخانده اقتصادی آنها به جه تنزیب است، موضوعی است که با بدتر برخورد نه ماهیت تضادهای جنابهای حاکم توضیح داده شود.

(اکنتریت) از طریق چه مکان نیسی میخواهند
برنامه دولتی شدن تجارت خارجی را پیاده
کنند؛ «باید آنها (عدمه فروشنان را با مکان نیسی
عاتشین کرد) کنستواندا عمال اتحاد رسانی باز ر
کنندورا «تجارت آن اتحاد تعاونی های تعاونی
است. اتحادیه هم و خوده فروشنان اتحادیه
تعاونی کارگاه های صنعتی و صنایع کوچک د
رشته های مختلف، اتحادیه هم و خوده کشاورزان»
روزیزونیستهای فدا (اکنتریت) سلب
ما لکت ارسام بزرگ تجارتی و عده فروشنان
را به منظور کوکوفاش نولید کوچک میخواهند.
نمایم موضع کری های آنها رای آین است که
نولید کنندگان و نوزیع کنندگان کوچک که در
شرکت خاروان و جنگ رو به «ورکتگی میروند می
یکدیگر متناسب شده و با عنایت و مساعدت دولت
ارضیانی سورزا شی از سرمایه خود در مقابله
سرمایه بزرگ دفاع کنند! به عمارت دیگر
کنوبرا سیون «پیشنهاد آسها، یک ردیف
تعاونی های معمولی سرمایه داری است که
تحت سیاست! رشادی دولت سورزا شی قرار
داده و سه سورزا زی کم میکنند که برخaran و
شارهای این معمومی غلبه نماید. یعنی کمیهای
از نسخه ای که در وزیرالاسلامیت استهای آلمانی و
برودونیستهای فرا سوی برای «حل دردهای
سرمایه داری می بینید. امروزه تمام روزیزیو -
نیستهای آن مایه میکنند. این اتحادیه های
سرمایه داری هیچ کوشه ارتضاطی سارگانهای
تودهای ای دو موست دارند که با بدیهی شریوه
دمکرا شنک انتقلابی، تمکر تولید و کنترل دولتی
نظارت داشته باشد، بلکه این اتحادیه ها خود
یک شکل از مزمانتهای سورزا زی منتهی در نشکل
کنوبرا تیبو آن میباشد. البته جوابن هم از
روزیزونیستهای انتظار ننمی رود. همان نظر که هر
دولتی کردی نمی تواند سعنوان یک گام در
جهت سوسایلیسم شلیک کردد، همانطور هم هر شکل
کنوبرا تیبو موسات تولیدی و توزیعی نمی -
تواند در خدمت ایجاد بیش شرط های سوسایلیسم
تلخی کردد زیرا شکل «تعاونی فقط یک شکل از
مالکیت است و محتوا طبقاتی آن می تواند
زیک طرف مانند کنوبرا تیبو های دهقانی زمان
لتین و استالین و از سوی دیگر ما نند کشتهای
سیهای می زرایی «شاه» یا «تعاونی های تولید
رژیم جمهوری اسلامی باشد

پیا ده میکنندیا از طریق دمکرا تیک - اتفاقاً
معنی از طریق ارگانهاش توده‌ای در موسسات
تحت کنترل درآمده... ارگانهاش که از جمیع
کارمندان جو، با نکها، اتحادیه‌های کارگری
اتحادیه‌های دهقانی و... تشكیل شده‌اند.
لئن خود در مقابله با پسرین دو روش چنین میگوید:
"تحاد اساسی موجود در سیاست حکومت ما
همان‌دار است که بین حکومت - برای اینکه
میانه اش با بورژوازی بهم‌خوردور شده
آن شلاقش با آن نگلند - به عملی ننمودن
کنترل ارجاعی سوروکرا تیک ناچار است و در
عنی حال بدآن نام "انتقلابی" - دمکراتیک
میهد و در هر قدم مردم را میفرمود و دین طریق
موجب انتخاب روش توده‌هاش میگردد که همین
حدی بیش ترا رسیده مرنگون ساخته‌اند.
و حال آنکه بسویه‌جا راه اقدامات انتقلابی
دمکرا تیک که بخصوص علیقات ستمکش بعنی
کارگران و دهقانان و بخصوص توده‌ههای در
اتحادیه‌های متعدد می‌باشد - امکان برقراری واقعی
- تربیت کنترل برتوانگران و موقوفه‌های تربیت
می‌بازه علیه شفعت در آندها را فراهم می‌بند
("از حظر فلکت و راه مازمه آن" مقدمه ۵۵)
و همین طور در توضیح "دمکراتی انتقلابی"
میگوید:
"اگر اصطلاح "دمکراتی انتقلابی" را بمعنای
حمله قالی نظا هر آمروزیک عنوان متروک در -
نظر تکمیریم و در مفهوم آن بینا ندیشیم آنگاه
میبینیم دمکرات بعنی کسبه عملاً منافع
اکثربت محروم از درنظردا رده منافع اقلیت
را و انتقلابی بعنی کسبه هر چیزی را نبخش و سپری
نهادی را به قطعی تربیت و بی امان تربیت
شیوه‌ها در هرمی شکند.
تا آن‌جا که بر ما معلوم است نه در مریکا و نه
در اسلام نه دولت و نه طبقات حاکمه کوچکترین
ادعا شی برای عنوان "دمکراتی انتقلابی" که
آن ارها و منشوبکهای ما مدعی آند (و آنرا بی-
جیبیت میکنند) نداشند." (هنا نجا مقدمه ۴۹)

آتش سوزی در کپر آوازگان

در تاریخ ۱۹/۱۲/۵۹ برا شرافتادن فا نویس که برسته کپری آویزان بود، کپر خاتواده های جنگزده فلاخیه (شادگان) دجا رجربی شده و همه هستی این آوارگان را که زندگی فلاتکتاری را در کپر میگردانندند، به خاکستر تبدیل میکنند. این اولین و آخرین باری نیست که ما شاهد آتش سوزی در کپرها و یا جدار آوارگان جنگ ارتجاعی کنونی می شویم. بیان داده و میریم که چگونه در ادوگا بهبیهای بک خانواده هن فرنی کشته شدن دویا پندهای تن در آغاز جاری زیر آوارهای جنگ سپردهند و باید ...

و این در حالی است که اشغال اقلایی هنها و دیگران مانند سرما به داران توسط آوارگان زحمتکش، ازوی سردمداران رژیم خدلقی جمهوری اسلامی "حرام" شمرده میشود.

و این در حالی است که رژیم روز و شب فرا هم کردن مسکن و امکانات رفاهی زندگی را برای آوارگان، در بوق و کرمانی تبلیغاتی خود میدهد. آیینه هن زحمتکشان مستند که همه هستی خود را در این جنگ ارتجاعی از دست میدهند.

احرار جنگ

جنگ ارتجاعی بروخوردا رمیشود، ما میباشد از این پیکار کارکنان جنگزده اجازه نخواهد داد که رژیم به تبرک خود همچنان ادا مدد.
بنقل از این آواره شهروند سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - مشکلات اعماقها

شماره ۹

جنگ قدرت در کنار
جنگ ارتجاعی

خبر اگر و ها دی کرمی (که خود را کاندیدای مجلس کرده بودوا زا غاز جنگ گروه چریکی خود را بوسیله پیاده ران هوا داشت که سرمهی این مقری هم در این هزاری خود دیگر و هش در بیان میدارد) در شیخویونی که به سرمهی از این عراقی میزند، موفق مشوند چندین قیفه اسلحه کلائیش نیک بدت بیا و رند. در این میان پیاده ران هوا دار جرمان به مقربا پیاده ران کرمی رفت و از آنها میخواهند که "غذیمت ها" را بآنها تحویل بدند. این امر استاد بجهاد لفظی و سین به درگیری سلحنه میان دو جناح از مزدوران منجر میشود. بدین ترتیب می بینیم که جنگ این قدرت میان جنای های حکومت، حتی به جمهه های جنگ ارتجاعی هم کشیده شده است و هر یکی میگوشند با شیوه پیشتر جنگ بنا مخدود است به عوای مفترسی در میان توده ها زده و قدرت خود را تثبیت نمایند.

فراریک
فرمانده مزدور ارتش

در روزهای آخر سال ۵۹، یک سرهنگ خلبان که بست مهمی در سرپریو هوا شی ارتش جمهوری داشت به اتفاق خانواده اش با یک هوا پیمایی سطامی از ایران فرار کرده و به کشور ترکیه پناه دشده است.

رژیم جمهوری اسلامی که مدعا است نیاید چیزی را از توده های مردم بینهای کرد، کلمه ای در اینباره بینان نکرده است. رژیمی که از اولین دقایق حاکمیت ارتجاعی اش به بازسازی ارش مزدورها خا شن پرداخته و فرماندهان مزدور آن را تهمپر کرده و در راه آرتش اسلامی" گذا رده، نمیتواند همایین حقایق را بیکش مردم می ارزما بر ساند. جراحتمندیها ندیده زحمتکشان ایران گوید که از ارش شاهنشا هی با فرمادهان مزدور و آمریکایی اش نیایا نظرداریگری داشت. مکرر فرماندهان همین ارش نبودند که سال گذشته قدم کودتا داشتند؟ (و مذکوره "توبه" گردند و مورد "غفو" قرار گرفتند! مکرر فرماندهان همین ارش نبودند که هلیکوبترهای آمریکایی را در طیس بمبایران کردند؟ مکرر بقیه در صفحه ۲۵

"آمریکایی و ... نایدین آنان توسط سپاه پاسداران سرمهی، کنگر خود ران زحمتکشان آواره از دست عوامل زمینه داران بزرگ در جنگ از طبع آب و برق و جیره غذایی و نفت آوارگان ملک شهرا مفهان، زندانی کردن نایدگان کارکنان آواره شرکت نفت، محکومیت حبس ابد نایدگان آوارگان ما هشروا ... چیزی بگری نیست و از جمله این "اقدامات" باید تیرپاران رفیق شهیدمان محمود محمدی که به جرم کار آگاه گردند میان آوارگان اعدام شده اشاره کنیم. اما راجایی خا شن و همبا لکی هایش چدکسانی را بخواهند گریزی بندند؟ نه تنها آوارگان زحمتکش بلکه کارگران و زحمتکشان ایران هر روز بیش از روز قبل به ما هیئت خیا نشکار از هنر رژیم جمهوری اسلامی "حرام" شمرده میشود.

و این در حالی است که رژیم روز و شب فرا هم کردن مسکن و امکانات رفاهی زندگی را برای آوارگان، در بوق و کرمانی تبلیغاتی خود میدهد. آیینه هن زحمتکشان مستند که همه هستی خود را در این جنگ ارتجاعی از دست میدهند.

اقدامات افقایی
از دیدگاه رجائی

بدنبال بازدیدهای "تشریفاتی" بنی صدر از ادوگاه های آوارگان جنگ که در شریخورده های عوای مفترسی نهاد، جنگ زدگان آواره آشنا را بازدیدهای "شاھانه" نایدین آند رجا نشی مرجتع برای اینکه از رقبی عقب نمایند، در تلاش برای فریب آوارگان (که باید روزات دلار از خود، رژیم روز و شب فرمانداران را با مشکلات بحران زار و برو ساخته اند) در روزهای آغاز سال از جندی "از دوگاه" دیدن نمود. نخست وزیر "مکتبی" در یک مصاحبه تلویزیونی (۶ فروردین ۶۵) پس از اینکه علت نارضایتی آوارگان و شرایط طاقت فرسای زندگی این زحمتکشان را به گردن "گروهکها"! (منظور شیوه های کمونیست و انقلابی است) انداد خت، بازگارهای انجام شده "برای آوارگان" بعنوان "اقدامات افقایی" چشمکری! برا دران "مکتبی" امش با دکردا آنها را کارهای سازنده ناید. منتهی رجایی مرجتع بگوئه کلیه مرجتعین تاریخ فرا موش میکنند این "اقدامات افقایی" را به اطلاع زحمتکشان مابرساند. جراحت اقدامات افقایی رژیم جمهوری اسلامی برا ای جنگزدهگان آوارگان جزیا زکردن آب به زیر (با در نظر گرفتن حقوق اکثر کارگران و کارکنان زحمتکش میزان پرداختی نصف خواهد شد) بدین عربان و خواندن آنان توسط آیت الله های مرجتع، "فرازی"، "ترسو" و ... زدل و

جنگ غیر عادلانه کنونی است بر علیه توده های ایران و عراق



اول ماه مه، روز

همبستگی جهانی کارگران

کارگران بیشود تما مدتتا وردهای بشری، عمرشان درمیا رزه برای تکهای نسان، تما متربقات حامل ازکاربرای بهبود ناچارند کار را همچون مدققه‌گداشی کنند، وضع انسانی که کارمیکندا ستفاده شود نیرو و سلامتیان را زیرزمت کمرشکن از نه بعنوان وسلمهای برای سرکوبی و ۰۰۰ کف بدنه دودر آلوکهای دهات ویسادر رفتای کارگر! بسیا شیدیا نیروی مفاسع برای شرها را بزرگ دچار خدمه‌ها و پستوها را شرها را بزرگ دچار آماده شویم! بگذا ریدمقوف برولتراهای سویا ل دمکرات (در آنها کما مه کمونیتها سویا ل دمکرات می‌گفتند— پیکار—) هر چه مستحکمتر بسته گردد! بگذا ریدکلام آنها هرچه دورتر رود! بگذا ریدمیا رزه برای احتیاج رها ازند. آنها برای چنان خواسته‌های کارگران هرجه می‌باکانند مورت گیرد! بگذا ریدجشن روزگار گر نظام اجتماعی نیزدمیکنند که در آن شروط حاصل ازکار مشترک، همه مشتی شروتمند، هزا ران رزمنده جدید را بخود جلب نمایند، بلکه تما می‌کسانی را که کارمیکنند بشهره، نیروهای مارادر میازره، بزرگ برای ورسا زد. آنها دربی آتنند که زمین مه آنهاشی کارخانه‌ها، کارگاهها و مابین آلات رابه که از بیوگ سرما به درون چندگسترده تر مالکیت مشترک همه زحمتکشان در آورند و گرداند!

لتبیں (۱۹۰۴)



humanی شروتها را فرا هم می‌سازند، سراسر نیز می‌شوند. روزی که کارگران همه سوز می‌سینا دست باشی ثان را به آنها می‌طبیعتی، همبستگیان درمیا رزه علیه زورو استشارا انسان ازانسان و می‌زاره سرای رهائی توده‌های زحمتکش از گرسنی فقر و تحیر چشم می‌گیرند. در این می‌زاره سرگ رودنها در مقابله یکدیگر قرار دارند؛ دنیای سرمایه و دنیای مرادی، دنیای استثمار و بردگی و دنیای مرادی و آزادی، در یک سو می‌شوند خون آشام شروتمند کارخانه‌ها و کارگاهها، ایزا روما شین— آلات را قبضه کرده و می‌لیبونها متزمهین و شلها ببول را به مالکیت خصوصی خود در آورده‌اند، آنها دولت و ارش را به خدمت گرفته‌اند تا مانند گهای وفاداری شروت انسانیت شده‌اند را باشند. در دیگر سو می‌لیبونها نفر محروم مجبور به تمنا از بولدار استند اجازه دهنند سرایان کارگران کارخوند

رهاشی کارگر! (اول ماه مه) روزگارگر نزدیک می‌شوند. روزی که کارگران همه سوز می‌سینا دست باشی ثان را به آنها می‌طبیعتی، همبستگیان درمیا رزه علیه زورو استشارا انسان ازانسان و می‌زاره سرای رهائی توده‌های زحمتکش از گرسنی فقر و تحیر چشم می‌گیرند. در این می‌زاره سرگ رودنها در مقابله یکدیگر قرار دارند؛ دنیای سرمایه و دنیای مرادی، دنیای استثمار و بردگی و دنیای مرادی و آزادی، در یک سو می‌شوند خون آشام شروتمند کارخانه‌ها و کارگاهها، ایزا روما شین— آلات را قبضه کرده و می‌لیبونها متزمهین و شلها ببول را به مالکیت خصوصی خود در آورده‌اند، آنها دولت و ارش را به خدمت گرفته‌اند تا مانند گهای وفاداری شروت انسانیت شده‌اند را باشند. در دیگر سو می‌لیبونها نفر محروم مجبور به تمنا از بولدار استند اجازه دهنند سرایان کارگران کارخوند



زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان!

برای واژگویی سرمایه‌داری می‌برداختند و نه تنها کارل مارکس و فوردریش انگلیس اموزگاران کمپربطیقه‌کارکرداران دوران چگونگی کسب قدرت سیاسی را بطبقه‌کارگری می‌خوانند. بلکه هنمنودهای اصولی نیز برای کاهش ساعت کار به طبقه‌کارگر جهان اراده میدادند. در سیاست ۱۸۶۸ انترنا سیوتال اول بدرهبری کارل مارکس در کنگره خود در ریو، فرمان زیر را خطاب به کارگران جهان مادر کرد:



۱- اعتصاب کارگران کیفون (فرانسه) در سال ۱۸۷۰

"محدودیت قانونی کارروزانه نخستین شرطی است که مدون آن تلاش‌های بیشتر در حیث بهسود وضع طبقه‌کارگر را ثی او با نکست رو برو و می‌شود.... کنگره، هشت ساعت کار را بعنوان حداقلی کار روزانه پیشنهاد می‌نماید. نکته حاصل اینجاست که تقریباً سطور هزمان، به‌آغازه دوهفتنه، کنگره، تعدادی کارگری آمریکا و کنگره انترنا سیوتال اول، بدون اطلاع یکدیگر در مورد هشتم ساعت کار روزانه تصمیم‌گیرانه می‌گیرند. بدین ترتیب حینش کارگری، بغاذه هزاران کیلو مترا زیکدیگر مبنای خرایط تولید رهنمودی یکان صادر می‌کنند و بدین ترتیب مبارزات طبقه کارگردارا روبا و آمریکا، علاوه بر پیکار برای کسب قدرت سیاسی، مسئله مبارزه برای کاهش ساعت کارتا هشت ساعت در روز را شیزدستور کارخوش می‌گذارد. منتهی اگر در پیکار طبقه‌کارگر را پیکار هما نظر که در انتقلابات ۱۸۴۸ اروپا و مکون با پیش شاهدستیم، شعارهای کسب قدرت سیاسی و انتقال سویا لیستی و واژگویی سرمایه و... بر حستگی بیشتری دارد، مبارزات طبقه کارگر آمریکا با مبارزات خونین خود برای کاهش ساعت کار، نقش خاص خوبی را در پیکار طبقه‌کارگرها نمایند. سرعلیه سرمایه‌داری می‌باشد. مبارزات طبقه کارگر آمریکا دیرتر آغاز شده و در

توانسته است در مبارزات خود طی دو قرن اخیر، سرمایه‌داران را محبوک نموده بشه ساعت کار تن دهد.

"۴۳۰، ۲۴ صبح کودکان ۹ ساله و ده ساله (شا غل در کارخانه توری سازی) از خواهک ایجاد چرکین خوبی بیرون کشیده می‌شوند و محبوبر می‌گردند تراوی بخور و نمیر تا ساعت ۱۵، ۱۶ شب کارکند. اعضاً بدن آنان بی‌مرده می‌شود، فاصله نخیمه

و چهره‌شان بهت زده می‌گردد."

"تیمی از کارگران کمپریت سازی پیران کمتر از ۱۳ سال و دختران کمتر از ۱۸ سالند... روزانه کاربین ۱۲ ساعت بوده است، همراه با شکاری و غذای غیر مکافی که معمولاً در کارگاه‌های مسموم از ریخارکوگرد صرف می‌شده است."

"..... شش نفر از ۱۹ دختر جوان کارگر بمناسبت اینکه درستیجه کار فوق العاده بی‌پای رشد نمودند، دیگر کار را بینکشند، برای اینکه بتولی نمایند کارگران را بیدار نگاهدارم، محبوبر داشم آنها داد و فریبا دکتم. دستی می‌گوید: کودکان اغلب از شدت خستگی نمی‌توانند جشمها خود را با زیگا هدازند و در واقع ما خود نمی‌کشند. اکثر اینها بزمی‌گشتند و می‌گردند. لایت بورن اطهار مینماید: من ۱۳ سال دارم... در زمان کشته می‌گشته ما ساعت ۹ شب و زمان قبل از آن، تا ساعت ۱۵ شب کار می‌کردم. زمان کشته جان با های محروم من در دمیکرد که نمی‌توانستم از فریبا کردن خوبی بگیرم. کنم. این بسیار می‌گوید: پس بیچاره ای که اینجاست هفت سال بیش نداشت و من عادت کرده بودم که اورا به هنگام آمدن و رفتن قلمدوس کرده و از سرف بکدرانم وی معمولاً ۱۶ ساعت در روز کار می‌کرد، چه با اتفاق افتاده من اجبارا سه زانور در آدمت بابا و غذا داشتم زیروا و پهلوی ماسنین خودا بستاده سود و حق نداشت آنرا ترک کنده بیان می‌نماید.

بدین ترتیب ما در قرن نوزده، در کنار مبارزات قهرمانانه طبقه کارگری را کسب قدرت سیاسی و واژگون کردن حاکمیت سرمایه‌داران که در انتقلابات ۱۸۴۸ اروپا و کمون پاریس (۱۸۷۱) شاهدستیم. مبارزات طبقه کارگر برای کاهش ساعت کار و بهبود رایت زندگی را نیز می‌بینیم؟ بدین ترتیب کمونیستها در آن زمان نه تنها به رهبری مبارزات طبقه کارگر



چرا اول ماه مه ۱۸۸۶ پیدید آمد؟

۹۵ سال از اول ماه مه ۱۸۸۶ می‌گذرد و ۹۰ سال است که این روز بعنوان روز جهانی کارگران جهان جشن گرفته می‌شود. اینکه سالهاست که در روز اول ماه مه در پیسا ری از کشورهای جهان، کارگران با پرچم سرخ به خیابان‌ها می‌بریزند و روز اتحاد خونین طبقه کارگر علیه سرمایه‌داران را جشن می‌گیرند.

دهه‌الاول است کارگران جهان، روز اول ماه مه بروز دلاریهای کارگران قهرمان شیکاگورا بعنوان نمونه‌ای از سالهای تبریدی امام طبقاتی بر علیه استشاره کرای می‌میدارند.

اکنون قطب ارشیعی خواهات اول ماه مه، به خلاصه‌ای کوتاه‌آزادی و تعیین طبقه کارگر در روز این دهه مخصوص ساعت طولانی کار طاقت فرسای طبقه کارگری می‌بردازیم.

اینکه دهه‌الاول است که طبقه کارگر در عرصه‌جهانی بعنوان طبقه‌ای مستقبل ظاهر شده است و از همان اوائل بیدایش خود، مبارزه خونین این طبقه قهرمانی بر علیه استشاره کارگران آغاز گردیده است.

پس از آنکه طبقه کارگر بوجود آمد، مبارزات خود را در عرصه‌های اقتصادی - سیاسی و ایدئولوژیک به بیش سرمه عرصه اقتصادی، او برای بهبود شرایط کار و شرایط زندگی، کاهش ساعت کار، بیمه، بهداشت، مسکن و... به مبارزه زده است.

و در عرصه سیاسی، او به نبرد برای کسب قدرت سیاسی یعنی در همکوبیدن حاکمیت سرمایه‌داران و مبارزه برای تحقق حاکمیت کارگران پرداخت.

یکی از مبارزات عظیم کارگران، پیکار برای کاهش ساعت کار بود. سرمایه‌داران برای استشمار بیشتر تراوی سرحد مرگ از آنها کار می‌کشیدند (ما برای نمونه از کتاب کاپیتا ل (سرمایه) اشاره داریم) که بسیار خوبی را پیشواز کیم کارگرها را می‌کشیدند. در سالهای نزدیک به اول ماه میا و ریم

دربیدادگاه سوهایه داران

بیدادگاه سرمایه داران آمریکا، از یکطرف شکوه و عظمت کارگران قهرمان اعتنای را بیان میکردوازسوی دیگر جنایات و ریا کاریها را سرمایه داران را بر ملا میباخت. دولت با دادن رشوه و اجره کردن جاسوسان، گواهان قلابی به بیدادگاه فرستاد که شهادت دادند، بمناسبت رهبران جنبش اعتنای به درون حمیت افکنده است. در حالیکه رهبران جنبش اعتنای بیان دلاورانه از منافع طبقه کارگر دفاع کرده اند، اتفاقاً دروغین رژیم را غشا ساختند. آنها استوار و مستحکم به محکمه نظام سرمایه داری پرسداختند.

"شبیثس" کارگر کارخانه برق و تعمیرات الکتریکی در بیدادگاه سرمایه داران گفت: "اگر شما نصور میکنید که با جلوگیری از راه همیا شی کارگران، ندادن حق و حقوق آنان و کشنن جنبش و دار زدن ما، میتوانند جنبش کارگران را که میلیونها نفر از مردم زحمتکش، فقیر و نیازمند و مستبدیده، نجات خود را در آن جنبش می بینند، ازین بمریض، سخت درآشتبا هید، مواد ارزان نیست. اما بدینکه شما فقط جرقهای را با کشنن ما خاموش میکنید اما پشت سرتان، شعله ها از همه جای زبانه خواهند کشید. آن شعله ها هم- اکنون از میان مردم زبانه میکشند و شما نیروی خاموش کردنشان را ندارید..." کارگردیگر "فویرا نکل" کارگرا بخانه در بیدادگاه گفت:

"کارگران اینکه دریا فته ندکه بسا اتحاد و همیستگی و مبارزه دست گمعی میتوانند براین مشکلات بیرون شوند کارگران دریا فته اند که در اتحادشان چقدر بزرگ وجود دارد، برای همین است که کارفرما ها باتما مفوا سعی میکنند اتحاد دکارگران را بهم بزنند و راهیا شان را بخون بکشند. ما کارگران جمع شدیم رخواستیم که اتحاد حقیقی تشکیل دهیم تا شایدیک چندم حقام را بایس بگیریم، ما حالا سازدادگاه و زندان در آوردم. آیا این است معنی عدالت و انصاف جا مدهما". علیرغم اغراض و مبارزات کارگران

تعداد اعتمادهات و تظاهرات کارگری به پشتیبانی از شعارهشت ساعت کار در روز نیز افزوده میگشت و در عرض سورژواری هرا سانترمی گشت.

روزنامه های سرمایه داری، این روز را از پیش روز "قبایا مکوئیستی" علم کرده و از دولت خواسته بودند انبوب کارگرانی را که در این زویه خیا با نهاد خواهند بین خود را بمناسبت رهبران آنها را بسیار به گلوله بینند و در هر ۱۸۷۰-۱۸۷۹ را بینوا ن نقطه عطفی در مبارزات طبقه کارگر آمریکا محسوب داشت. کارگران در این سالها علیه طولانی بودن ساعت کار، کمی دستمزد و بندوقوا نین بنفع کارگران وزحمکشان با سرمایه داران درگیر شدند برای نمونه میتوان به اعتماد عظیم کارگران راه آهن آمریکا در ۱۸۷۷ اشاره کرد. سربازان اعتنای بیون را به گلوله بستند و بیش از ۳۰۰ کارگر را در جریان این اعتماد کشند. این مبارزات در پیکارخونین دهه هشتاد کارگران آمریکا تا شیرسیار رزیا دی گذاشت.

کارگران آمریکا سایه قدر سازماندهی و رهبری توسط اتحادیه های کارگری را در طی چندین سال داشتند. یکی از همین اتحادیه ها بود که به انترنا سیونال اول پیوست. پس از متلاشی شدن اتحادیه سراسری کارگران (عضو انترنا سیونال اول) بتدربیح اتحادیه دیگری بنیام "قدرا سیون کارگران آمریکا" پا گرفت. این تشکیلات که در سال ۱۸۸۴، ۵۰۰۰۰ عضو داشت، همچنان معتقد بود که مبارزه برای هشت ساعت کار مسئله اصلی و گرهی بیکار کارگران آمریکاست. بدین ترتیب با یک برونا مدرزا زدت درجهای رمیں کنگره خود در هفتماً کتیر ۱۸۸۴ اعلام داشت که:

"قدرا سیون اصناف و اتحادیه های مشتمل کارگری ایالات متحده و کانادا مقرر میدارد که از اویل ماه مه ۱۸۸۶، هشت ساعت کار روزانه مدت قانونی کارخواهد بود و مأموریت میکنیم که تمام مشکیلات کارگری نیز در حوزه فعلیت خود را ریخ فوق این تصمیم را به موردا جراحت آرد..." فدراسیون که بتدربیح نیرو مندد شده کارگران بیشتری جذب آن گردیده بودند، بس از یکسال فعالیت حول شعار هشت ساعت کار در روز و در کنگره ۱۸۸۵ خود تضمیم گرفت بر مبنای تضمیم گیری سال گذشته خود، یک راهنمایی نیز در اویل ماه ۱۸۸۶ سرباز دارد همچنانکه اویل ماه نزدیک میشد، بر



مه (که تعطیل بود) موکول گشتند.
با لآخره کمونیستها در کنگره ها ریس
(۱۹۰۵) اپورتونیستها را شکست داده و
دستور توقف کارداران روز بهم راه
تنظیمات هرات مادرشد.

روز اول ماه مه، یک روز
کاملاً سیلیسی و بیانگر منافع
تاریخی طبقه کارگر است

اکنون درس را سرچهان، روز اول ماءمه
جشن گرفته میشود. گرچه ابتدا، تنها جشن
کمونیستی بود که به گرا میداشت این روز
بزرگ می برداخت، اما اینکه ضمن اینکه
امبریا لیسم و ارتاجع درس را سرچهان به
سرکوب کمونیستها و انقلابیونی که بسی
برگزاری این روزمی بردادند، میباشد
میکند، اما برای عوا مفریبی و از آنجا که
گرا میداشت این روزمودا استقبال توده
- هاست به رسمی کردن سلطنتی اول ماه
مه و حتی برگزاری تظاهرات و میتینگها
نیزمی برداد. رژیمها ارتاجا غصی و
سرما به داری نیزدرا این روزانگ تمساح
می ریزند. آ پورتوونیستها و روپیزیونیستها
نیزبرای خدمت به بورژوازی در این روز
استیمها را بالا میزنند و میکوشند با طرح
خواسته اش اقتضایی، از تعداد طبقه کارگرها منافع
بورژوازی جلوگیری کنند. اما از نظر
کمونیستها، معمون جشن اول ماه مسنه
مضمونی کاملاً انقلابی است. درست است
که این روزمودنیستی مبارزات طبقه کارگر
آمریکا برای شدت سامت کار روزانه در
نظر گرفته شد، اما جشنی جهانی کمونیستی
این روز را بعنوان روزیمان اراده
برولتاریا برای انقلاب و تابودی طبقات
نا میده است. در گرگره ۱۸۹۲ انترناسیونال
دوم دزوریخ که فرمدریش انگلش آموزگار
کمپروپیشوا کارگران جهان نیزد را
حضور داشت. قطعاً ماتکمیلی زیردرمورد
اول ماءمه افزوده گردید:

"تظاهرات اول ماءمه بخاطر هشت
ساعت کار روزانه، با پدغفنا نهاده
اراده ای قاطع طبقه کارگر برای نابودی
تمهیز طبقاتی از طریق دگرگونی
اجتماعی باشد".

از اتحاد و قدرت کارگران سراسر جهان
نشان داده شود... هم اکنون مادر آمریکا
امن روز ایسا نام روزیای بودشیدای
قهرمان طبقه کارگر "نمکذاری کرده" ایم.
و هرسال در مقیاسی وسیعتر از سال پیش
این روز اگر کمی میداریم، دراین رو ز
کارگران آمریکا با هم سوکنده میخورند که
در دفاع از حق و حقوق خود، سرشخت تر و دور
میباشد و زده بر علیه سرمایه داری مصمم تر باشند
بایا شیم این روز ایسا مروز طبقه کارگر
روز اغتراف به ظلم و بیدادگری، روز نشان
دادن حق بنت کارگری، روز پیشرفت
میباشد و علیه سرمایه داری در سراسر جهان
وروز همبستگی و پرادری بین اعلانی
زمحتشان قرار دهیم".
کنگره بین الملل دوم نیز قطعنامه مزبور
را تصویب کرد:
"کنگره تصمیم گرفت تنظیمه هرات بین -
المملی عظیمی را از ازمان دهد. بطوریکه
در یک روز مینی در همه شهرها و کشورها،
تووده های رنجبرگارش روزگار را به هشت
ساعت و اجرای دیگر تصمیمات کنگره
با رسی انترنا سیونال دوم (۱۹) از دولتها
بخواهد. از آنچاشی که فدرال سیون کار
آمریکا در اجلاس در دسابر ۱۸۸۸ در
سنت لوئیس تصمیم به برگزاری تنظیمه هرات
منتهی در اول ماه مگرفته بود، این روز
میرای تنظیمه هرات بین المللی بدیرفتند
کارگران کشورهای مختلف بر طبق شرایط
حاکم بر آن کشور، می باشند این
تنظیمه هرات را از ازمان بدھند".
اول ماه مه ۱۸۹۰ در سیا ری از کشور-
های اروپا و آمریکا چشم گرفتند و در آمریکا بخشی از
طبقه کارگردست به اعتماد بود. در کنگره
بعدی انترنا سیونال دوم در ۱۸۹۱ (کنگره
بروکسل)، در تکمیل کنگره پیشین اضافه
کرد که روز اول ماه مه با بدین شما پیشیجهت
ارائه خواستهای کارگران برای بهبود
شرایط کار و توانی ملخ میان ملل تبدیل
شود. قطعنامه تجدیدنظر شده بخصوص سر-
اهمیت حملت طبقاتی تنظیمه هرات اول ماه
مه برای هشت ساعت کار و دیگر خواستهای
که منجره عمیق شدن میباشد و طبقاتی
غواهند، تا کمیداً شت. همچنین این
قطعنامه تفاکر کرد که کار و در هر کجا که ممکن
باشد متوقف شود. اما پورتون استهای
انترنا سیونال دوم (بخصوص حزب کارگر
نگلستان) با پیشنهاد شروط اعتماد
تجدیداً مخالفت کرده و کوشیدند تنظیمه هرات
از ماموریت خود برکنار نمایند.



سراسچهان و سازمانها و احزاب انتقلابی
دنیا، جهار کارگردان اور، رفقاء شبیثیں،
فوپرا نکل، بارسو رو فیشر اعدا موعدها ای
دیگرا زر هیرا جن بش اعتمادی به زندان
محکوم شدند، بوروز وازی مزورا هنچند سال
پس از تیرباران آنها کوشیدبا عنشوان
کردن ای سکدر جو بیان دادگاه، عدالت
بدرستی اجراء شدند و افراد بیگنا هی تبر.
باران شده اند، جنایات شن را بیبوشاند و
خود را از تیررس خشم کارگران در پنجه دارد.
علیرغم این سرکوب و حشیانه، نزدیک
به ۵۰۰ هزار کارگر در آمریکا تو استند،
حق هشت ساعت کار روزانه را بدست آورده
و بقیه نیز چندسا عتی از کارهفتگیشان
کاستند.

جنپش کمونیستی، اول ماه مه راز جهانی کارگر می تند

پس از هم پا شیدن انترب سیونال
اول، رهبران کارگران جهان، انتربنایونال
دوم را تدارک دیدند. گنگره انتربنایونال
دوم در ۱۴ زوشه ۱۸۸۹ که معاذف با مقدمین
سال سقوط "باستیل" بود. در پاریس
تشکیل گردید. در این گنگره که گنگره
جنیفس کمونیستی آن زمان بود، نمایندگان
کارگران آمریکا پیشنهاد زیرا مطرح
ساختمند:

از طرف کنگره روز اول ماه مهر سال
بخاطر کشنا رکارگران شیکاگو، بنام روز
کارگر در سراسر جهان اعلام گردید و در این
روز کارگران تمام دنیا، به رهگذاشت هستند
بیان دکشته شدگان، معدومان و زندانیان
شیکاگو مجاہلین با ذمودی تشکیل
دهند و خواسته های کارگران را مطرح
سازند. تمام کارگران در این روز می -
توانند بآشنا شکیل دادن اجتماعات و
راهنمایی شیوه اتحاد خود را معمم تر کنند و
مغوف خود را گسترش دهند. برای پیشرفت -
های سال گذشته طبقه کارگرشادی کنند و
جشن بگیرند و برای هدفهای آینده خود
برپا نمایند.

تاریخچه برگزاری
اول ماه مه در ایران

طبقه کارگر قهرمان ایران نیز هم
دوش با کارگران جهان در طی سالها سلطه
حکومتهای ننگین شاهنشاهی کوشیدتا
همبستگی خوبیش را بآغاز کارگران جهان
در روز اول ماه مه جشن بگیرد.
با شکایت می‌زنند، یکمین شنبه تابستان

رہبری رفیق حیدرخان عموا و غلی و تشکیل اتحادیه های کارگری، برای اولین سازده ۶۲ سال پیش، یعنی در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹، هزاران کارگر در تهران و چند شهر دیگر، اول ماه مه را با شکوه بسیار رجشم گرفتند. این مراسم "شورای مرکزی اتحادیه کارگران" که از ۱۵ اتحادیه کارگری موجود آمده وزیر رهبری حزب کمونیست ایران قرار داشت، برپا داشته بودند.

بلیر غم شورو و خفقا ن حکومت رضا خا
ن قلدرو علیرغم ممنوعیت برگزاری جشن اول
ماه مه، کارگران قوهای ایران در میان
۱۳۰۷، مخفیانه مبارکه درت به برگزاری جشن
اول ماه مه کردند. در تهران ۸۰۰ نفر در
باغی واقع در دروازه دولت تهران گردید
امندوب سرودهای انقلابی برگزار شدند
اتخاذ دویکها رجگی طبقه کارگریا فرشته
همجنین کارگران مشهد رکوهستگی و
کارگران تبریز زدرکوهای اطراف تبریز

افتتما دی در چهار رجوب موردمیم بورزاری
بیدل کرده است. در حالیکه ما کمونیستها به
قطعنامه اولین تھات کارگری به
مناسبت اول مامه، یعنی تنظیمات
کارگران آمریکا در اول ماه مه ۱۸۹۰ در
میدان اتحاد نیویورک وفاداریم که:
”ما هم زمان با سایر زمینداران برقراری
هشت ساعت کار روزانه هدف نهایی خود را
که برآنداختن تنظیمات مزدوری سرمایه داری
است از اینجا خواهیم برد.“



به همین خاطراست که لذتیں نیزبا طرح
مسائل جزوی اقتصادی در اوول ماه متم
مخالفت کرده‌ان روز را بعنوان روز
حضور طبقه کارگرها صفت مستقل خویش و با
شارهای طبقاتی خود، جشن میگیرد.
شارهای که لذتیں در ۱۹۰۴ برای اوول ماه
نه طرح میکنند عبارتند از:

زندہ با دهشت ساعت کا ردر روز!
زندہ با دسویاں دمکراں انسلاپی
بین المللی!
نا بودیا خودکار مگی جنا بت آمیزو
چاہلک تواری!

پیش از رو روش
و شعارها شی که در اول ماه مه ۱۹۱۷ (قبل از انتقال اکتبر) مطرح می‌گشت، عبارتداز:
درودبیرا اول ماه مه !
درو دبیرا دری ملتها (ای شمار،
شماری بروضجنگ امیریا لیستی است)
درو دبیرا نقلاب سوسیا لیستی !
لشنین درا شردیگر کش در مردانه اول ماه
مه یعنی "روزهای ما مهد رخارکف" که در
نوا میرسال ۱۹۰۵ نوشته است، هنوز هر از
اول ماه مه را پیکاری سرکوب ناپذیر
نمی‌باشد.

این پیکار برای آزادی سیاسی مزدم
روسیه و در نتیجه برای فرمانی تازه
برای نکا مل طبقاتی برولترا ریبا و
مبارزه آشکارش به خاطرسویا لیسم
خواهد بود.

لبنین در همین اثرهایی را خواسته‌ای جزئی اقتصادی درا بین روز بزرگداشت ردویه‌ای خاطر آنها را سرزنش می‌کند، زیرا نشی خواهد که بر شرست سیاسی روز اول ماه مه به می‌جوهه بدهمراه شد.

آری اول ما همه از دیدگاه کمونیستها
همواره با هدف انقلاب ووا زکونی سرما یه
برگزار می شود و نه با دیدگاه یعنی رفرمیستی
ورو بیزوونیستی. رو بیزوونیستها در سراسر
جهان اول ما همه از دیدگاه کمونیستها



۳- تظاهرات نیروهای کمونیست: اول ماه مه ۱۳۵۹

کرامی، ناد اول ماه مه (۱۱ آردیبهشت) روز همیستگی جهانی کارگران

پیکار

سال دوم - شماره ۱۰۰
دوشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۰

دیدگاه درستی نسبت به قدرت سیاستی حاکم
نداشت، اما بهر حال تنکیل مف مستقبل
در این روز، آنهم با آن تعداد عظیم، برای
همیشه در تاریخ میهن ما بسیار کار خواهد
بود. در دیگر شهرها نیز در همین سال
نظارت هرات کارگری پرهیز نیروهای
انتقلابی و گمونیست برگزار شده تظاهرات
کارگران و محنتکنان ایران عملی شده
بود، کارگران همچنان تحت فشار استناد
و سرکوب سرمایه داران که با زهم قدرت را
اویل ماه مه ۱۳۵۹ نیز بانتظام همراه
نیروهای اقلالی و گمونیست همراه بود.

اما در این روز مانند سال گذشته مف
عظیم و پرشکوه پدیدا و نگردید و عظمت سال
گذشته تکرار نشد. سازمان جریکهای فدا شی
حق بطور جداگانه و سازمان پیکار ردره اه
آزادی طبقه کارگر، سازمان رزمندگان
آزادی طبقه کارگرورا کارگرمنشتر کار در
این روز دست به راه بیمه شی و مینهند
زندن روز جهانی کارگران گرفتند.
امال در شرایطی کارگران چشم خویش
ایران به استقبال چشم جهانی خویش
میروند که بیشتر و بیشتر رژیم جمهوری
اسلامی راشناخته و آن روی بر میگرداند
اکنون طبقه کارگرا ایران بیش از هر زمان
دیگر در می باشد که با سیاستی با مسلح شدن
به آنکه طبقاتی در تنکیلات مدافع
کارگران یعنی سازمانهای گمونیستی
گردیده و درجهت رهبری انقلاب و تباودی
سرمایه داری و استندگان میگردند.
بدین ترتیب کارگران ایران در چشم

اول ماه میال می باشند شکوه و
عظمت قدرت طبقاتی خویش را به نمایش
بگذارند و با هرچهار شکوه تبرگزایی را در
این چشم مف مستقبل خویش را جلوه گردانند.
بگوشیم با سیاستی و سازمانهای کارگران
میهیمان، با طرح شعارهای بیانگر حضور
مستقل طبقه کارگر و بسیار نگر منافع تاریخی
آن روز اول ماه میال میال راه هرچهار
با شکوه تبرگزایی را کنیم!

درود بر طبقه کارگرها!
درود بر ما رکیسم! لینینیم!
یگانه اید شلولوزی طبقه کارگر!
مستحکم باد همبستگی جهانی!
طبقه کارگر!
نا بودیا دسرما به راه آزادی جهانی!
زنده با دسویا لیسم!
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۶۰/۱/۱۵

همبستگی و اتحاد طبقاتی خود را نمایاند،
بس از کودتای آمریکا شی ۲۸ مرداد،
کارگران میا روزانقلابی تنها در دست جانشی
چند نفره بطور مخفیانه میباشد و ببرگزاری
چشم اول ماه مه میگردند.

با سرنگونی رژیم شاه خان توسط
تودهای دلور میهن که با قدرت لایزال
کارگران و محنتکنان ایران عملی شده
بود، کارگران همچنان تحت فشار استناد
و سرکوب سرمایه داران که با زهم قدرت را

در دست داشتند میگردند. اما انقلاب آنچنان
نیرومند بود که علی‌غم‌سرکوبیهای جمهوری
اسلامی، می‌زده در سراسر ایران علیه
سرمایه داری و استندگان میگردند.
سازمان ۱۳۵۸، دونیرو می‌مادرت به برگزاری
اول ماه مه میگردند. یکی رژیم جمهوری
اسلامی بهمراهی هم‌توکرانی و از جمله
خانشین حزب توده بود. و دیگری نیروهای

بطور مخفیانه چشم اول ماه مه را در این
سال برگزار میگردند.

در سال ۱۳۵۸ که "جمعیت کارگران نفت
جنوب" بوجود آمد و توافق نهاد کارگران
نفت را بسیج و متکل کند، کارگران
تمصمم گرفتند اول ماه مه را با یک اعتنای
عمومی چشم بگیرند. جاسوسان شرکت نفت
قفیه را به رژیم رضا شاه خان اطلاع دادند
و در نتیجه رضا شاه خان برای جلوگیری از
برگزاری اعتنای عمومی، ۲۳ نفر از
نمایندگان کارگران را زندانی کرد. اما
کارگران با همبستگی خود در روز اول ماه
مددست به یک اعتنای بکجا رژه زدند و آن
را سروز نهادند. نیروهای
نظمی رضا شاه مزدور به اعتنای بیرون حمله
و رشته و ۱۵ نفر را دستگیر و ۵۰ نفر را نیز اغراچ
گردند.

در سال ۱۳۱۰ کارگران اصفهان،
تظاهراتی در روزگار کارگران نفت و مدارس
شمار "زنده باد اتحاد" میگردند. کارگران ایران
در خیابان چهار ریا اصفهان به راه پیمایش
برداختند.

با قلع و قمع حزب گمونیست ایران و
استقرار دیکتاتوری سیاشرضا خانی
ناتال ۱۳۴۰ کارگران ایران
نتوانستند به برگزاری چشم اول ماه مه
نیز بودند. رهبران اتحادیه های کارگری
به زندانی افکنند شدت و نهضت توده ای
شیدا سرکوب گردیده بود. با رفتار رضا شاه
خان و جوی که برای شرمنگ جهانی دوم و
بعد از روز کارگر ۱۳۲۰ مدن مدقق از سال
تا ۱۳۴۴ در ایران بوجود آمد بود، کارگران
ایران باشد بخشیدن به مبارزات خویش
بر علیه امیریا لیسم و ارجاع به برگزاری
مراسم اول ماه مه پرداختند. در این میان
کارگران نفت جنوب، بعنوان پیشوایان
کارگران ایران مراسم کارگری این دوران
کارگران ایران نقش بر جسته ای داشتند.
پراحتارترین مراسم کارگری این دوران
چشم عظیم و پرشکوه اول ماه مه ۱۳۲۵ در
جنوب بود که ۵۰ هزار کارگر صفت نفت
دست به تظاهراتی سرگز زده و قدرت



۲- اولین مراسم اول ماه مه پس از قیام بهمن
کمونیست و انقلابی، مف عظیم کارگران و
زمینکنان و نیروهای انتقلابی در این
روزگر تاریخ ایران بسیار قدم بود. نزدیک
به ۵۰۰ هزار رفتار در هر آن زمان در اختیار کارگران
کارگرکه در آن زمان در اختیار کارگران
انتقلابی و گمونیست بود، حرکت گردند و با
رژیمی با شکوه قدرت عظیم طبقه کارگر و
نیروهای گمونیست را به نمایش گذاشتند
مف انتقلاب در این روزگار تجنبان عظیم و با
شکوه بود که اوضاع و چالان و چالان را ارجاع
نمودند. کوچکترین خشکی خود را مف نظاهر
کنندگان، کوچکترین خشکی خود را مف نظاهر
این روزگار آورند. گرچه بعلت انحرافات
حاکم بر جنیش گمونیستی، شعارها، بلاتکلیفا
وقطعنا مه تنظیمات دارای اشکالات و
انحرافات مشخص بخصوص در ارتباط با
هیئت حاکمه بود و هنوز جنبش گمونیستی

"کمونیست" این تالیب به رهبری برلینکوثر، در قدرت سهیم گردد. برای بورژوازی شرکت دادن روپرتوپستها را خیانتکار این تالیب ایشان در دولت ما سورقدر منندی جهت به اتحاد کشاورزی داشتند جیش توده ها و پا چشم کشاورزی داشتند. این بشاریم آید. اما حقیقت این است که بحران کنونی این تالیب، یک بحران ساختی است و کوشش های همچنان ام ریخت های خدا انقلاب و ارجمند را بروزیونیستها نمیتوان در شردوسعده میازد طبقاتی و انقلاب را دست نماید.

انگلستان-

از سمه پیش، موج جدیدی از اعتراضات کارگری سراسرا نگلستان را درگرفته است. اعتضاب کارگران معادن ذغال سنگ، در اعتراض به سنت معادن قدیمی و بیکار شدن آنها و اعتضاب کارگران و کارکنان بنا در شمال شرقی انگلستان نمونه هایی از این اعتراضات هستند. در حال حاضر انگلستان شدیداً در بحران فروغ فتنه و تورم و کارگری، شدیداً زندگی کارگران را و خیتم تراخته و روحیه اعتمادی و مبارزاتی را در آن ارتقاء بخشیده است. اما تأسفانه هیچ تشكیل کمونیستی قوی در میان کارگران نفوذ نداشت و دویخش مهمی از کارگران تحت نفوذ نیروی امنیتی امیریا لیستی مانند "حزب کارگر" قرار ندارد. این حزب بیوسته کوشه است تا از میازات کارگران سوء استفاده نموده و ترا وسیله ای جهت به عقب راندن جناح امیریالیستی دیگری یعنی "حزب مخالفه کار" قرار دهد. اما باید اذعان نمود که کارگران، تحت ستم روزا فزو ن انحرافات غیرغum خواست رهبران سورزا رف رفیعیست و فاسد ندیدکاری، بطور خودبخودی به مقاومنت مشتری دست زده و خواهان شدت عمل و سیعتری غلبه سورزا زی می باشد. بمنظور مقاومت با وجود چکیتی میازات کارگری و مهار کردن جنیت توده های کارگری که "حزب کارگر" را به کارگران میزند، اخیراً ادعای این تالیب "حزب کارگر" این شناساب کرده و حزب امیریالیستی تا زمان "حزب سوسیال دمکرات" بوجسد اورده است. برای شناخت ازین حزب ارتقا عی کافی است برخی از رهبران امیریا لیست آنرا بشناسیم: "رای هنگیتر" سالهای مبتدی به رسان اسکلیس و زورزای کامبینه قیلی، "دیوید آن" وزیر خارج اسقی اسکلیس "تلی ویلیامز" وزیر اساقی آموزش و پرورش کامبینه "حزب کارگر" آری اینان همان شندرهبران "حزب کارگر" نه رهبران طبقه کارگر، بلکه رهبران امیریالیست و دشمن طبقه کارگریم با شندونات زمانیکه طبقه کارگر این شیوه های متغیر و گندیده از خود دور نشود سوسیالیسم ممکن نیست.

یوگسلاوی-

در هفتگه گذشته توده های شهری و بخصلو صدا شنوبیان ایالت "کوسوفا" به نظر هر ای اعتراف آمیریا کستردۀ ای دست زدند. این نظر هر ای دو مین توده های ایست و که در این دور نشود سوسیالیسم ممکن نیست.



آمریکا-

جندي پیش معدنجیان، در شناخت آنها که برای افزایش حقوق خود دست به اعتماد زدند. در این اعتضاب ۱۱ هزار کارگر شرکت نموده و علیرغم فشارهای پلیس سورزا زی، کارگران همچنان به میازه خود را میدهند. سه میازل گذشته اعتضاب معدنجیان آمریکا ۱۵۱ روزه طول انجامید. بعلوه چندی پیش حمکشان حمل و نقل در فیلادلفیا جهت افزایش دستمزد خود و آموزگاران ایالت اها بولیه سیستم آموزشی ارجاعی و برای افزایش حقوق خود دست به اعتماد زدند. در آمریکا علیرغم عدم وجود حزب کمونیستی قدرتمند، کارگران زیرفشار اتحاد اصحاب ایجاد نمایند. فقدان رهبری مارکسیستی ایجاد نمایند. لینینیستی شر و مندر عرصه جهانی منحربان گشته که جنیش های کارگری در چهار جوپ مناسبات سورزا زی محدود نموده و یا جنیش های آزادی خیش در نیمه راه به سازش باشد انقلاب در غلبه شده ای بن. این لحظه در سراسر ایالات متحده ای ایالت آن برای سوارشان و ظایف عظیمی فرازدار است. آن برای آنکه ستوانندیه تکا، ملیکه کارگری خود را میگیرد و جهان انقلاب را به سر انجام سراسر اندوسیس لیم را مستقر سازد، با بدروپرتوپیسمندی تلاشی را هرچ و سیعتر افتخار نموده و توده های را سراسر یک مشی مارکسیستی - لینینیستی بسیج کارگر و سرنگونی سورزا زی را وسیع تدارک بینند در سطح بین المللی اگرچه هرچه بیشتر شایسته عینی درجه ای انقلاب تحول میباشد و در عین اعتراف و عصمان و میازنده در توده های میلیونی بیش از پیش بیدار میشود، اما تازمایی که این بیداری با مارکسیست - لینینیست در تبا میزد، علیرغم ضربات گستردۀ ای که میتواند بضرر ای انقلاب و اردازد، نمیتواند سه بیرونی قطعی منتهی گردد. مسلماً اگر جنایه شایسته بود این بعین احزاب و سازمانهای کمونیستی در این قرار نمی داشند، میازات کنونی از نظر عدّ و سطح به درجات بیسا بیقهای ارتقاء یا فتح بود، اما هم اکنون نزدیک سبب شد فشار استگاری و استندا ربورزا زی و امیریا لیستها و سوسیال امیریا لیستها میازات بروپولتاریا و خلقهای جهان همچنان به وجودی خود را میدهد.

مبارزات پرولتاریا و خلقهای جهان اوج میگیرد!

”فراخولن کمکهای مالی جهت افزایش تیراژ پیکار“

گنگیکی سازمان در این زمینه است که مناسفان
سلیمان گوششای ما و حمایت و گمکهای مالی ای
هزارسو شمادست ما میرسد و بدلیل گرانی
ما ذند، جا ب و محدودیتهای فراوانی که ازرسوی
جمهوری اسلامی در جا ب و انتشار روا نیکوشه
روا و دیده ما تحمیل میشود، تا گذون شناور نسایم
اسکوی شیا زها فیزا بینه حیث و صرورت
فیزا بش شیرا زبیکار رورساندن آن به سه بعترین
 وكل معکن بدبست خواهدگان باشیم.

در را بظهرا چنین منکلی ما تهمیم به ایجاد
حوال و دگرگوئی ای درجهت سالا بردن فاصل
و جهتبر از همکاروساندن هرچه سریعتر آن
دست خواستندگان هستیم و این میسر نمیشود مگر
تا مین سودجه نسبتی سالای مالی که از این مسا
ی باست از طریق کلیه رفاقت اتفاقاً هاداران و
ارگران وزیرستان و تدوههای ایکا و اسقلابی
ملحق ماجع و رورا هم شود.

از این‌روما با تاکید خواهی، از سما می‌رفقا
عطا، و هوا داران و خواستندگان پیکار رم‌خواهیم
دعا بسیج امکانات خود در این زمینه، سازمان
ادرا مریا سخ به نیازهای منتظر طبقه کارگر و
وودهای بازی دهدن. این کمک با پذیرفته است
ما سی هرچه کوتاه‌تر و میزان هرجه بیشتری می‌باشد.
و دا، این کمک با پذیرفته خاص و جدا از پرکمک
های مالی و صرفه سپتوار فراست شیارا ز
پیکار روشیل توزیع وبخش آن اسحاق کبیرد.
زاسپرو از لکلیه رفقا، اعضا، و هوا داران و
وا نندگان پیکار رم‌خواهیم که کمک‌های مالی
و دراد را بینیاره تحت عنوان "کمک برای افزایش
برای زندگی پیکار" برای سازمان اقبال داردند.
به این‌داد فراش هرچه سیستم‌تبار از پیکار
ورسانند هرجه سیستم‌تبار آن به خواستندگان!
۱۰

ت شناسی از محدودیت امکانات مالی و
۱۳۶۰/۱/۱۵

تلوزیون و کسانی را که بهنگام خراج کارکنان سازمان سه معاشر از خواجه‌ها برخاسته سودنند، شناسانی کشند اما نهاد را مشمول "پاکسازی" نمایند، از جمله اهداف این بررسنای معاشر است که رژیمجمهوری اسلامی داعمین و مخالفین خود را از طریق سوال "نظر مساده در مورد اتفاقات جیست" شناسانی کرده و برگات انتقالی کسانی را که در سراسر سهی از رنجای رژیم تسلیم شمی شوند گفتگو کرده و سه برگوب سپرده‌های انتقالی درون سازمان دست ندوای اسیدی دیگر اسقاً، داده‌اند. آنها را سرای جرای اهداف نشکنی خود، سازماندهی می‌نمایند. ماریم‌جمهوری اسلامی ساسکوئه تفییض عقاب‌های طرفی فوایدستواره مدارس کارکران اقلایی و مدارز شست مذکوم است سریعه عمال؛ سه مجهودی، اسلام.

هم اسطوره که با رها توضیح داده ام، امر
تبليغ بکی از مهمترین و اساسی ترین وظایف
کمونیستها، بیویزد شرایط اعتصاب کومنی جنبش
توده‌ای است. در شرایطی که رژیم حمبه‌ی اسلامی
سادرا ختیار داشتن امکانات وسیع تبلیغاتی
علیه کمونیستها و آرمان والای آنها لحن پراکنی
گردد و بطریق گستردگی دست ساعوا مفریبی و
تحصین توده‌ها میزند. در شرایطی که رژیم بتویست
های خائن، این نوکران امور زوازی، سکلی

گستردۀ وفعال میکوشتند تا توده هارا و اداره
تلیم در سراسر سرزمین را زی شنا بیند در شرایطی
که سوده های وسیع طبقه کارگر و حمکمان مادر
اکثربت خود را زیگا هی طبقاتی سرخوردا رنسوده
و نسبت به ما هیبت رژیم جمهوری اسلامی دچار
توهم و خوش اوری هستند در شرایطی که از اینها شی
توده های رحمتکش نسبت به وضعیت زندگی و
شرابط سیاسی عاقم در عالم افزایش و گسترش
است و مسازات آنها علیه سرمایه داران و رژیم
سیاسی موجود در حال توسعه و اعنانی فراموشیده است ،
تفشی تسلیح سوسیالیستی و دکترانسیک بشی از هر
موقع دیگری سوط کوسمیتها بر جسته تر میشود
این مسئله نا آنحاکمه سازمان برمیگردد
ساتکا ، خما پشتها و گمکهای شما ناکنون گوشیده
ایم در رجا رجوب امکانات و مقدورات خوده ایم
و طبقه مهم با سی گوشیم . شریه بیکار که هم اکنون
صد میلیون شماره آن در ایران را مشاهده میکنیم
ایران را و هو سائل تبلیغی سازمان و بدون تردید
همزمنی آن موده و هست . مادر طول این دو سال
سی گرده ایم ، این شریه را علیرغم تما می
اشکالات و کاستی ها و نا احکام که در شوان داریم
هر چه گستردۀ نزد و سرعت بدست کارگران رحمکمان
توده های آگاه خلق سر اس نیم . اما واقعیت
این است که این کوشن ما همراه با مشکلات و
مواضع جدی روی بوده است برخی از این
مشکلات سانش از محدودیت امکانات مالی و

ایالت بوگلواوی در ماه چاری روی میدهد. در این سلطه هرات خددولتی، شده از زیادی رخمن شده و افراد بسیاری توسط پلیس فاش شدند و رئیسم دستگیر و زندانی گشته اند. مردم ایالت کوسوواً مشترک را ای منتشر آلبانی میباشدند و زیرین باز توسط رئیس سرمایه داری و ارتباطی شنخوانش و جانشینی نش موردو سکوب فرازگرفته اند. تندوه های آلبانی که در این ایالت مقیم میباشدند، پیوسته به سبب سیاست توسعه طلبانه و شووشونیستی رئیسم حاکم، مورد کشتن را واقع شده و مروزه در شرایط شدیداً نا مناسب افتخادی و سیاسی به سه میبرند در همین ایالت از زمان روی کارآمدان دارو - دسته شنخوانش داده ای از گمتوپستها را درستین و آزادیخواهان به زندان افتاده و قتل عام گشته اند. و مبارزات کنونی، ادامه مبارزاتی اقلیت آلبانی در این کشور و کل خلقهای تحت ستم بوگلواوی علیه بورزو - رویزبونیستها برخشم میباشد.

السالوادور -

مها رزاس دلبريا نه خلق السالوا دور علبيه
اميريا ليسم آمربيكا ونوكران داخلي اش همچنان
ادا مداد دارد. در حال حاضر اشرشاد نقلاب
غريبات مهمگشتنی به رژیسرا و استاد حاکموا داده
واورا محصورا خته ترا برای حفظ حیات نگشان اش
کشکاهای نظامی - اعتمادی گستردگی ای از امریکا
سکنید. اخیراً امیریا ليسم جنا بیکار آمریکا نیز
سلطه ای جدیدی به رژیم حاکم داده و پیرای سرکوب
نقاب اقدام به گسل قوای نظامی به السالوا دور
کرده است. آمریکا شهکار رهنو زاویت نهاده
دوس نگرفته و دریی هنایات نازهه ای است.
آمریکا که کم رژیم حلال السالوا دور، از مال
گذشته تا کنون، بین ایزیزده هر ارکمنیست و
آزاد بخواه و توده های مبارز، رافتل عالم گردد
است. مردوگان حکومتی فقط از اول زانویه
امال تا کنون ۵۳۰۰ نفر را ترور نموده و
هزاران آزاد بخواه و کم منیست را به زندان
افکنه و موردنگنجه های وحشی نه خود قرار
داده است. این جلادان، زندان سیان سیاسی را با
ایسدولفوریک سورانده و سپس آن را به گلوه
می سندند. درکنار این سرکوب و خسارت نهاده
امیریا ليسم آمریکا با واسطه کری سوییال
دمکرا شهای امیریا لبست آلمان میکوشند تا
سا زش با شیوه های لبیرال و مازشکار السالوا دور
جنش خلق را به سازش بکشند. این توطئه
بزرگی است که علیق قهرمان السالوا دور باید
با آن سه مبارزه فاطما نه بخیرند و برجام نقلاب
همچنان راه گذاشتند.

لستا

میازدات کارگری هیجانان به و اعکسی خود
ادامه مدد و سحران سرا با جا معهده سرمایه داری
لهستان را فرا گرفته است. ما تحلیل و قایقی
لهستان را در هفتاد و پنده درج خواهیم نمود.

پیکار

آوردن منابع اطلاعاتی متنوع باشد. جراحت
موضوعگیری مادرقبا این مثال سیار حساس
است، و براحتی نمیتوان بدون دسترسی به
حقایق موجود به موضوعگیری درقبال آنها
پرداخت. از اینروضمن آنکه ما کوشی میکنیم
بغیر خورا مکانات و توانا شیمان به مردمی
چنین مثالی پردازی همچنین اخبار
مما را زیستی خارج ازکشور را هرچه بشناسد-
نماییم، در عین حال بخش مهمی از این وظیفه
را در مشغولیت رفقاء بخش خارج ازکشور می-
دانیم که با بدیابار ارسال مرتب اخبار و گزارشات
حول مطالب زیر، مفهومیین! مللی پیکارها
تفصیل کنند:

- ارسال مادا و مفهومی مهتمرین اخبار و مبارزات طبقه کارگر و توده ها
- ارسال تحلیل مبارزات کارگری (نظریه هستا) به منابع فرا و اسی که در آنجا محدود است.

۳- ارسال اخبار وگزارشات از جنبش انقلابی
و ضعیت نیروها و موقعيت امیریا لیسم و تاکتیکهای
آن در کشورها شی نظری اسلام اندور، بیکارکوه و ...
۴- ارسال گزارشات از فعالیت احزاب
- جیاپ، و فعالیت آسما.

۵- ارسال اخبار وگزارشات و تحلیل از
تکنیکهای امیریا لبستهای گوناگون، و ضعیت
درومنی و بیرونی آنها، چگونگی مقابله با هر جان
از سوی آنها، میزان بیکاری، فقر و سرکوب در
آنها.....

۶- ارسال خبر و تحلیل در مورد فعالیتها
۷- از جزا روابط بین‌المللی و سوسایل امیری برای
شروعی و کشورهای سوراوا - روسیه
۸- ارسال مرتب شریات کامونیستی بوبیزه
۹- شریات آلبانی بر زبانهای انگلیشی و فرانسه
۱۰- بعلوه از رفاقت ای هوا دار رخا رج میخوا هیم که
درز مینه های زیر نسبیش از پیش تلاش کرده و ما
با این مساعدة

۱- ارسال خبر در مورد فعلیت‌های نیروهای ارتشی از جمله سلطنت طلبان مزدور و طفداران مختیار رخا شن و ... و نیز فعلیت‌های رژیمجمهوری اسلامی در خارج از ایجاد رفقا فقط به توضیح مختصر فعلیت و عملکرد می‌باشد روزاتی خود در این محدود کتفا نکرده و تحلیل حرکت ارتشی عی خودان بنیزروها را ارسال دارند.

۲- ارسال برپه روزنامه های مختلف
(خارجی و ایرانی) در مورد مسائل ایران.
سینما: باشد!

از رفیق هوا داری که گزراشی تحت عنوان
اکرگها شی که به لباس میش در آمده اند و مکتبی
شده اند "فرستاده است میخواهیم که هر چه زو دتر
با تینکلبات شیرا ن- تمام س- بکسر د.

طرحهای جالیسی توسط رفقاء ازمان و هواداران
بسدست پیکار رسیده است که شنان دهنده روحبه و دید-
گاه انقلابی رفاقت است. به امید موفقیت بیشتر!
م گلسرخی کارگر - ۵ طرح ازینها (آمریکا)
طرح ۷ رفیق شهیدها هواز - حمید، ع. ۱۳۰. قم.



زندگی نداشتم راهی بودم. من اگرچه از شهادت پسرم بسیار راضی بودم، اما میدانم که این در تلخی فرقاً بیش و در قلب مردمی که این را بشانند و می‌دانند، مخصوصاً مردم کردستان همیشه بدها است. استناداً، آنها خواهند گفت.

ساده محدوداً بلاغیاً

برای رئیسی معمور درعا
من مادری مستم کن بارج و زحمت زیاد بچه هایم را پرگزگ
کردند امروز روز و بهم این بود که حصہ آنها دو شنبخت
باشند من می قوامست کم بچه هایم د کشند سا و
دیگر شروع نلا آنها خداوندان بیک شروع آمد بازه
بیاد خشنان میدم کرد \times یعنی بارزیم شاه و آمریکا و
بمقتضی سرمایه داران آنها بخاطر ایله مردم در یک
جا هم ذوب و آزاد زندگی کنند مبارزه می کنند
سعود حم صمه زندگی و جانش را در امام مبارزه اش

ما در عزیز! ما نیز ایمان داریم که خونینستها، بی جهت بر زمین شریخته و در رواقع
نهایان انقلاب توده ها و در اس آنها طبقه کارگر
ز را باور می سازد. بسر قهره ما توروفیق گومنیست
ما، محمود، بکی از هزاران هزار گومنیستی است
که خاکستر شان می باست دره عظیم ما بیمه
سرمهدهاری و گومنیسرا بر کرد. با این نی
ستوارتو، احمد محمود را راکدها ن راه سرخ
نشد کارگران است خواهیم بسیار.

بدها مهد پی روزی!

سخنی نا هواداران خارج از کشور!

پیرامون شعار
”علیه حزب جمهوری، علیه پیرالها“

برخی از رفاقت پرسیده‌اند: آیا بین شعار به معنی درمان نگهدارشون خرد و بورزوای مرده سنتی ارزی برترین انقلاب نیست؟ در جواب باید بگوییم که لا زمانیکه علیه حزب جمهوری اسلامی شمار میدهیم، این مردمه تنها شال جنایت بورزوایی آن که هژمونی دارد، بلکه شاپل جناح خرد و سورزوایی آن نیز مشنود. چه همانطور که رفاقت میدانندما به وجود جناح ای از خرده-بورزوایی مرغه سنتی در حزب معتقدند. ثانیا، جناح خرد و بورزوایی مرغه سنتی خارج از حزب (عینی، منظری، سازمان معاهدین انقلاب اسلامی و...) نیزدرا سان از لحظه کرا بیشتر و است به حزب میباشد و در حقیقت اساسی ترین ساستهای آن نوسط حزب تعیین می‌گردد. بدین ترتیب زمانیکه "علیه حزب جمهوری" شمار میدهیم، تنها شال کلیبه و استگان سیاسی متفاوت آن، بلکه شاپل کلیبه و استگان سیاسی - ابدولیویزیک آن نظیر سازمان معاهدین انقلاب اسلامی، عینی، منظری و... نیز مشنود. این سالهای در مردم و استگان - سیاسی اهمولوی که بیشتر سر لیبرال‌هاگرد آنده اند نیز مدداق دارند. در حقیقت شعار "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرال‌ها" از یک سویا نگرفتی، آلترا شوهای مستقل موجود حاکمیت (خرده و سورزوای مرغه) سنتی که بیشتر سر حزب گردیده است، آلترا میتو متقلی را در جنیش ارازه نمیدهد او را زلطه دیگر سا نگر پروت در هم شکستن قهقهی کلیت ما شهمن دولتی (شاپل دوچنان) و نهضتی رفرمیستی بسک، جنایت میانند.

قسمتی از نامه مادر که موبیست
شہید محمود اپلاعیان

سایه فقایه محمد

من مادری هستم که با رنج و زحمت زیاد بچه ها
ها سیرا بزرگ کرده ام و روزیم این بوده که همه
آنها خوشبخت با شدن من میخواستم که بچه ها بسم
دکتر و مهندس دیدیر شوندا مانند آنها نخواستند
بلکه شروع به مبارزه با دشمنان مردم کردند
یعنی با رژیم شاه و امریکا و بقیه سرماهید ران
آنها بخاطرا بینکه مردم دریک جا معمد خوب و آزاد
زنگی کشند مبارزه میکنند. محمود هم زندگی
و جانش را در راه مبارازه اش فدا کرده اند نمی -
دانسته که او در کردستان و بخاطر مردم زحمت کش
کردی جنگدا ما هر وقت که بروجرد می مدارز
دستهای بینه بسته اش معلوم بود که برای مردم
زمینت کار میکند. حالا که در راه زحمت کشان
بدست حزب ضد مردمی دمکرات شهید شد میفهمم
که اوج چند مردم را دوست داشت من آرزو داشتم که
او عبید مزد خان نواده اش بیاید ما دشمنان
او و دشمنان مردم خواستند و گذاشتند که او

چرخش ضد انقلابی جدید روپریو نیست های خائن حزب توده

اینجینیون خوش‌های ارساخی که لیبرال‌ها را در ۱۸/۱۱/۵۹ ارتخاً عی محواد و یک‌ماده مدعی شود که "هیچ وقت نکفنه ایم که لیبرال‌ها کا ملا سندیل به مدعاً تقلاب شده‌اند" فقط از عدهه مرتضعمن و سیاست‌مازان شادی جون "جزء خاش نوده" و سردمداران خیاست‌بیشه‌اش تپیرکی‌نوری هاربری آید. حزب خاشن نوده باز هم "بیوی کیات" به مناسن حورده است. لیبرال‌ها شعر را منهاداری کردند، نوده‌ها در مقابل حزب جمهوری اسلامی فراگرفته‌اند. لیبرال‌ها خاشن سوارش مسلط نهند و... وا مکان قدرت گیری سینترالیبرال‌ها وجود دارد. حزب نوده درگذشته خیانت با راش‌نشان داده که مرید آن کسی است که قدر ننمایند. اگر لیبرال‌ها شیوه خون بازگان و نرسیده دولت مسلط ناشد، حزب نوده محترم‌آسها را منگوید و روزی‌گرکه صفحه‌بر میگردد، خشیم حزب نوده بآسانوسی بیشی ها و... میروند. مهم آن است که حزب نوده بعنایه بارویا و رسورزو از ای ارتخاً عی حاکم‌سوی آن عنایج بروند که قدرت پیشتری در حاکمیت دارد.

کبا سوری خا ش که روزی "ا سقلاب اسلامی"
را از سخنگویان سوری وزیر لیبرال "ارنجاعی"
معرفی میکند امردم ۱۸ سهمیه ۵۹ سال طرفما م
رباست همپری که سنتی در خاش بیداری داد
میکند و سزدروز نیای قدرت گیری آینده
لیبرالها که از سظر حزب توده منتفی نیست، وی
نه بیکاره "عیبرلیبرال" مبنی و دوکبا سوری به
طهره اولیم پردازد. علاوه بر اینکه ارشاد سلط
بین مددروز و زن مبنی اسقلاب اسلامی برگزی پوشیده
نمیست، فقط خا شنین فرومایه ای جون روپزیبو-
نمیست های حزب توده میتوانند با واقعیت را
که بینی صدر در اس لیبرالهای خا ش و مرتعی
قرارداد، دکتران نمایند. روپزیبونیست های
خا شن حزب توده، چه خوب این گفتگو دهای نه
لشتن را که میگوید: "سیاست روپزیبونیستی
عبارت است از شنبین روش خود را واقعه ای نا-
و اقمعه دیگر، تطبیق حاصل کردن سعادت روز و
با تغییرات وارد در هشتگات ساسی، فراموش
گردید منافع اساسی برولتاریا و خا شن اعلی
کلکله و زیم سرمایه داری" (ما را کیم و روپزیبویم)
در عمل بکار راندگاران قدمت می سخند.
آری! روپزیبونیست هایه "با لا" چند وخته اند
و خا شنین حزب توده، این نوکران سوری وزیر،
در رجهت بینا کردن اهداف سوسال امپرالیسم
شوری، آماده خدمات سه سوروزای ایران هستند
آنها خوب ام و خته اند که چگونه "سعادت روز"
تطبیق حاصل نمایند. و در این راه احتمال دو
میتوانند در کمتر از یکماه چرخش های مدا سقلابی
که ای "سعادت روز" منطبق ساندستند.
از این جهت در میان اینکه، مقام

میریا نیسم بک حا هم خط قرمی هست که نبرو
ای سطور عده مدا میریا لیست در بک طرف آن قرار
مگیرد و شروهای سطور عده هود از میریا بیس
رط دیگر.

... ممکن است که بعضی از شروهای آنطراف
خط قرمی از نظر معنی دیگر خصوصیات "متفرق" تر
نمایند. مثلاً سورزا زی لمیرال را
مگیریم که طوفدا رازش سا امیریا لیسم است ولی
ممکن است بعضی از شاپندگان آن ساطلاح
مندن "ترهم" باشد.... طبیعی است که چنین
چیزی شنیدن اندسرای ما معملاً از تعماً و پا
مترفی بودن باشد.....

کیا سوری خاش در همانجا امام میکند:
"روزنامه ما.... قسمت اعظم مفاتح خود را
به توطئه های امیریا لیسم آمریکا و لمیرال ها
ختماً من داده است" و ادامه میدهد: "... از طرف
دیگر همین سورزا زی لمیرال همینه از تعماً عی
شوده است. (یعنی الان از تعماً ایست پیکار)
وقتی سودکه سورزا زی لمیرال در جمهوری شروهای
انقلاب قرار داشت... اما حالاً که شرایط تاریخی
غوض شده است، همین سورزا زی لمیرال آنطراف
خط قرمی را ردارد." (مردم - ۵۹/۱۱/۱۸. تا کید
رام است در همین مقاله از "انقلاب اسلامی" و
"میزان" شنیدن ناهدا سپرده شده است.

از اینکونه مطالب در شماره های نیمه دوم
سال گذشت روایت شده ای لمیرال های خاش و حنای
با شنیدن داده ای لمیرال های خاش و حنای
"حزب جمهوری اسلامی" و دخالت خمینی که همچو
نکاتی پیغام لیرال های بود و نیز همچو لیرال های
حزب توپه برای اینکه هیچ "شانسی" از داشت
ند هدو اگر بکاره تفییری در مرموزه قدر متوجه
آمد "رسش سی کلاده" نشاند، اما حالاً "دوران ندیشی"
کرد و چو خشی دوباره در مردم لیرال های نموده است

کیا سوری خاش در جلسه برش و پا سخن
(۱۲/۱۰/۵۹) میگوید: "همین الان با این کدها
و دهها نامه رای ما میرسد که جراحت علم نمیکشم
آنایی سبی مدر جزو لیرال های است. ما از همین
کاری اینکاف نمیکیم، چون ما رای ای لمیرال های
با یه، سترکا و موضع تکری طبقاتی خا من فا شل
هستیم و هر کس بگوید آقا، بنده میخواه همه جیز
از ادب ایشان که ای ای لمیرال نیست.... ولی
ما میجوقت نگفته ایم که لمیرال ها کاملاً نتدبیل
نمایند اند....." (مردم - ۱۰/۱/۱۰)

در دو سالی که از عمرجمهوری اسلامی می-
گذرد، در همه روزهای رژیمجمهوری اسلامی
و جماهیای تشکیل دهدۀ رژیم تغییری بدیده
بنامده است و دو حجاج حاکم حزب حمه‌وری
اسلامی ولیسرالها (روزبروز در دشمنی ساتوده-
های زحمتکش خلق و سازش سا امیریا لیس مصممتر
از بیش عمل کرده و می‌کند. امام عبار و روزیونست
- های خا شن "حزب توده" در سرخورد به رژیم
جمهوری اسلامی را، نه ما هبیت واقعی رژیم بلکه
اهداف خدا غایل ایں باشد مرتع و ایسا با
سویا امیریا لیستش تعیین می‌نمایند.
در روزهای سخت حاکمیت حمه‌وری اسلامی که
قدرت دولت در دست لیسرالهای خا شن -
با زرگان و همبالکی هایش بود با رزگان ،
نزبه سخاپی برای "حزب توده" رجال "ملی و
انقلابی" سودن و شرکت‌شان در "دولت موقت"
دلیلی سرازش و شخصیت "انقلابی آن" دولت
خا شن و داد غایل ایسی اما متوجه که قدرت حزب
جمهوری اسلامی در حاکمیت بالا گرفت و ایسی
حزب در قدرت سیاسی از موضوع برتر سرخورد را رد
و شیوه موافقات آن با تندیدا اختلاف بیش
لیسرالهای خا شن و حزب اجتماعی حمه‌وری
اسلامی، لحن "حزب توده" نسبت به لیسرالها ،
درجه تغییر کرد. آن "انقلابیون" و " رجال
ملی" به "مید" امیریا لیس مریکا (مردم
۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸) مفهوم اول پیرو "خط سریز نشکنی"
(همانجا و سیاست‌های حزب مزبور در مخالفت با
شدن حزب خا شن توده که تحقق اهداف اجتماعی
خود را در محیگوشی و در بیوزگی بخش غال است
حاکمیت پعنی حزب حمه‌وری اسلامی میدید، به
پیروی از سیاست‌های حزب مزبور در مخالفت با
لیسرالهای شروع به تبلیغ علیه لیسرالهای نمود.
شماره‌های نیمه‌دوم سال ۵۹ "مردم" بیان نکراین
و اقتضیت است .

"مردم" شماره ۴۲۸ شنبه ۱۸ بهمن ۵۹ در
کزارش موسوط به جلسه پرش و پا سخ "اکیما نوری
خا شن می‌نویسد:

س- شکی نسبت که در حاج معده ما، علاوه بر
لیسرالها، شرروهای ارتقا عی دیگری، از جمله
افراطیون مذهبی، هم هستند، گه که هر گونه
پیشرفت اجتماعی مخالفند... (تاکید از ماست)
در همانجا کیا نوری با سخ میدهد:
....در این طبق و سعی و رنگارنگ هوداران
بسیار سعلمی نا اجتماعی و استه

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

مجلس بزم است یا حلسه دادگاه؟

خود حفراست برای شنیدندا و راید سال جیس
محکوم کردند: همین "دا دگا هها" برای یک، رفیق
هوا دار در قزوین به میانه بخش: هلامه بیکار
ه سال جیس بر پریده اندوشه به نشستگاندا ختن
در حوارت داشکا! هوا زرفیق احمدمو" دن را
به اعدام محکوم سودند. ورقتا محمود لحی را د
وطیب سحم الدینی را در سربری سه به بخش
اعلامیه سرو رکردند. آری، این احکام شداد و غلاظ بخطار
کمومیت سودن این رفقاء و دفعات عنا از من افمع
کارگران و زحمتکشان بوده و علت مهربانی
دادگاه به استال دریا دار اعلوی و سپهند
با شما تقلیح و میرا نستظا و ۱۰۰:۰۰ بودکه
با لاخرد دسته اخیر در صفت دشمنان زحمتکشان و
کمومیت شما فرا ردا و سودو حکما مشرع با یاد ربرا بر
کارگران و زحمتکشان دربرابر کمونیتیها و
انقلابیون دندانهای زهرآگین خود را به نمایش
بگذارند زیرا دقیقاً در صفت دشمنان آن شان
فرا ردا رند. همچنین نقفات شرع با یاد نسبت به
همیان لکی های خائن شان بعنی با زرگانها و
امیرا نستظا مها و... مهرو عطوفت شان دهنده مکر
نهادن است که هردو از رسیده داران و مدارف مع
آسان اندویا زمکرناهاین است که چاقو قودسته
خودش را نمی برد؟!

1380/1/11

۱۴ مقدمه قیام ایران
فرمادهان همین ارشت نیستند کدست... ور
سمیا ران و سرکوت خلق کودرا به اخراج ادر مساوی بود؟
مکر همین فرمادهان ... وسی جهت نیست که
فکری و زیردفعاً و فرماده مزدور شمری هواشی
اعلام مسکنده تصفیه های ارشت (کدام تصفیه ها؟
شاید منظورش اعداً و مسکنای مزدورانی جون
رسیعی، آزموده و سارقی که در شرقنا رشوده ها
مورت گرفت باشد؟) همچوں (منظورش کشیده
سرما دیداران است (اضریزیداً زده است.
(انقلاب اسلامی ۱۱ فروردین ۶۴) دادرشتی سا
جنسن فرمادهانی، فرا رافسان مزدور آپیم
با هاوی سای نطا می وسهماری اغض-سای
خا سواده اش - که نهیتوانیدون همکاری و
نتیجه ای با دیگران مورت گیرد - سیا رطیعی
است. ارشت دست پرورده مهرباً لیم آمریکا ،
کسانی راهی بروانندگاه زدست خشم توده های
زمینکن ایران به زنگال های مزدو را میرسیم
amerika دربرکه سیاه بیند!

خط ۳ درا صفها ن بود و بیش از هشتاد و سه
سازمان ماوخط می‌سیاسی - ایدلولوژیک آن سردیک داشت
شها دست رفیق نار مرتفع فیضیان که زا ولین
شهدا ی جنیش گمونیستی پس از قیام سهمن بود،
گمونیستها را در طریک کردن راه سرخ او که راه
از ادی طبقه کارگر بودند مصمم شروا و از ترکرد.
ساده گرام و ملائمه خواهد



تکنیک های از جمله دلگاه امر انتظام، انتزاع و پنهان

و دیدن از قروچه، کیته را تجا عی و طبقا سخن خودرا
علیه فرزندان دلاور خلق سپرید کتر سوندسرداری
شهرام، مهدی علوی شوشتاری، محمود محمدی، سعادتی
و همه طرفداران کارگران و رحمکشان میربرند.
ای سکونه محنه ها کدر "دا داکا" ا من؛ سلطان
دیده میسودد "دا داکا درسا دار علوی" که برای
آمریکاشان و ناوگان آتهاد رحلیخ فارس حاسوس
میکرد نیز دیده شد و علیز غم سهمه خیسته که

از سوان نهشت آزادی هستند و دو شفرا و ل و کیبل
مجلس شورای اسلامی هم میباشد (دیده مشتود).
جهره خستدا و خوش و شن آنها با یکدیگر را سما
قبایله خلاد، همین محمدی و امثالش در هنگام
ضد دورای اعدا موزندا نسبت به گهومیستها و
دیگران تقلیل بیرون مقاومت کنید. همدستان محمدی
مثل خلخالی، جنتی (اهاواز) فهمیم (کرمان) موسوی
(سربر) و مددجوه اور شهربان و دیگران با خشم

سالگرد شهادت ریبیق ناصر تقوی قیام



روز ۱۸ فروردین ۱۳۵۸، یکهفته پس از
رفرازندوم "جمهور اسلامی" و باشان ملیخ
ارتجاع و بسادران سرمایه‌ده راهیما شئی
کارگران بیکار در اصفهان بورس بردن و عده
زیبادی زخمی گردیدند. رفیق ناصوفیقیان،
زاده شجاعیان کمونیست داشتگان اصفهان که
بخاطر فعلیت‌های خستگی تا زیدرا نقلیاتی اش
موردهستا اشی ارجاع قرار گرفته بود، در این
راهیمیا با گلوله موزو وار سرمایه‌ده شها دت رسید
رفیق ناصفاً از قعایل جریان موسوم به

سالروز قیام خیابانی

خطاطه ۱۶ فروردین ۱۳۹۹، روزنامه شیخ
محمد خبایانی را علیه استبداد و ارتکاب در
تیریزگرا میداریم.

تبای محسانی سیاستگران حیثیت تاریخی
است که شکست و سرکوب جنیش خلقها، آنها را از
حرکت می‌رزانی با زنمیدارد و بدبختی هر
نکستی مبارزه است و سرانجام می‌زد بپروزی
سده‌های ستمکن و محکم است.

سیمای از صفحه ۲ مقاله...
”عطفوت“، ”وحدت“ بروی رژیم خواهد گشود. سال
جدید، سال سکون و رخوت جنینش، سال وحدت
دروسی و تحکیم به های قدرت رژیم خواهد بود
از همین روزهای جاره ای خواهد داشت که در سال
جدید، او همین آغاز می باست سرکوب خود را
کما کان در دستور قرار دهد و برا زدست رفتتن
شبات و وحدت درونی خود، رسیسترا و جکیری
مجددضاً دجنا هایه، به مرشه خوانی بنشینند.
سالی که در پیش است، از دیدگاه اسلام و
طبشگ کارگر، سال ارتقا، آگاهی نوده ها،
گمرش می رانه طبقاً سی و سال تعیین و تلاشی و
انحطاط با زهم بیشتر رژیم حاکم و سقوط بیشتر در
سراپیاب انفراد خواهد بود.
جنین سالی می باشد

یک نکته پند آمیز!

و دموکراتیک "قرار میدهد"

علاوه بر تعمیق گرایانه روز بروزیونیستی در راه کارگرفتاری شیان (اقلیت) که حسنه از ارزیابی کاملاً منقاً و سلالاً به حرب تند و (مردم ۱۵/۱/۱۵) داده است و در بالا به آن اشاره شد، بیان این دو مطلب متماً، بدون اینکه در نیروهای ذکر شده تغییر ما هوی ایجاد شده باشد شیان دهنده عمق رذالت "حزب توده" و ما هبست ارجاعی این باند فریبکار است که هر لحظه بسوی میجر خداوند ۵۹/۱۱/۱۸ میلادی آشوب از "تحدین خود قلمداد مینماید" از دشمنان قسم خورده و طبقاً تی طبقه کارگرخواست نسبتوان انتظاری داشت. روز بروزیونیست های خان جز ب توده همچنان که در سرخورده رژیم شاه و هیئت حاکمه کوتولی شیان داده اند، برای تحقق اهداف ارجاعی خود و خدمت به اربابان سویاً امیریا لیست شیان چاره اند رساند. از اینکه "شیان را به شرخ روز بخوردند" "فدا نقلاب و انتقالب مثل هر پیدیده دیگر برای حسنه در مدت بیست و چند روز برا این خانشین تغییر ماهیت میدهد. در این این ازما هبست ارجاعی کار - گزاران سویاً امیریا لیسم در سران ناشی میشود که برای حسنه سواندکاری را که بزعم آنها "مریکاشی" و "مذا نقلایی" هستند در "جهیه متعدد" خود جای دهد.

چرا که آنچه برای این خانشین تعجب نکننده است به فرا موشی سپردن منافع آنی و آتی طبقه کارگر و حرفک از سیاستهای روز و سکونی به منافع خدا نقلایی خود را بسانان میباشد

پس از بر ملا شدن جریان تقسیم مخفیانه زمین بین شروتمدنا، هیئت هفت نفره با پخش اعلامیه

محبوبه عقب شنینی شده و تضمیم خود را الفتو میکند. اما بعد از جندروری خشی از اراضی رایه شروتمدنا از دوخت و اگدا رکوده و احراز خضر جا و رایه آنها میدهد. این موضوع مخالفت شدید دهقانان "خروسفلی" را امیریا انگردکشیده نتیجه می رازد آنها و شکایت مالکین چهار رفتر از دهقانان دستگیر میشوند. دهقانان زحمتکش متخد و یکی را جهیزی آزادی زندانیان در دادگستری نیتناست بور مختص میشوند. در این شرط دهقانان جلسه ای با حضور دهقانان و ملائوروزی

رشیس هیئت و دادستان تشکیل میشود که در آن ملانوروزی با تدبید دهقانان میگوید: زمین را من دادم و هر کس حرفي بزندسر و کارش باید اداران می باشد. دهقانان با شنیدن این حرف خشمگین شده و ملانوروزی را بشدت کیک میزند. در این مبارزات مقدیاری، حاج مادر مرشدلو، حاج عبدالوهاب قدیمیاری دهقانان "خروسفلی" را می خواهند. آنها بدون شیخیگری از شخصیت های استانداری خراسان رفتند و سپس با مراجعه به روزنامه "خراسان" در جشن جریان را از رو زنامه مذکور خواسته اند.

بکار رده گرچه واقعی این خانشین به طلب و انتقالب را نیز بر ملا میسازد. این دو مطلب زیر توجه کنید. "حلقه ای ازلسله این آشوبها، قرار است امروز بعد از ظهر در تهران، بسته گروهگ های آمریکاشی - ما شوئیستی (بسویه "پیکار" ، "رژندکان" و "راه کارگر") مخالف انتقالب بروگردد". (مردم - سه شنبه ۲۳ دی ۵۹) و نیز "مذا نقلاب آشکار، گروهگ های آمریکاشی - ما شوئیستی و ... (همانجا) و نیز مردم (شماره شنبه ۱۰ بهمن ۵۹) تحت عنوان "توطنه مذا نقلاب و ما شوئیستهای آمریکاشی" برای ایجاد آشوب ختنی شدمیویس "چپ نهادی های اقلیت با همراهی گروهگ های ما شوئیستی - آمریکاشی پیکار و رژندکان و ... صبح دیروزی دریه آشوب کشانند تهران کردند...". این سا مطلاع تطا هرات ... ختنی شد و دنده انتقالب و ما شوئیست - های بیش از بیش رسو شدند" (تا کیده ای زمستان) حزب خان شونده دردی و سپهان ۵۹ "راه کارگر" و فدا شیان (اقلیت) را که از سرخورده رکنندگان تطا هرات ۲۲ دی بودند و سرخوری فدا شیان (اقلیت) که سرگرا رکنده سطا هرات ۱۲ بهمن (دریزگرد) کشانست سی هکل و فیما میهمان (بود) سا حرکت ازما هبست ارجاعی و واسته خود - آمریکاشی، "مذا نقلاب آشکار" ، "مذا نقلاب" و ... میخواند و ما بغا ملکه مکمل از یکمادا بندو نیزورا اگه هم آمریکاشی "بودند و هم "مذا نقلاب" در درون "جهیه متعدد" سطا هرات ۱۲ بهمن

مسابقات دهقانان نیشابور

بر علیه هیئت ۷ نفره

واگذاری زمین

نیتناست بور مخفیانه و بدون اطلاع دهقانان رحمتکش اراضی مذکور را بین ۶ نفر از شرکتندان محل تقسیم میکند و تعیین میکند که از طرف چهار سازندگی بینا م منتفعین سرای آنها سه حلقة چاه بیرون حداد کند. افرادی که هیئت هفت نفره

زمینهای را بین آنها تقسیم میکنند برش زیر می باشد: شیخ مادق و شیخ عبد الله ما مجتمع - های "خرو" ، "حاج حسین خدا قلی" ، "حاج قربان" - قدیمیاری، "حاج مادر مرشدلو" ، "حاج عبدالوهاب قدیمیاری" دهقانان "خروسفلی" سمعن این هیئت هفت در تاریخ دیماه ۵۹ دهقانان بی زمین "خرو علیا" با اتحاد و همیستگی خود، "توطنه های فریبکارانه هیئت هفت نفره را خنثی کردند. جریان از این قرار بود که حدود ۱۰۰۰ هکتار زمین به اصطلاح ملی شده در اراضی "اکبر آباد" زلکی و "اردویخ" موجود است. هیئت هفت نفره

کیا نوری خان، سردسته باند خیانت کار "حزب توده" در "جلسه پرسش و پاسخ" (۵۹/۱۲/۱) ضمن با سخ به مسعود رجوی، از جمله مطالعه همدر مورد "جهیه متعدد" که از طرف این "حزب" علم شده است بیان نموده و در بخشی از آن گفته است: "در موردهای زمان معا هدین خلق و برخسی گروههای دیگر از جمله "جریک های اقلیت" ، "راه کارگر" و غیره هم کما کان معتقد دید، تا هنگامی که عکس آن ثابت نشود، رهبری و اعضا آنها با لقوه در جهیه متعدد خلق جهیه خدا میرالبسی و دموکراتیک قرار دارند...". (مردم - دو شنبه ۱۵ فروردین ۵۹) - تا کیده ای ماست) اینکه چه مری باعث شده است که کیا نوری خان در موردهای فدا شیان (اقلیت) و "راه کارگر" "چین ارزیابی کرده و آنها را از متحدین با لقوه حزب توده بشما را ورد، قبل از هرچیز به موضع سازمان فدا شیان (اقلیت) و "راه کارگر" برویزه در سرخورده روز بروزیونیسم خروج شدی و سویاً امیریا لیسم شوری برمیگردد، این دو بخطاطر تزلزلات بیشمار شان نسبت به روز بروزیو - نیسم - مظلومی که برای راه از سوی مایه آن را خود شده است - آنها ن "امیدی" در دل کیا نوری و حزب خان شونده بوجود آورده اند آنها را در "جهیه متعدد" ابداعی خود جای دهد و این مسئله زنگ خطیری حدی برای رفقای نداشی و راه کارگر است که علت این برخوردهای کیا نوری خان را نهدر می شوند و موضع حزب توده بلکه در درون تشکیلات خود و در گرایانه بیرون از فکر جا ره باشد. اما بین این مطلب از سوی "کیا نوری" ،

بدنیال او جگیری مبارزات دهقانی در سرا سایران و تعریض انتقامی آنها برای مادره و تقسیم زمینهای دولتی و مالکی بین خود رژیم جمهوری اسلامی، ضمن سرکوب جنیشهای دهقانی دست به رفرزده و بالیجا دهیشهای هفت نفره واگذاری زمین دریی آرامگردان مبارزات دهقانی سرآمد، هیئت هفت نفره مشکل از جمیره - خواران رژیم، بینا به ما هبست طبقاتی خود، در جماعت از زمینداران، با مخالفتیهای دهقانی در اکترنقا طایران موافق شد. جه این هیئت های رفرم ادعای رژیم را نمی توانستند بیرون فریم دهقانان و پیشیبا نی از منافع زمینداران و مالکین انجا مدهند. آنچه که ملاحظه مکنند کوشاهای از عملکردهای ضدها های هیئت هفت نفره در روسای "خرو علیا" "درینشا" بیرون و مبارزات دهقانان بین بر علیه فریبکاریها ای این هیئت می باشد:

در تاریخ دیماه ۵۹ دهقانان بی زمین "خرو علیا" با اتحاد و همیستگی خود، "توطنه های فریبکارانه هیئت هفت نفره را خنثی کردند. جریان از این قرار بود که حدود ۱۰۰۰ هکتار زمین به اصطلاح ملی شده در اراضی "اکبر آباد" زلکی و "اردویخ" موجود است. هیئت هفت نفره

مقاله آموزشی (قسمت اول)

بحثی پیامون دمکراسی

دموکراتیسم کاذب، دموکراتیسم ناپیگیر و دموکراتیسم پیگیر

خواهیم شد، مثلاً راکه انقلاب دمکراتیک و بر مردم ما نبودند و بیوسته تلاش میکردند تا آن خدا میریا لبیستی مادر را بدهد آن بیش رویان میبازد کارگران و زحمتکشان را علیه رژیم ساده کا شد است، باروشن بینی درک نمایم، و این خود بخش مهی از جل مسئله است.

حال بارگران و زحمتکشان را تکرار میکردند. بتوانند در مراحل مختلف سلطنت شاه عوام‌گیریانه صحیح از مسئله "دمکراسی" به این برش می‌بیشترفت: آن شده و خود به قدرت برستند و برجسته ای

خواهیم شد، مثلاً راکه انقلاب دمکراتیک و بر مردم ما نبودند و بیوسته تلاش میکردند تا آن خدا میریا لبیستی مادر را بدهد آن بیش رویان میبازد کارگران و زحمتکشان را علیه رژیم ساده کا شد است، باروشن بینی درک نمایم، و این خود بخش مهی از جل مسئله است.

حال بارگران و زحمتکشان را تکرار میکردند. بتوانند در مراحل مختلف سلطنت شاه عوام‌گیریانه صحیح از مسئله "دمکراسی" به این برش می‌بیشترفت: آن شده و خود به قدرت برستند و برجسته ای

آیا برای راستی همه طبقات و اقسام مختلف، خواهان آزادی و دمکراسی می‌باشد؟
آیا توقع و خواست همه طبقات از "دمکراسی" یک چیز است؟

دموکراسی چیست؟

لغت (دمکراسی) در سر از ریشه عربیان (حاکمیت مردم) معنا شده است. اما لفظ مردم نشان نگریست؟ آیا مردم، یک توده می‌شکل است و با اختصاری دارد؟ "حاکمیت (مردم)" چگونه در "دمکراسی" های موجود در تاریخ حقیقی پیدا شده است؟

برای پاسخگویی به این سوالات بروگشت مختصراً به تاریخ ضروری است: در آغاز، هنگامی که جامعه هنوز به طبقات تقسیم نشده بود، دموکراسی بحورت کاملی برقرار بود. جماعت‌بتری در آن دوران به شکل دموکراتیکی سازمان یافته بودند. همه انسان‌ها می‌توانند در این دفعه، قبیله و... در شوراهای عمومی بستکل کمالاً برابر بدریباره فعالیت‌های مشترک خواهند داشتند. همه مصلح بودند و خوبی، تضمیم می‌گرفتند. همه مصلح بودند و امور جامعه متوسط تبا می‌شدند، اداره می‌گشتند. فردی‌ریک اینگلیس این دموکراسی کامل ابتدایی را با شواشی خاص تصور می‌کند: "... و این ساخت تیره‌ای، با تما‌سادگی کوکاکا خوبیش، چشگرفت است! همه مور- بدون سرمازها، زاندارها با قبیله بخوبی می‌جرخد، بدون نجبا، با دشمنان، حکام، والی‌ها با قاضی‌ها، بی دون زندان‌ها بدون محاکمات، تمام دعواها می‌شوند... خانه‌ی صورت اشتراکی و کمونیست است، تیره‌ی قبیله بی هر تبره در میان خود حل می‌شوند... خانه‌ی صورت اشتراکی و کمونیست کجا به خاطر تحقق این خواسته و شعار مبارزه می‌گذارد؟

مطروح می‌شود، برای این منافع و نیازهای مشخص خود می‌زند و می‌گردند. بنابراین تنها شناختن این منافع است که به مانشان می‌دهد، آن طبقه‌ی انسانی است که این منافع را تحقق می‌نماید و تشریفاً جنمای چه هدفی از طرح شوار و مخفی دارد؟ واژه‌جهتی این شوار را مطروح مینماید؟ تا کجا به خاطر تحقق این خواسته و شعار مبارزه می‌گذارد؟ هرگاه با چنین روشی، یعنی با تنها روش علمی به مسئله "دمکراسی" بخورد نمایم، قادر

برخورد به موضوع دمکراسی و روش طبقات مختلف نسبت به آن در تماشی انقلابات دوران ساکن، همراهیکی از مسائل اساسی و مسورد دید بوده است. خاصه در جوامع تحت سلطه امیریا لبیم، مانند کشورها، که توهد و سیاست از "بورژوا- دموکرات" ها سمعی بخش ظیمه ای از خود بورژوازی در صورت انقلاب حرکت می‌گذارد، پیش‌رفت انقلاب در هرگاهی می‌خودد این مسئله مهم را مطرح می‌سازد. این واقعیت، هم‌اکنون در زندگی روزانه مخود را بدروشن ترین شکلی نشان میدهد. امروزه مثنا هدۀ میکنیم که همه کسی، همه طبقات و اقسام را آزادی و دمکراسی خویشند. توده مردم خواهان برقراری دمکراسی هستند و هر دوچنان حکومت، بینی صدروج‌ز بجمهوری اسلامی ادعای می‌کنند که مدافعان حقوق توده‌ز حمکنش هستند و بخصوص ذر حال حاضر که ما هیئت حزب جمهوری بیش از پیش برای مردم افشاء شده‌اند، جناب این مسئله می‌گذرد. حال مسئله مهمی که انقلاب در پیش روی می‌گزیند. حال در چندین است:

اولاً؛ آیا برای راستی همه طبقات و اقسام مختلف جماعه، خواهان آزادی و دمکراسی می‌باشد؟ ثانیاً؛ آیا توقع و خواست همه طبقات از "دمکراسی" یک چیز است؟ تجربه خوینیم قیام، این درس بزرگ را بدین موقعت که: هیچگاه از حرفها و شعارهای مشترک نباشد نتیجه گیری کنیم که منافع هم‌مشترک است در میان روزه طبقاتی مرافق می‌رسد و طبقات و اقسام مختلف شعارهای مشترکی را در محدوده مبارزه‌فریبا دمیزندند، اما هرگاهی با معاشره این واقعیت به این نتیجه برسیم که هدفها و منافع آن سبزیکسان است، مسلمان‌داجا رساده‌اندیشی مخفی گشته‌ایم. قبل از قیام می‌بینیم ما از این طبقات مساوی‌ریم: در جریان انقلاب شوار و طبقات و اقسام مختلف جامعه‌ی گره خود را بدین موقعت که مشترک شوارهای مشترک نباشد نتیجه گرفتند، اما کارگران و دهقانان، کارمندان - کاسپیان، دانشجویان و دانش آموزان فریبا دمیزندند: شاه با بدینگون شود. ما طالب جمهوری، استقلال و آزادی هستیم. هنگامی که می‌زند و گرفت و باده‌های سلطنت و ایستاده‌ای میریا لبیم را زندانیم، زمانی که مسلم شد شاه خان قطعاً رفتندی است و "یک پای سلطنت لب گور است"، بازگران‌ها و سنجابی‌ها، بورژوا لبیراها نیزه‌های می‌دانند و بحث‌ها را دادند: "شاه با بدینگون شود". آیا این واقعیت میتوان بلاعده این نتیجه گرفت که: خواسته‌ای و اهداف بورژوا - لبیراها، با خواسته‌ای کارگران و زحمتکشان یکی بود؟ هر دو این گروه‌ها از سرگونی شاه بکجا می‌ستند و هدف را دادند: می‌نمودند؟ زندگی نشان دادکه هرگز اینگونه نبوده است. سرما بیداران لبیرا ایل که هرگز خواهان سرگونی را می‌نمایند و نه بودی سلطه میریا لبیم

برقراری دمکراسی اسلامی خلق

دوران فشورالیسم تشکیل می‌داد. سلسله مراتب (بورکاری) و استندا دکه لازمه به بندگوشندن دهقانان سرممنهای اراسیان بود (دهقانی کدیگربرده نبود). ویزگی های دستگاه دولتی فشورالی بودکه محو "دمکراطی برده" - داری "راجتات" ناپذیرمن نمود.

بارشد ازارتولید - وسیع ترشدن تقسیم کار و بیدا بش سرما بدادری، انقلاب عظیمی در جامعه صورت گرفت که تمامی امتیازات و مناسات جامعه فشورالی را اسودکرد. — سورژا زی "دمکراطی" را در مقابل استندا دبوسیده فشورالی عوض کرد و خواهان برقراری جمهوری (دمکراتیک) کردید. دمکراطی بورژواشی، در روند خودش متمکاً ملترشد، تا آنجا که ظهرا هرگونه شایوهای سیاسی را از میان برداشت. اگر در "دمکراطی" برده داری کا ملا روشن و مشخص بسود که بریدگان از حقوق سیاسی محروم نموده است "دمکراطیک" شما بینده طبقه سردهدار است، اگر در دولت فشورالی قرون وسطی، کا ملا آشکار سودکه میزان قدرت سیاسی در را بطور مستقیم با مقدار زیمن تحت تملک است، در کا ملترين و پیشرفت ترین جمهوری دمکراطیک سرما بدادری این شایوهای بخش نمی خورد. حق رای عمومی و همگانی است و دولت ظاهرا از طریق انتخابات ممکانی تعبیین میگردد. حقوق سیاسی مسردم ظهرا در مقابل تاثون مساوی قلمدا داشتند و کویا همکان درقبال قانون با بکدیگر مساوی و برآ برند. این است ظاهره دمکراطی بورژواشی. (دریا راه بطن ما هیبت آن در ادا مقام السخن خواهیم گفت).

حال زمان آن رسیده است که تعریف مشخص (دمکراطی) را تنوجه نگیریم: "دمکراطی شکلی از دولت است" (۲) و "دمکراطی با تبعیت اقلیت از اکثریت همانندیست". دمکراطی عبارت از دولتی است که تبعیت اقلیت از اکثریت را تحدیق دارد، بعنی سازمانی است برای اعمال قوه قدره سیاستها تیک بک طبقه بر طبقه دیگر، بعنی بخش از اهالی بریخ دیگر" (۴) (تا کید - ات از خودلشین است).

بر اساس این تعریف مشخص و دقیق از (دمکراطی)، کا ملا روشن بکدیگر دکه برای شناخت ما هیبت (دمکراطی)، میباشد محتواهی آن شکافته گردد. جرا که بررسی شکل، بدون بررسی محتواهی آن، هیچگا واقعیت را نشان نخواهد داد. بک جمهوری دمکراطیک، بک شکل حکومتی است. ما هیبت دمکراطی آن چگونه روشن میگردد؟ با شکافتن محتواهی این جمهوری.

شکافتن محتواهی بک دولت و حکومت جگونه صورت میگیرد؟ باین طریق که مشخص نماییم، آن دولت، ارگان سلطه جه طبقه و با طبقاتی میباشد؟ بتا براین، هنگامی که مسئله دمکراطی مطرح میگردد، بخلاف اصله این سوال در بیش روی ما قرار میگیرد؛ چگونه دمکراطی ای؟ دمکراطی چه طبقه‌ای؟ جرا که "اگر فکر سلیمان و تاریخ برده داران تقسیم شده شروتندان استشان را گرو

فرای استشان رشونده بدباد مدت. آیا طبقات با منافع متفاوتی داشتند یا بکدیگر تضادی نداشته باشد؟ خیر. مبارزه مدا و موآسکاریان طبقات رو در رواج جنتاب نا بدبرسود. بداین ترتیب "از ازم شکه قدرتی موجود آیدکه در طا هر بر سر جامعه برمیخیزد ولی خودرا سر آن قرار میدهد، خودرا بیش از بیش آن بیکانه میکند دولت است" (۲).

دولت - این قدرت عمومی مسلمان دیگر نمی توانست همان "سازمان مسلح خودکار خلق" باشد، زیرا با تقسیم جامعه طبقات، اینکار غیرممکن شده بود. بتا براین وقت رفته از این قدرت عمومی مسلمان دیگر نمی گشت، و مقامات اداری در حق اجرا کننده وکنترل گننده قوانین ظاهرا هر شدند. دولت با اینکار غیرممکن شده بود. بتا براین وقت رفته از این قدرت عمومی مسلمان دیگر نمی گشت خارجی برآسان - که برای او بیکانه - طبیعت خارجی برآسان - که از تصادم مخالف و غیرقا بل فهم بود... قبیله، مرزا سان - در را بطری خودش و نیز در را بطری با بیگانگان بود. قبیله، تیره و نهادهای آنها، مقدس و تخطی نا پذیر بودند. بک قدرت عالیه، که بوسیله طبیعت نهاده شده - و فردرارا حساس، بندرا روکردار خود، مطلقاً تابع آن بود. اگرچه خلق های این عمر ممکن است شکفت ایگر - بنما بند، آنها سهیج و جهتماً بزینها فته بودند. همان نظروری که ما وکی میگوییم. آنها هنوز به بندنای جماعت بدوى متصل اند" (۱).

این دمکراطی کامل و ابتدائی همچنانکه انگلیس بیان می نماید بیربا به (شیوه تولید) بی نهایت قلب ماندهای استوار بوده که مالکیت اشتراکی را جنتاب نا پذیر مینمود. برآسان سلطه نا چیز نکمال نیزه راهی بولد، ایزارهای ابتدائی و متابع معاشر محدود انسان (گرد آوری و نکار)، کا رمشترک همه نیزه راهی جامعه ضروری میگشت. زمین و تمامی شروط های آن مشترک مورداً استفاده قرار میگرفت. تمامی شروط و اموال موجود متعلق به (کمون) بود. برنتیجه طبعاً شرایط این مالکیت مشترک و کار و تولید مشترک به طور مشترک تقسیم میشود و طبقات و بهره کشی وجود نداشت (ونمی توانست وجود داشته باشد). نهادهای دمکراطی شورا شی برای بشه جنین مناسبات تولیدی بتا نهاده شده بود. در یک کلام آن جناب دمکراطی ساده، کامل و ابتدائی روبنای بود که بر جان زیر بینا شی استوار گشته بود.

با رشد نیزه راهی مولده و بیدا بش تقسیم کار، مالکیت خصوصی بدباد مذوجانه های اختلاف در شروط و موقعيت طا عرض، طبقات در عرصه جامعه ظاهرا هر شدند. مردم به دسته های مجزا تقسیم گشته، و در را بطری با تولید نقش و مقاً متفاوتی را شفال کردند. برآسان ضرورت تاریخ، برده داری به جای کمونیسم اولیه نشست و جامعه به بریدگان و برده داران تقسیم شده شروتندان استشان را گرو

موقع در اختیار خانوارها گذاشتند میشوند. معهد احتیاط بک ذره از دستگاه اداری و بیچجه ماضی بپیشنهاد میگیرند و در بیشتر موارد، بک قیمه در مورد آن تصمیم میگیرند و در بیشتر موارد، بک عمل میکنند. هنوزنے فرد محتاج نمی تواند وجود داشته باشد خانوار کمونیستی و تیره بوطای خود در قبیل بیران، بیماران و معلولین جنگ عمل میکنند. همچنان آزاد پر ابرهستند. منجمله زنان هنوزنے جای برای برده ها وجود داشته باشد. بیکانه برای انتقاد قبیل بیکانه. "این چندین دمکراطی، برجهای به های اقتصادی بتا شده بود؟

"ساخت تیره ای در شکوفا شی کامل، متخصص بک شکل می نهایت عقب افتاده تولید بود. یعنی بک جمعیت فوق العاده کم، برآکنده در سرمه وسیع، بتا براین غلبه کا مدل طبیعت خارجی برآسان - که برای او بیکانه - مخالف و غیرقا بل فهم بود... قبیله، مرزا سان - در را بطری خودش و نیز در را بطری با بیگانگان بود. قبیله، تیره و نهادهای آنها، مقدس و تخطی نا پذیر بودند. بک قدرت عالیه، که بوسیله طبیعت نهاده شده - و فردرارا حساس، بندرا روکردار خود، مطلقاً تابع آن بود. اگرچه خلق های این عمر ممکن است شکفت ایگر - بنما بند، آنها سهیج و جهتماً بزینها فته بودند. همان نظروری که ما وکی میگوییم. آنها هنوز به بندنای جماعت بدوى متصل اند" (۱).

این دمکراطی کامل و ابتدائی همچنانکه انگلیس بیان می نماید بیربا به (شیوه تولید) بی نهایت قلب ماندهای استوار بوده که مالکیت اشتراکی را جنتاب نا پذیر مینمود. برآسان سلطه نا چیز نکمال نیزه راهی بولد، ایزارهای ابتدائی و متابع معاشر محدود انسان (گرد آوری و نکار)، کا رمشترک همه نیزه راهی جامعه ضروری میگشت. زمین و تمامی شروط های آن مشترک مورداً استفاده قرار میگرفت. تمامی شروط و اموال موجود متعلق به (کمون) بود. برنتیجه طبعاً شرایط این مالکیت مشترک و کار و تولید مشترک به طور مشترک تقسیم میشود و طبقات و بهره کشی وجود نداشت (ونمی توانست وجود داشته باشد). نهادهای دمکراطی شورا شی برای بشه جنین مناسبات تولیدی بتا نهاده شده بود. در یک کلام آن جناب دمکراطی ساده، کامل و ابتدائی روبنای بود که بر جان زیر بینا شی استوار گشته بود.

با رشد نیزه راهی مولده و بیدا بش تقسیم کار، مالکیت خصوصی بدباد مذوجانه های اختلاف در شروط و موقعيت طا عرض، طبقات در عرصه جامعه ظاهرا هر شدند. مردم به دسته های مجزا تقسیم گشته، و در را بطری با تولید نقش و مقاً متفاوتی را شفال کردند. برآسان ضرورت تاریخ، برده داری به جای کمونیسم اولیه نشست و جامعه به بریدگان و برده داران تقسیم شده شروتندان استشان را گرو

پیکار

هدف بورزوای از "بحث آزاد"

بعداً زیبعت بروند "سیس بنی مدراء خانه میکنند":
"میدوارم که همه‌ایین فرمت را غنیمت بشمارند
کشور ما دریک موقعیت و وضعیت است که اگر
فرصتهاشی که برای حل مسائل کشور از راه
آزادی داریم... این فرمت را برای این کار
از دست بدیم، بدیگر معلوم نیست که در آینده
نژدیک فرمت بدست بیا وریم، بینا برای این حاضر
بیشوده را بنجاشه شرکت کنند... تا بلکه
شرايط جو اجتماعی مایک جوا را موسایم و آماده
برای حرکت سازنده نسل امروزشود" (اطلاعات
۱۵ فروردین).

السته علاوه بر شریوهای خدا نقلایی نظری
"امت، خانشین "تدوه‌ای" و "اکثریت" و... که
از این "امتیت" بخود را رهستند، بورزوای
کوش میکنند تا کیدروی این نکته نیروهای
متزلزلی نظری محاجه هدین را بسوی خود بکشانند
با آنها به گفتگوی مستقیم شوند. این مطمئن است
بیا نکروحت هیات حاکمه از رشدنا رضا پیش
تدوه‌ها و کوش ارجاعی آنان برای سد کردن
چنیش تدوه‌ها و به انحراف کشیدن آن میباشد.
آیت الله خمینی که سرکوب هر مخالفی را تحت
نما سرکوب "کفار" لازم و احتجاج میشمرد و حتی
حا مرتبه دلیرالله‌ای خا شن "جهه ملی" را نیز
تحمل کنند و میگفت "بروندگم شوند" حال در اشر
باقیه در صفحه ۲۵

علیه هر دوچنای ارجاعی به سیمیج آنها بروگرد
شمایر این اقلایی بپردازد، عمدتاً در مقابله
حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته این حزب
مرتعج را تنها مسئول نا سایه ای ها و شرایط
سخت زندگی خود و فقدان اولیه تربیت پیش
اجتماعی و سیاسی میدانند.

اما و چکیروی فرا پیشنهاد رضا پیش تدوه‌ها
نسبت به رژیم. حتی اگرست اعلیٰ حمله آن
بطرف یک جنایت باشد... کل رژیم و درستیجه
منافع هر دوچنای اراده نهایت بطریم اندارد
و بهمین جهت در سیاستهای آیت الله خمینی
در برخورداری تدوه‌ها و نیروهای سیاسی چرخنی
بیش میخورد، اخیراً بنی مدرس از ملاقات با
خدمتی از قول وی گفته است:

"ماله سوم مربوط میشیده همین بحث آزادی
که ما گزوههای را دعوت کرده بودیم و باشان برپرسید
که درجه مرحله است و اینها بیا بینویسند که
البته من گفتم آنها عنوان نمیکنند" که ما امانت
نداشیم "گفتند: بخیر همه آنها امانت دارند،
بیا بینویسند و هر چهار گزوههای هم داشتند
خانش و دیگر همیا لگی های خدا نقلایی اش در
مورشکننده، چماقداری، سانسور و آزادی بسیار
انداختند، لبیه تبریز آن متوجه جنایت حزب جمهوری
اسلامی گردید و درستیجه تدوه‌های ناگایه در
اشتبهای فریب کارانه لبیرالله و نیز و دن
یک قطب کمونیستی قوی که با موضوعکبری قاطع

سالگرد شهادت رهبران خلق کرد



دهم فروردین امسال، مصادف بودیا سی و
جهارمین سالگرد شهادت قاضی محمد صدر قاضی
و محمدحسین سیف قاضی رهبران چنیش کردستان
در سالهای بیست رژیم و باستهای امیریا لیسم
شا خلاص، بس از سرکوب خلق کرد "جهه" و روی
کردستان، این سرهبر خلق کردادر روز
۱۵ فروردین ۱۳۶۶ در مهاباده دارآ ویخت.
سی و چهار رسال بس از شهادت قاضی محمد و
با رائش، خلق دلاور کردبار در سکیری از گذشته
برآفت خا روبرو نشیب و فراز خودیا قدمهای استوار
بردر واژه های انتقام را بروز کردستان حمامهای
کوhestanهای همیشه پیروز کردستان حمامهای
دلاری می آفرینند.
پادشاهیان خلق کردگرا می باشد!

آنها در جهت حفظ منافع طبقاتی ارجاعی
خود، به چنیش اقلایی خلقوای ایران ضربه
وارد و در در تاریخ چنیشها کمونیستی و
دیگران تیک جهان و ایران با شعورهای کمونیستی و
از اشتراکهای ارجاعی طبقات حاکمه مرتعج رو برو
هستیم که چگونه از طریق نفوذ در نیروهای مبارز
و کمونیست توانسته اندھریات عددی بپرسی
چنیش های کارگری و اقلایی وارد و ند.
این نیرویکی از روابط بین فعالیتین و اضطراب زمانها
و گروههای کمونیستی و اقلایی، هشیاری آنان
برای مقابله با سلطه های رژیم جمهوری اسلامی
از طریق نفوذ دادن عوامل و مزدورانش درین
نیروهای سی، شخص مرتعج و فنا لانزی که عکش را
می بینیدیکی ازا و باشان جمهوری اسلامی و به
احتمال زیاد با سدا رسمایه است. که در طی
جندها گذشته بیننا وین مختلف قدرتمند نیز در
تشکیلات رفای هوا دار از انشا شده ملی در اشر
برخوردهای هشیار نهاده اند و اقلایی رفای سرش به
سنگ خورده است.

این مزدوران ابتدا از طریق خریدن شریه و
کمک مالی و... اظهار تسامی و علاقه به مازمان-
های اقلایی و کمونیستی نموده و سیس کوشش
می شما بیندکه زمینه رخنه خود را در این نیروهای
بوجود دیا و رسندا مایا اندکی هشیاری اقلایی
با زیر نظر گرفتن حركات و اعمال آنها میتوان
و با یاد این مزدوران راشنا سانی و چهه
خیا نشکار و جنایت پیشنهاد را افشا کرد.

مزدوران ارجاع را درهولبایی افشا کنیم!

هشدارهای مازین کمونیست و اقلایی!



ارجاع برای مقابله با فعالیتی های نیروهای
ای اقلایی و کمونیست علاوه بر شریوه های
را بی رژیم سرکوب و نیز بهره گیری از کمکهای
"بی شایه"! روز بیرونیتی های خا شن "تدوه ای
و "اکثریت" و... از طریق نفوذ در سازمانهای
کمونیستی و اقلایی میکشندتا با شنا مائی
فعالیت این نیروهای اقلایی از کمک و کیف فعالیت

و مقتضی سدنیال مانورهای بظا هر "ضد" امیریا لیستی و "ضد" مریکا شی "سردمداران رژیم افت نسبی داشت، سرفرازی و اعتلایی داشته است.

امروز اگرچه توده های سیاسی ری نسبت به حزب جمهوری اسلامی و حتی آیت الله خمینی شکته است، امروز اگرچه نبردهای کمونیست و دمکرات از تنفسگشته تری برخوردار نشده اند، ولی همچنان به سبب فقدان آلتنتا تیتو کمونیستی قدرتمند و عدم وجود گاها ای انقلابی در میان توده های وسیع خلق و بیزبدلی عملکرد های ارجاعی آشنا روی عربان حسیها، توده های قابل توجهی نسبت به لیبرالها توهم دارند. اما برواضح است که این توهم مانند توهمی که در همان ابتداء نسبت به رژیم و جسد

انقلابی، توده های ادر مبارزه ای او جگیرند، علیه رژیم جمهوری اسلامی و امیریا لیستی به حرکت تاریخ ازا وادا شت. و علیه رژیم سرسکوها و کشتارها زندانها و خانه های "آن" من، شکنجه ها و تبریزهای و... جنبش اعلایی توده های قهرمان خلخای ایران اوج میگردید و بیش میباشد زدوکمونیستهای بیکیر فعالانه در راه تدارک انقلاب میزدند.

آری، در دو سال حاکمیت جمهوری اسلامی جنبش انقلابی توده های روندا علایی خسود را همچنان به پیش برده است. بیست میلیون و ۵۸ همچنان به جمهوری اسلامی (در ۱۵ فروردین ۱۴۰۰) اکثریت ۹۸ درصدی چه روز داشت! ابتدا مابه

اما برای توده های زحمتکش زمان زیادی نبود که خود را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی بینایند. توده های هم زرده مقابل خواسته ای که بخاطر آن رژیم شاه جلال راسنگون ساخته بودند با سرکوب و گلوله پاسداران سرمایه موافق شدند.

داشت شکننده است، زیرا یک نیروی ارجاعی هرگز و هرگز نمیتواند خواسته های عادل ای کارگران و زحمتکشان با سخ دهد و همین خاطر خوش ای و هوتوهماتی که شانه عدم آگاهی ای انقلابی است طی یک روند نکسته خواهد شد. همچنان که بیست میلیون رای دهنده در فروردین ۱۴۰۰ امروزه مقیاً چشمگیری کا هش با فته است، توهم نسبت به لیبرالها نیز خواهد شکست. اما این امرا کراز یکسوسنگی به تجربه مستقیم خود توده های دارد اذای سوی دیگروا بسته به رشد و توسعه کرا آگاه همچنان که توهم نسبت به رژیم مرتاح حکومبورزایی و همه نوکران آن یعنی روزیزونیست های رنگارنگ ما نند حزب توده خان و جوییکای اکثربت خیانتکار میباشد. برواضح است که افتای مشی نا بدگیر مجاہدین خلق نیز در خدمت ارتقا، دمکرا تیسم انتلایی در سطح جامع میباشد. بکوشتم تا سای ترا را دادن تما متوان انقلابی خود را جهت پیروزی انقلاب و برقراری سوسایلیست، حبیش اعلایی کنوی را تعیین بخشم.

همان آما روزیم است باین متنقلب ها و حقه های دو های معمول در آن (اوین آما رخدیسا نکرافت مقابل ملاحظه بایه رژیم و از دادن طرفداران جمهوری اسلامی و نارضایتی وسیع توده های مردم است).

سردمداران جمهوری اسلامی، باین واقعیت و افندی و بهمین جهت برای حفظ و تحکیم حاکمیت خود گردید از توطئه و دسیسه و فریبکاری برند شدند. ارجمند نگاهی کذا سه جریان اشغال نهارت (که در جراحت بند قدرت بین جناحهای حاکم و برای اشتراف حبس اعلایی توده های صورت گرفت) (ما را با افت نسبی جنبش در آن مقطع زمانی مواجمیازد اما آزادی فضاحت بارگروگانهای حاسوس آمریکا شی و بدنیال آن آزادی حاسوسان انگلیسی بیش از پیش چهاره و افعی رژیم را به توده های شما بند و درستی نظریات کمونیستهای پیکر را در این موارد اثبات کرده و حکمیتی خود را در خوزستان و غرب کشور آواره شهرها و بیان ها گشتند. این زحمتکشان آواره جنگ، نه تنها عزیزان خود، خانوکان شاهوکار روزنگاری خود را از دست دادند بلکه با بدترین شهتمان ها و حملات رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران شر و بروشده و بنا کوچکترین اعتراضی بازندان و قطع دسته زدند. اما چیز و جیره نفت و غذا و... پایان داده میشوند.

اما در مقابل اینهمه جنایت و خیانت رژیم جمهوری اسلامی که هر دو جناح ارجاعی آن "حزب جمهوری اسلامی" و لیبرالها خان و شاه در آن سهیم بوده و با زیرخویی نفرآ زمزد مزمود شده است.

نمایندگان امیریا لیستی در برزیم آمریکا مدددا داده شدند. سفارتات خربیدا سلحه آن آمریکا مدددا داده شدند. اسناد غارستگرانه مربوط به سلطه امیریا لیستی آمریکا بران ناپدید شدند و زدید توده های

زحمتکش بینان نگهدا شده شدند. روابط سیاسی اقتصادی با سوسیال امیریا لیستیروس و کشورهای سوریه و بیرونیستی سریان خلقهای ایران باشد نیشتی ادامه داشت. جایی کارشناسان آمریکا شی وا کارشناسان آلمان

شرقی و... گرفتند. ارشن شاهنشاهی سرعت بازسازی شد و فرمادهان آمریکا شی کدر را س کشتارهای وحشیانه ۱۷ شهریور تهران، اصفهان، سریز و... قرار داشتند. تطبیف دشند و خان شنبنی چون قره نهی، فردی، شاکر و بالآخره

فلایح مزدور عامل کشتار مردم شیراز (عنه دو روزیں از قیام بهمن) در اراس ارشن "اسلام آورده" قرار گرفتند. برخی فرمادهان مزدور ارشن دست به گودتا زندنولی مجدد مورد "غفو" قرار گرفتند. مقامات و ایستاده روزیم شاه مزدوران امیریا لیستی را مخدود بقاء شدند و مجددانه خلقهای ستمکش ما تحمیل شدند. قانون اساسی ارجاعی دست پخت "خبرگان" حاکم برسن و توهد ها کشت و... وبا لآخر در شش ما ها خبریا در گرفتن جنگ ارجاعی که درستیجه ما میت و سیمههای ارجاعی سوریه ای حاکم بر ایران و عراق و بنای خواست و اراده دور رژیم مرتاح ایران و توهد های بیشماری کشته و مجرح شدند و قحطی کرا نی، سیکاری، فقر و فلاکت و... چندین برا برند و بیش از ۱/۵ میلیون نفر آ زمزد مزمود شده است.

توهد های بیشماری کشته و مجرح شدند و قحطی کرا نی، سیکاری، فقر و فلاکت و... چندین برا برند و بیش از ۱/۵ میلیون نفر آ زمزد مزمود شده است. خوزستان و غرب کشور آواره شهرها و بیان ها گشتند. این زحمتکشان آواره جنگ، نه تنها عزیزان خود، خانوکان شاهوکار روزنگاری خود را از دست دادند بلکه با بدترین شهتمان ها و حملات رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران شر و بروشده و بنا کوچکترین اعتراضی بازندان و قطع دسته زدند. اما چیز و جیره نفت و غذا و... پایان داده میشوند.

اما در مقابل اینهمه جنایت و خیانت رژیم جمهوری اسلامی که هر دو جناح ارجاعی آن "حزب جمهوری اسلامی" و لیبرالها خان و شاه در آن سهیم بوده و با زیرخویی نفرآ زمزد مزمود شده است.

توده های زحمتکش و خلقهای قهرمان ایران بکدام زیبا رزه و بیکار شنا بسته دند. عملکرد های سیمههای خیانت با روحنا بستکارانه روزیم

جمهوری اسلامی و همراهان آن کمومیت ها و شرووهای فعالیت های آگاه همچنان که توهد های

بیانیه از صفحه ۲۹ هدف۰۰۰

او جگیری جنسن توده ها و شکاع آن در بیان و تشدید شکاهای درون هیئت حاکمه کل رژیم جمهوری اسلامی را مورد تهدید قرار داده، محبت از بحث آزادی هم کروهها و رواج این شیوه "نیکو" را بیفعع "جا معه" میداند. اکنون که خصیتی نتیجه رژیم سرکوب عربان را به فرور رژیم دیده و میبینند که توده های با مقاومت و مبارزه خود حیات کل رژیم جمهوری اسلامی را مورد تهدید است، انتلایی قرار داده اند، او هم طرفدار "بحث آزاد" و بای بقول معروف روش "نان و پیشیتی" دریک است و اعمال سوکوب در دست دیگر شده است. اما بس تغییرات کتبخیزی نیز رژیم جمهوری اسلامی

بیانیه در صفحه ۳۱

رفیق محسن فاضل مبارز قدیمی و یار خلق فلسطین آزاد باید گردید!



را با شوروبا پشتگار پیشتری آغاز مینمود.... درودبرا و درودبرتامی شهدای قهرمان که در راهزادی کارگران و زحمتکشان و توده‌های خلق از قیدا میریا لیسم و رجاع و ازین استشمار می‌بازد میکنند! درودبرا دران زحمتکش که همچون غلامرضا را بردامن خود تربیت کرده اند و به آنها ولین زمه‌های دوست داشتن انسانها را می‌موزند، انسانهای شرافتمندی که زندگی-شان به دست سرمایه داران خون آشامودلست آنها تباهم میگردد! و به امیدروزی کدر پیمودن را درخ رهای غلامرضا های جمهوری دمکراتیک خلق، جمهوری برادری و برادری تمامی کارگران و دهقانان و دیگر توده‌های خلق و جمهوری عزای سرمایه داران و دشمنان خلق برسیم! در پایان لازمه تذکر کردم این نیم که به اطلاع کلیه هموطنان می‌رزویم و آنکه بر سر نیم که شهادت رفیق که هظا در اشتراحت داده و در روز ۴ اسفند ما که کسو رمتو ریو بوده و مقداری نیز اعلامیه سازمان را به همراه داشته، همچنان تکدر آغاز گفتیم سپاه رشکوک بنظر میرسد. اولاً سما و خانواده رفیق حدود ۲۵ روز بعد توانستم از سروش رفیق گشته خودا طلاق پیدا کنیم چهرا که بزشکی قاتونی بدون اعلام آگهی در روزنامه های جنین هدف بزرگی می‌رزویم. ا و خوب می- داشت که هر اعلامیه مانند جرقه‌ای است که امروز برخ من سرمایه داری می‌افتد و فردا آنرا به آتش کشیده و تا بودخواهی دکرد، با زین روحشی یک لحظه در راه آگاهی کردن توده‌های را می‌داشت. جنین اوضاع و روز و شب فرقی نمیکرد، و با جسم از طریق بخش اعلامیه، چه از راه شمارنی و تبلیغ و... در راه هدف بزرگی که با خاطر آن پیکار میکردد در لالش بود. حتماً بسیاری از رفیقان کارگر کارخانه‌های جنرال موتورز، ایران - ناسیونال، مینو، مرقره زیبا، استارلایست، سایبا و... با دیدن عکس رفیق غلامرضا او را بخاطر می‌آورند. آنها حتماً چهره صمیمی او را چونه‌ها همراهی دیگر فیضش، با جارت تمام چندین با رارجلوکار خانه‌شان دیده اند که اعلامیه را در جلوکار خانه پیش میکرد، و بدین ترتیب کارگران می‌ازم و شنیدند که را خوشحال و مزدوران سرمایه داران و فلانشها را دمغ و عصباً نی بجا میکذاشت و میرفت!

باقیه از صفحه ۲۶ هدف.

را نجات نخواهد داد. توده‌ها با تعمیق شناخت خود از ما همیشه رئیس جمهوری اسلامی و دراشر-نمای است آنکه همکارانه نه تنبر و همکاری کمونیست بیش از پیش درخواستندیافت که مسباب اعلی تماماً جنایت ها و فجایع را برج درجا می‌منهند یا آن جنایر را که درین سرمایه داری وابسته و کل رئیس است که آنرا حفظ و تحکیم می‌بخشد و درنتیجه باید سمت حکمه انقلابی خود را متوجه کل سیستم حاکم و نظام چنانچه ای حاکمیت بنمایند و تتحقق چنین هدفی زیاد هم دور نیست

الف - ش ۲۰۰



گرامی باد

یادگاری پیکارگر شهید

رفیق غلامرضا صداقت پناه

بار دیگر سما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگریکی از اضافی (وابسته) مدیق خود را از دست داد، رفیق غلامرضا صداقت پناه که در سازمان با اسنادهای میرزا مشهور بود در جریان یک تصادف مشکوک بشدت مجروح و پس از انتقال به چندبیان رستان در حالیکه هیچ احساس ای مسئولیتی نسبت به حفظ جان رفیق مسحور نگرفته، به شهادت رسیده است. بادش همیشه کرا می باد!

رفیق غلامرضا یکی از رفقاء پرشور و فعال مادریکی از گروههای پیش شهران بود که وظیفه بخش اعلامیه و تراکت در جلوکار خانه‌ها را حاده کرج و محلات زحمتکش نشین را بر عهده داشت و همینه میبح زودیا دستان پراز اعلامیه به همراه دیگر رفقاء به جلوکار خانه‌ها میرفت و با جسم از تما مودر جلوچشمان مزدوران سرمایه داران و فلانشهاشی کدیخون امثال او شنیده اند و رفته های آگاهی بخش را بدست پیشنهای کارگران میرساند. و گمونیست هوان و آگاهی بود که می-دانست چه میکند، و می‌رزویم از سال ۴۵ و از هنگا میک بشتران ۱۷ سال نداشت علیه رزیم سرمایه داری شا جلاد آغا زکرد، اور طی همین روز خود بخوبی دریافت که تا چه اند زاده آگاهی سیاسی برای کارگران و زحمتکشان اهمیت دارد. همچنان او که در کنار میلیونها کارگر زحمتکش و توده‌های آگاهی خلق در می‌زد پرسکوه علیه رزیم شا معدوم شرکت داشت و در قیام بهمن ماه در حمامه آفرینی توده‌هانش داشت، در پرتو آموزشای مارکسیسم - لئنینیسم بخوبی برتوان وقدرت تاریخی طبقه کارگر آگاهی بود. بهمین لحظه به پیروزی قطعی کارگران و زحمتکشان بر نظم سرمایه داری ایمان داشت. او خوب می-دانست اگرچه امثال بهشتی ها و فرنجتی ها و سازگانها با حما بست کا مل خمینی شلش کردند، قیام توده‌ها پیروز نشد. اگرچه آنها تلاش کردند بر اتفاق مها رزندند، اگرچه آنها تلاش کردند با سازش سما میریا لیسم سرمایه داری ایران را نهادت دهند، اما چون کارگران و زحمتکشان نا-بودی سرمایه داری را میخواهند، چون برقراری حکومت واقعی کارگران و زحمتکشان را می-خواهند چون سرمایه را میخواهند پیروزی - از آن کارگران و زحمتکشان و شکست از آن سرمایه - داران و دولت کنونی آنها رزیم جمهوری اسلامی است. آر رفیق غلامرضا در چنین راهی و بخاطر

دروبد برتامی شهدای بخون خفته خلق

بیاد رفیق پیکارگر مالک عباسی



رفیق مالک عباسی، کارگه‌هوا درازمان ماسودکرد جریان حنگ ارجاعی کتوونی، در اشر ترکش خمباره زخمی شده بیشنا د رسید. رفیق مالک در میان زحمتکشان سرگز شدو بخاطر آنها و در راه آزادی آنها زندگی و ممارزه کرد و در حاره لیکه قلبش یکپا راهه عشق و محبت نسبت به طبقه‌کارگرسود قربانی حنگ ارجاعی میان روزیمهای ایران و عراق شد. رفیق مالک برای نجاح موظاف شنکلایی و افتخاری ما هم است و جنایات جنگ در شهرها هوازمان نده بود دریا دنای مد رفیق ابیکار؛ زکم‌شدن جذر رفیق صحبت شده بود. اطلاعات رسیده‌حکی ازان است که حسن‌د رفیق در گورستان اهواز بخاک سپرده شده است و بدین‌سویله خیر فوق صمن پوش، تصحیح میشود. یاد رفیق شهید، مالک عباسی و میار زات خستگی ناپذیرا و در دل زحمتکشان خوزستان رشده خواهد بدمان ند.

راه سرخ سپروزی ساد!

پیشتبانی ارش وزارت دارمی و به کمک حمران ها
و خا منهای هامورت میگرفت روپروردند. تحقیق
عقايد تبرون و سلطانی از شروع شدوارکسان
مترقبی، انتقالی و کمونیست با جماقی بنام
"تفصیل" روپروردند. فعالیت سیاسی در مدارس
"منعون" شد. داشتگاهها، این سکرهای آزادی
ومقاومت موردناتخت و تازا و ایشان ارتھاع
قرار گرفتند. زندانها مجدد از انقلاب—
دمکرات و کمونیست ها پرشندو.....
وابن همه عملکرد ریم حموروی اسلامی نبود.
با زاسازی سرما بیداری و استهانی از سرسر
گرفته شد. سرتیق قول و قراری که زیرال—
هویزرا مریکا شی گذاشتده بود، روا بسط
نقیبی در صفحه ۳۵

یادداشت‌های شیاسی هفت

- روز ۱۰ فروردین ۵۸، میلیونها تند و متوهم به صندوقهای رای شناخته و حاکمیت جمهوری اسلامی را "رسمیت" بخشدند. ۱۰۰۰۰۰۰
 - دو سال پس از اعلام "جمهوری اسلامی" تند و های زحمتکش که تمام خواسته ها و انتظارات خود را نفقن برآب میبینند، "مرازهای گسترد" با جمهوری اسلامی را به پیش میرند.
 - دو سال حاکمیت جمهوری اسلامی، "مازاسازی سرمایه داری وابسته و برقراری مجدد روابط غارنگارانه با امریکا میباشند، سرکوب مداوم خلقهای قهرمان و شیروهای انقلابی و کمونیست و در مقابل، "مرازه اوجگیرنده" تند و های زحمتکش را در پرداخت.

درجهه ای که گذشت ارتعاج سومین سالروز علام رسمی "زماداری منحوش را "جشن" گرفت . روز ۱۲ فروردین ۵۸، بدبنا ل رفرا ندویم بر هیا هوشی که رژیم به کرد، مجمهوری اسلامی ریسما اعلام دندا رگان سازش نارهبران خرد و بورزو او بو، زوابا میریا لیستها که بدبنا ل قیام پسر نکوه خلخای قهرمان ایران در بهمن ۵۲، زندگی با فته بود، رسمیت پیدا کرد. سدمداران رژیم جدید که نیک میدا نستند توده های مبارزی که برخاستند و سلطنت منحوش بهلوی را با وجود ارشت تا بندان مسلح و پیشیغایی امیریا لیسم بویزه آمریکا سرنگون ساختند، با آگاهی با فتن نسبت به ما هیبت رژیم جا نشین آن و درا شتر سیاستهای خاشناه و خود خلقی رژیم جدید همچنان به پیکار دلواره شاءدا م خواهند داد. بهمین جهت رژیم جدید با مو استفاده از توهه توده های نسبت به حاکمیت دیدور هیری آن سریعاً قادر به برگزاری انتخابات نمود. وبا در درست داشتن تمام مدتگاه های تبلیغاتی وعوا مفریبی، توده ها را در مقابله سوال "سلطنت آری یا نه" قرارداد. رژیم به برکت آنجه که همت بزرگ توده های ستشک و در اشرفترا را نقلابی آنسان صورت گرفته بود (منظیر در هم شکستن سواک، اعدام نقلابی نصیری، ربیعی، و دیگر مهره های مسدود رژیم شاه ببرخی مادره های اقلایی توده ها و....) از توده هاشی که معیار رشنا ساشی شان از رژیم، نه ما هیبت حاکمیت جدید بلکه مبارزات توفنده خودشان بود و با سودجوشی از توهه آنسان و اعتقادات تهیی آنها، رای اعتماد گرفت. سدمداران رژیم را جمله با زرگان خاشن، بخت و زیرلیبرال آن رای میلیوی توده های متوجه و نا آگاه به ما هیبت رژیم را جما قی کردند (معروف به رای ۹۸ درصد!) تا با آن سیاستهای خاشناه خود و نیز تندیکی با امیریا لیسم آمریکا و دیگر امیریا لیستها و... را بیوشا نند. و با استفاده از رای مردم بعنوان "سند حق نیست"

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتقای داخلی جدا نیست